



عنوان و نام پدیدآور: پاسخ‌های امام رضا علیه السلام به چهل پرسش قرآنی [کتاب] / گروه پژوهشی دین و معارف زائر، اکرم دهقان... [و دیگران]. مشخصات نشر: مشهد: (به نشر) آستان قدس رضوی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

فروست: (به نشر) آستان قدس رضوی؛ ۱۹۹۷.

شابک: ۹-۲۴۱۹-۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: اکرم دهقان، فاطمه آگهی، زینب آفاگلی‌زاده، لیلیاسادات حسینی.

یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۹۸ تجدید چاپ شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص ۱۹۳-۱۹۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن - بررسی و شناخت

موضوع: Qur'an -- Surveys

موضوع: علی بن موسی علیه السلام، امام هشتم، ۹۱۵۳ - ۲۰۰۳ ق. - قرآن

موضوع: Koran -- Imam VIII, Ali ibn Musa

موضوع: اسلام - پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع: Islam -- Catechisms

موضوع: زندگی مذهبی (اسلام)

موضوع: Religious life -- Islam

شناسه افزوده: دهقان، اکرم، ۱۳۶۵ -

شناسه افزوده: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی). گروه زائر

شناسه افزوده: Behnashr(Astan Quds Razavi Publications)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵/۳/۳۳۳/۳/۳۳۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۰۲۳۹۱



پاسخ‌های امام رضا علیه السلام به چهل پرسش قرآنی

گروه پژوهشی دین و معارف زائر:
اکرم‌دهقان، فاطمه‌آگهی، زینب‌آقاگلی‌زاده، لیناسادات‌حسینی

پاسخ‌های امام رضا علیه السلام به چهل پرسش قرآنی

گروه پژوهشی دین و معارف زائر،
 اکرم دهقان، فاطمه آگهی، زینب آقاگلی‌زاده، لیناسادات حسینی

ویراستار | هانیه اسدی‌پور فعال مشهد
 طراح جلد | محبوبه درودی
 صفحه‌آرا | ایمان سجادی
 نوبت و سال چاپ | پنجم ۱۴۰۲
 شمارگان | ۷۵۰۰ نسخه
 مجموع شمارگان چاپ شده قبلی | ۶۵۰۰ نسخه
 قطع | رقعی
 چاپ | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
 شابک | ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۴۱۹-۹

قیمت | ۱,۴۰۰,۰۰۰ ریال
 حق چاپ محفوظ است.
 به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی | مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد | ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹ ص.پ.
 تلفن و دورنگار | ۳۷۶۵۲۰۰۸
 دفتر تهران | تلفن و دورنگار | ۸۸۹۶۰۴۶۶
 سامانه پیامکی | ۳۰۰۰۳۲۰۹ شبکه‌های اجتماعی | ۰۹۰۲۷۶۵۲۰۰۸
 نشانی اینترنتی | www.behnashr.com پست الکترونیکی | publishing@behnashr.com
 اینستاگرام | [behtarinhaye_nashr](https://www.instagram.com/behtarinhaye_nashr)

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۶
بخش اول: عقیده و باورها	۲۱
امام رئوفم! عقیده و باورها چگونه باید باشد تا زندگی سعادت‌مندی را برایت رقم زند؟	
دژ مستحکم خدا در برابر عذاب چیست؟	۲۲
آیا شرط ورود به آن را دارم؟	
آیا عقل من به تنهایی برای تشخیص راه هدایت کافی نیست؟	۲۷
دلیل ارسال پیامبران <small>علیهم‌السلام</small> از جانب خداوند چیست؟	
در روز قیامت پاسخ‌گوی چه سؤالاتی هستیم؟	۳۱
می‌خواهم بدانم مقصود خدا از کلمه (اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>) در سوره مبارکه احزاب چه کسانی هستند؟	۳۵
مسلمان و مؤمن چه تفاوت‌هایی دارند؟	۴۰
آیا می‌توانم هر مسلمانی را مؤمن بدانم؟	
و کیلی که امورم را کفایت کند کیست؟	۴۴
تولی و تبری در زندگی من، چه نقشی دارد؟	۴۸
بخش دوم: عمل و واکنش	۵۳
امام رئوفم! در زندگی فردی و اجتماعی‌ام چگونه عمل کنم تا رضایت خدا را جلب کنم؟	
فصل اول: اعمال فردی‌ام	۵۴
چگونه می‌توانم در حیطه فردی سعادت‌م را تأمین کنم؟	
خودشناسی چه ضرورتی برایم دارد و میزان اهمیت آن در قرآن تا چه حد است؟	۵۵
حسابرسی و سنجش اعمال (خودسنجی) چه اهمیتی در زندگی‌ام دارد؟	۵۹
برنامه صحیح برای زندگی دنیا و آخرت‌م چیست؟	۶۳
چگونه از زمان خود در مسیر الهی به بهترین شکل بهره‌برداری کنم؟	۶۷





- ۷۲ بهترین راه به دست آوردن علم چیست؟
آیا می توانم بدون پرسش، دانشمند شده و علم خود را پرورش دهم؟
اگر خداوند بی نیاز است، چرا باید او را عبادت کنم؟
- ۷۶ پرستیدن خدا چه سودی برایم دارد؟
چرا باید دعا کنم؟
- ۸۰ دعا چه کارکردی دارد؛ مگر خداوند نیازهایم را نمی داند؟
قرائت قرآن چه تأثیری در من دارد؟
چه کنم تا زندگی ام آسان شود و خیر و برکت آن افزایش یابد؟
آیا پاکی دل کافی نیست و حتماً باید نماز بخوانم؟
مگر خدا به نماز من نیاز دارد؟
چرا باید روزه بگیرم؟
روزه چه تأثیری بر من دارد؟
چرا باید به حج بروم؟
مگر خدا همه جا نیست؟
چرا هزینه حج را صرف رفع نیاز فقیران نکنم؟
چرا به جای در خواست مستقیم از خدا، حوائج من را از ائمه علیهم السلام بخواهم؟
چرا بر پیامبر صلی الله علیه و آله پاکی ها و اهل بیت ایشان صلوات بفرستم؟
صلوات به چه معناست؟
- ۱۰۱
۱۰۵
۱۰۹
۱۱۳
۱۱۷
۱۲۱
۱۲۵
۱۲۹
۱۳۳
- چرا باید در مسائل خود با دیگران مشورت کنم؟
آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان نیز با دیگران مشورت می کردند؟
بهترین زمان برای آغاز فعالیت روزانه ام چیست؟
از خداوند بخواهم که چه نوع رزقی را روزی ام کند؟
غذای من چه چیزی باشد تا به مرتبه بندگان برگزیده خداوند نزدیک شوم؟
چه کنم تا قناعت پیشه باشم؟
قناعت پیشگان چه خصوصاتی دارند؟
انواع صبر چیست و چه جایگاهی در ساختار ایمان من دارد؟
شکر گزاری من چگونه باشد تا خوشایند پروردگارم باشد؟
حقیقت شکر چیست؟
جایگاه تفریحات در زندگی ام چگونه است و مرز آن تا کجاست؟



- ۱۳۷ چگونه تندرست و سلامت باشم؟
- ۱۴۱ فصل دوم: اعمال اجتماعی ام
- چگونه در حیطه ارتباطات اجتماعی زندگی سعادت‌مندان‌ه‌ای را پایه‌ریزی کنم؟
- ۱۴۲ گفتار اول: خانواده ام
- در زندگی خانوادگی چطور خداپسندانه زندگی کنم؟
- ۱۴۳ چرا از دواج کنم؟
- ضرورت و دلایل تشکیل زندگی مشترک چیست؟
- ۱۴۷ خط قرمز اطاعت من از والدین کجاست؟
- ۱۵۱ فرزندم چه حقوقی بر گردن من دارد؟
- ۱۵۵ آیا درجه پرهیزگاری و تقوای من با پیوند با خویشاوندانم ارتباطی دارد؟
- ۱۶۰ گفتار دوم: جامعه ام
- ۱۶۱ با دیگران چطور خداپسندانه زندگی کنم؟
- چرا باید به یتیمان توجه بیشتری داشته باشم؟
- ۱۶۵ عقبه در روز قیامت چیست؟
- چگونه از آن بگذرم؟
- ۱۶۹ برادران دینی من چه حقوقی بر گردنم دارند؟
- ۱۷۳ با چه ویژگی‌های اخلاقی‌ای می‌توانم جزء بهترین بندگان خدا باشم؟
- ۱۷۷ چرا امانت‌داری ملاک سنجش ایمانم است؟
- ۱۸۱ وفای به عهد نزد اهل بیت علیهم‌السلام چه جایگاهی دارد؟
- چگونه به عهدم وفا کنم؟
- ۱۸۵ دوستان ماندگار و دوستانی که در قیامت به دشمنم تبدیل می‌شوند، چه کسانی هستند؟
- ۱۸۹ چرا به خوبی‌ها دعوت و از بدی‌ها نهی کنم؟
- ۱۹۴ کتابنامه

پیشگفتار

عناصر زندگی مدرنیته عصر حاضر، حضور دین را در واقعیت زندگی سخت جلوه می‌دهد؛ به‌خصوص آنکه دین متناسب با مقتضیات عصر کنونی به مردم عرضه نشده است. از سوی دیگر گاه دین‌داری امری دست‌نیافتنی نشان داده شده، حال آنکه طبق سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دین اسلام شریعتی آسان است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «بِعَنِّي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ یعنی خدا مرا با شریعتی آسان و باگذشت مبعوث کرد» و این رسالتی است که بر دوش متخصصان هر یک از حوزه‌های علوم اسلامی سنگینی کرده و آنان را موظف می‌گرداند تا در جهت رفع معضل یادشده به سهم خود قدمی برداشته و آموزه‌های کتاب و سنت معصومان علیهم‌السلام را به زیبایی و هنرمندانه به مردم نشان دهند که اگر این مهم اتفاق افتد، مردم صادقانه پذیرفته و از آن تبعیت خواهند کرد و در نتیجه موجبات نشر و توسعه فرهنگ اسلامی فراهم خواهد شد. همان‌گونه که امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛^۱ اگر مردم زیبایی سخنان ما را بدانند، حتماً تبعیت می‌کنند».

میان تأثیرپذیری از فرهنگ الهی و وحیانی و تقرب به خدا ارتباط مستقیمی وجود دارد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، ترجمه کمرهای، ج ۵، ص ۴۹۴.

۲. ابن بابویه؛ عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۷.





عملکرد پیامبر ﷺ و امامان بزرگوار علیهم‌السلام به‌عنوان معارف اسلامی و تمدن و فرهنگ الهی، پایه و اساس انسانیت، مدنیت و عقلانیت اسلام است و اصل و منشأ تمام قواعد و احکام اسلام بر این سنت و بر قرآن مبتنی است و هر کس بدان‌ها بگردد، به انسانیت و عبودیت و بندگی خالص خداوند گرویده است.^۱

لذا با توجه به توضیحات فوق این طرح در نظر گرفته شده است تا نشان دهد که چگونه می‌توان حقیقت دین‌داری را در واقعیت نیز اجرا کرد و آموزه‌های عام و کلی را در قالب امور روزانه، به امور جزئی و بخشی از فعالیت انسانی تبدیل کرد تا در نتیجه آن تعالیم دینی در همه فعالیت‌ها و مسائل مرتبط با حیات روزانه تسری یابد. بدین ترتیب برخلاف تصور غالب در اجتماع که دین‌دار بودن را سخت، دست‌نیافتنی و در حد یک آرمان دانسته و برای دین جایگاه متعالی و فوق‌متعالی ترسیم کرده‌اند، هر رفتار، گُنش و فعالیت انسانی از خوراک، پوشاک و قدم زدن گرفته تا ورزش، کار و فعالیت اقتصادی و در یک کلام، زندگی روزمره انسان واجد محتوا و سمت و سوی دینی و الهی شود.

در همین راستا برخی از عوامل دین‌گریزی را بی‌انگیزگی، خستگی و کسالت، دل‌مردگی و ناامیدی، بی‌تفاوتی نسبت به زندگی خود و دیگران و ... دانسته و معتقدیم اگر برای هر یک از آن‌ها چاره‌ای اندیشیده نشود، از جمله آسیب‌ها و خطراتی هستند که به‌طور جدی جامعه اسلامی را تهدید خواهند کرد. رسالت این پژوهش آشنا ساختن نسل جوان با قرآن از خلال پرداختن به میراث قرآنی رضوی و نمایاندن معارف ناب حضرت رضا علیه‌السلام در باب کلام الهی است؛ امری که ضرورت پرداختن به آن برای همگان روشن است.

دین اسلام نه تنها فردی و شخصی نیست، بلکه در تمامی قلمروهای زندگی بشری

۱. سرگلزایی، علی‌اکبر؛ تکرشی به فرهنگ و تمدن از دیدگاه نهج‌البلاغه، ص ۲۶۸.



دارای پیام و آموزه است و هر کس جامعیت آن را انکار کند، به تعبیر امام رضا علیه السلام دین را انکار کرده و کتاب خدا را رد کرده است.^۱ بنابراین اهداف مربوط شامل موارد زیر است:

۱. ارائه چهره‌ای همه‌جانبه و چندبُعدی از اسلام؛
۲. انس و نزدیکی بیشتر با خدا؛
۳. ایجاد تحوّل در سبک زندگی افراد جامعه اسلامی در سایه عمل به تعلیم الهی؛
۴. بالا بردن انگیزه و روحیه جمعی افراد جهت زندگی مجاهدانه در راه خدا؛
۵. ورود به عرصه مدیریت قرآن و اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام رضا علیه السلام در زندگی؛
۶. درک لذت عبادت؛
۷. عینی‌سازی فرهنگ اسلامی در عرصه زندگی و آشنایی با سبک زندگی اسلامی.

لطف و حکمت خداوند متعال همواره اقتضا کرده که آفریده خردمند و کریم خود، انسان را بی‌راه و راهبر رها نکند؛ از این رو در طول حیات بشر به تناسب امت‌ها و موقعیت‌ها، رسولانی برای راهنمایی او به صراط مستقیم الهی - که سرچشمه سعادت دنیا و آخرت است - فرستاده است. قرآن کریم، کلام الهی، کتاب هدایت و معجزه جاوید و جهانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و... برای نیل بشر به سعادت ابدی تجلّی یافته است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله اسلام را استوار ساخت و رسالت تبیین و تفسیر قرآن را به نیکوترین شیوه به انجام رساند و در گفتار و کردار، آیینه تمام‌نمای قرآن بود، اما پس از دوران محدود رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله نیاز بود تا پرچم این رسالت را شایستگان برگزیده که وارثان پیامبران و حاملان علم الهی‌اند، به دوش کشند. به موجب حدیث متواتر ثقلین، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همین رسالت‌ها را به جانشینان خود، یعنی



عترت طاهرین علیهم‌السلام سپرده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: همانا من در میان شما دو ثقل (چیز سنگین) به جامی گذارم: کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. همانا آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا روزی که در کنار حوض بر من وارد شوند؛ مثل این دو، و آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دو انگشت سبابه (و اشاره) خود را به هم چسبانید. در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری بر خاست و گفت: ای پیامبر خدا؟ عترت شما کیست؟ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: (عترت من) علی، حسن، حسین و امامان از اولاد حسین علیهم‌السلام تا روز قیامت هستند.^۱

واژه «ثقل» در لغت عرب به معنای هر چیز سنگین است و در مقابل هر چیز سبک به کار می‌رود.^۲ اما اینکه چرا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرآن و اهل بیت خود علیهم‌السلام را دو چیز سنگین نامیده است، چند توجیه دارد:

اول: تمسک و عمل کردن به دستورهای قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام، کار بسیار دشواری است.

دوم: با توجه به اینکه در زبان عربی به هر چیز نفیس و بااهمیت «ثقل» گفته می‌شود، قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر ارزش و اهمیت بسیار والا، ثقلین؛ یعنی دو چیز نفیس و ارزشمند نامیده شده‌اند.^۳

سوم: برخی از دانشمندان «ثقل» را به معنای بار سفر گرفته و اظهار داشته‌اند، هر فردی که خواهان سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی است، باید در این مسیر بار سنگین

۱. ابن بابویه؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، باب ۲۲، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۷۳.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ لسان‌العرب، ج ۲، ص ۱۱۴.



قرآن و عترت علیهم‌السلام را به دوش بکشد و بدین وسیله سعادت خود را تأمین نماید.

بر اساس آنچه در این حدیث متواتر آمده است، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همتای قرآن بوده و بین آن‌ها رابطه‌ای ناگسستنی تا روز قیامت وجود دارد. تمسک به هر یک بدون دیگری، مساوی با ترک هر دو ثقل است و دست‌یابی به دین کامل، تمسک به هر دو ثقل است. بدین ترتیب قرآن و عترت، عصاره نبوت و تداوم بخش رسالت‌اند که هدایت بشر را تا قیامت تضمین می‌کنند.

قرآن در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت علیهم‌السلام تجسم و عینیت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان، مستقیم یا غیرمستقیم، تبیین‌گر کتاب الهی در ابعاد گوناگون آن است. این میراثی است که در میان خاندان نبوت علیهم‌السلام وجود داشته تا به هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، علی بن موسی الرضا علیه‌السلام رسید و آن امام، وارث کتاب الهی و تبیین‌گر راستین قرآن شد.^۱

بخش مهمی از گفتار و سیره حضرت رضا علیه‌السلام به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به شرح، تبیین و عینیت بخشیدن کتاب خدا اختصاص دارد. گرچه هم‌اکنون کتابی با عنوان تفسیر امام رضا علیه‌السلام در اختیار نداریم و مطالب تفسیری حضرت، به‌طور پراکنده در کتب شیعه و برخی منابع اهل سنت نقل شده است، اما بسیاری از روایات رسیده از ایشان به تفسیر و تبیین آیات نورانی قرآن اختصاص دارد. این کتاب در قالب سؤالات و نکات کاربردی، به بیانات امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در باب تفسیر قرآن کریم پرداخته است.

بنابراین ساختار و روش پژوهش و نیز معیارهای گزینش احادیث، روایات و داستان‌های هر بخش، بدین شرح اساس و پایه تولید محتوای اثر شده است:

ساختار و روش پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش با توصیف و تحلیل اسناد و مدارک کتابخانه‌ای (قرآنی، حدیثی، داستانی) انجام خواهد شد.

برای دستیابی به هدف پژوهش؛ یعنی آشنایی نوجوانان و جوانان با روایات تفسیری امام رضا علیه السلام در قالب منظومه قرآنی روایی؛ از میان انبوه ارزش‌های اخلاقی و تربیتی، آن دسته از موضوعات فرهنگی انتخاب شده‌اند که کارکردهای روزانه قوی‌تری دارند.

این موضوعات در حوزه‌های کلی بیان شده و سپس به موضوعات جزئی تبدیل شده‌اند تا یک منظومه فرهنگی سبک زندگی شکل بگیرد. ابتدا مسائل در دو حوزه کلی فردی و اجتماعی مطرح می‌شود؛ بدین ترتیب که در حوزه زندگی فردی، ارتباط با خدا با ریزموضوعات عقیدتی مانند توحید، قرآن، دعا، نماز، روزه و...؛ سلامتی جسم، مدیریت و کیفیت خوردن، مدیریت زمان، کسب علم و دانش، عدم اسراف، کسب و کار حلال؛ و در حوزه زندگی اجتماعی، کمک کردن به دیگران، امر به معروف، تواضع و فروتنی، خوش اخلاقی، احترام به دیگران، نحوه تعامل با والدین و نزدیکان، ازدواج، ابراز محبت و... بیان می‌شود.

معادل‌سازی اجتماعی موضوعات: به‌جای پیش‌فرض‌های مذهبی و حقیقت‌شرعی‌ها، الفاظ، از پیش‌فرض‌های اجتماعی آغاز شده و سعی بر آن بوده که به پیش‌فرض‌های مذهبی و حقیقت‌شرعی آن‌ها نزدیک شود. بنابراین به‌جای عناوین دارای بار مذهبی با عناوین اجتماعی وارد شده و در انتهای ارائه به معادل مذهبی آن اشاره شده است. در نتیجه مثلاً به‌جای موضوع «نماز» از عنوان معادل و عامیانه‌ای به نام «گفتگوی روزانه من با خدا» یاد شده است.



در ترتیب موضوعات، با توجه به آیه کریمه «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ* إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۱ و کلام گهربار امام صادق علیه السلام که شروع حرکت به سوی خداوند متعال را از باطن معرفی می‌فرماید: «الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ بِالْقُلُوبِ أْبْلَغُ مِنَ الْقَصْدِ إِلَيْهِ بِالْبَدَنِ وَ حَرَكَاتُ الْقُلُوبِ أْبْلَغُ مِنْ حَرَكَاتِ الْأَعْمَالِ»^۲ سعی بر اولویت دادن به موضوعات قلبی و جوانحی بوده و پس از آن به اعمال جوارحی پرداخته می‌شود.



بسم الله الرحمن الرحيم
بسیار عالی امام رضا علیه السلام
به ۴۰ پرسش قرآنی

معیارهای گزینش احادیث، روایات و داستان‌های هر بخش

* انگیزشی، اشتیاقی آفرینی و محرک‌زایی: به دلیل آنکه انجام یک عمل پسندیده در گرو انگیزه و اشتیاقی است که نقش محرک را ایفا کند و عامل حرکت در سبیلِ الهی باشد، لحاظ نمودن عناصر فوق در انتخاب آیات و احادیث به شکل ویژه مدنظر بوده است.

* ملموس و محسوس بودن و انطباق‌پذیری با شرایط زندگی روزمره افراد: در خصوص محتوای مطالب مطرح‌شده سعی بر آن بوده تا آیات و روایاتی گزینش شوند که برای عموم مردم تجربه‌پذیر بوده و افراد دست‌کم تجربه‌های ناتمامی از آن‌ها را در زندگی فردی خود یا اطرافیان‌شان داشته‌اند تا در نتیجه بهتر بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و پیام متن را با سهولت بیشتری دریافت نمایند.

به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)
گروه پژوهشی دین و معارف زائر
تابستان ۱۳۹۵

۱. سوره شعراء (۲۶)، آیات ۸۸-۸۹.

۲. طبرسی، علی‌بن‌حسن؛ مشکاة‌الأنوار فی غرر‌الأخبار، ص ۲۵۷.



مقدمه

آیا قرآن برای انسان مدرن امروزی کارایی دارد؟

راز تازگی و طراوت قرآن در چیست؟

إِنَّهُ هُوَ الْوَعْدُ الَّذِي لِّلْعَالَمِينَ^۱

آن [قرآن را که بر شما می‌خوانم] جز مایه تذکر و پندی برای همه جهانیان (در همه جا و در هر عصر) نیست.

«حَدَّثَ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزِدَادُ عِنْدَ النَّشْرِ وَالدِّرَاسَةِ إِلَّا غَضَاضَةً فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِّلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از پدر خود امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین نقل کرده‌اند: مردی از

۱. سوره ص (۳۸)، آیه ۸۷.

۲. عمیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۸۷.

امام صادق علیه السلام پرسید: راز قرآن در چیست که هر چه نشر می‌یابد و مورد کنکاش قرار می‌گیرد، به تازگی آن افزوده می‌شود؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: زیرا خداوند متعال، قرآن را مختص زمان یا مردمی خاص قرار نداده، بلکه قرآن تا روز قیامت در هر عصری نو و برای هر قومی تر و تازه است.

برای تومی نویسم

جالب آنکه در این روایت سخن از آن نیست که چرا قرآن با گذشت زمان و با وجود انجام تحقیقات در آن کهنه نمی‌شود، بلکه سخن از این است که چرا با وجود چنین تحولاتی، قرآن همچنان تر و تازه است. و امام علیه السلام نیز در پاسخ بر همین نکته پرسشگر تأکید می‌کنند که با وجود گردش ایام و نوبه‌نوشدن اقوام و ملل، قرآن همواره تازگی و تری بودن خود را حفظ می‌کند. سرّ این ویژگی را باید در این امر دانست که قرآن کلام خداست.

هریک از ما خواندن کتاب‌ها و نگاشته‌های مختلف را تجربه کرده‌ایم. بارها برای ما پیش آمده که جاذبه کتاب یا اثری هنری آنچنان ما را تحت تأثیر خود قرار داده که حاضر نشدیم آن کتاب را کنار بگذاریم، اما با همه این احوال برای بار دوم آن کتاب یا اثر هنری، جاذبه پیشین را برای ما ندارد و بسیار کم اتفاق می‌افتد که حاضر باشیم برای بار دوم این کار را تجربه کنیم. اما قرآن کتابی است که ما هرگز از دوباره خواندن آن - حتی اگر برای هزارمین بار باشد - سیر و خسته نمی‌شویم. اگر خود تجربه نکرده‌ایم، حداقل می‌توانیم از هزاران مؤمن عاشق این کتاب جو یا شویم.^۱



پاسخ یک علامت سؤال

این پرسش بارها مطرح شده که چگونه کتابی که در عصر جاهلیت و قرن‌ها پیش از شکوفایی دانش و تمدن بشری با فاصله‌ای بس طولانی در گوشه‌ای از جهان فرود آمده، می‌تواند امروزه نیازهای اساسی بشریت را پاسخ دهد؟!

پاسخ آن است که آنچه در خارج و متن حقیقت اتفاق افتاده، حضور پویا و نقش‌آفرین و حیات‌بخش قرآن در جای‌جای حیات امروزمین بشر و نشان از قابلیت کارآمدی و روزآمدی قرآن در طی روزگارن متعدد دارد. آیا جز آن است که امروزه با وجود همه تحولات شگرف علمی و تمدنی بشر و در دل کانون‌های تمدنی تحول‌مثل اروپا و آمریکا، قرآن به‌سان آفتابی فروزان در دل میلیون‌ها انسان عاشق و دل‌باخته نورافشانی می‌کند؟ به‌راستی اگر آنان درمی‌یافتند که قرآن کتاب ۱۴ سده پیش است و نمی‌تواند امروزه کتاب هدایت بشریت باشد و احیاناً مطالب و محتوای آن را کهنه، فرسوده، پایان‌یافته و در تضاد با دستاوردهای دانش امروز می‌یافتند، همچنان حاضر بودند این چنین شیدای قرآن باشند؟!

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

ارنست رنان نویسنده، مورخ و متفکر بزرگ فرانسوی می‌گوید:

«در کتابخانه شخصی من هزاران جلد کتاب سیاسی، اجتماعی، ادبی و... وجود دارد، که همه آن‌ها را بیشتر از یک بار مطالعه نکرده‌ام و چه‌بسا کتاب‌هایی که فقط زینت کتابخانه



من است؛ ولی یک کتاب است که همیشه مونس من است و هر وقت خسته می شوم و می خواهم درهایی از معانی و کمال به روی من باز شود، آن را مطالعه می کنم و از مطالعه زیاد آن خسته و ملول نمی شوم. این کتاب، قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است.»^۱

چون تو در قرآن حق بگریختی

باروان انبیا آمیختی

هست قرآن حال های انبیا

ماهیان بحر پاک کبریا

«مثنوی معنوی»



۱. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ طبقات مفسران شیعه، ج ۱، ص ۱۷۷، به نقل از اسلام و انتقادات غرب، ص ۱۱۰.

بخش اول



عقیده و باورهایم

امام رئوفم! عقیده و باورهایم چگونه
باید باشد تا زندگی سعادت‌مندی را
برایم رقم زند؟



دژ مستحکم خدادر برابر عذاب چیست؟

آیا شرط ورود به آن را دارم؟

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست: دانای نهان و آشکار است، او رحمان و رحیم است.

«لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَيْسَابُورٍ وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ، فَقَالُوا لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، تَرَحَّلْ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثْنَا بِحَدِيثِ فَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ؟! وَكَانَ قَدْ قَعَدَ فِي الْعِمَارِيَةِ، فَأَطَّلَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي

عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: سَمِعْتُ جِبْرِئِيلَ
 يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَّالُهُ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.
 قَالَ: فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا: بِشْرٍ وَطَهَا، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.^۱



پاسخ‌های امام رضا
 به ۴۰ پرسش قرآنی

هنگامی که امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به نیشابور رسید و خواست که آنجا را به قصد رفتن نزد مأمون ترک گوید، راویان حدیث، دورش را گرفتند و عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا، از پیش ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضر تان فیضی بریم، نمی‌گویی؟! حضرت که در کجاوه نشسته بود، سرش را بیرون آورد و فرمود: از پدرم، موسی بن جعفر شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، محمد بن علی شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، علی بن حسین شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می‌فرماید: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرماید: از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: از خداوند جلّ جلاله شنیدم که می‌فرماید: (کلمه) لا اله الا الله حصار من است و هر کس وارد حصار من شود، از عذابم در امان است. اسحاق می‌گوید: چون شتر به راه افتاد، حضرت با صدای بلند به ما فرمود: اما این شرط‌هایی دارد و من از شرط‌های آن هستم.

۱. ابن بابویه، التوحید، محقق و مصحح: هاشم حسینی، ج ۲۵، ص ۲۳؛ امالی، ص ۱۹۵؛ عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، ج ۲، ص ۱۳۵؛ معانی الأخبار، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، ص ۳۷۱.

برای تومی نویسم

حدیث سلسله الذهب حدیثی قدسی^۱ منسوب به عالم آل محمد علیه السلام،^۲ امام رضا علیه السلام، درباره توحید و شروط آن است که هنگام عبور ایشان از نیشابور به طرف مرو بیان شده است. حضرت در این حدیث، توحید را دژ خداوند و خویش (امامت) را شرط توحید می‌داند. از آنجا که روایان این حدیث همگی امامان معصوم‌اند تا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سرانجام به خداوند می‌رسد، به «سلسله الذهب» به معنای «زنجیره زرین» مشهور شده است.

کلمه لا اله الا الله، دژ امن الهی در برابر هجوم شیاطین است و اقرار و عمل به آن، موجب ایمن شدن از عذاب و رسیدن به سعادت است. توحید در حقیقت همان معنا و مفهوم و جان کلام قرآن و مرز میان ایمان و کفر است. اما مطابق روایت، کلمه لا اله الا الله بدون ولایت - که شرط پذیرش توحید قرار داده شده - ناقص و بلکه بی نتیجه است. تأکید امام رضا علیه السلام بر شروط پذیرش توحید، نشانه آن است که شرط اساسی کلمه لا اله الا الله، پذیرش ولایت و رهبری امام معصوم علیه السلام و در پی آن فقیه است و بدون پذیرش ولایت، اساساً رستگاری زیر سؤال می‌رود. این روایت به روشنی نقش محوری ولایت امامان علیهم السلام را در پذیرش توحید نشان می‌دهد.

پاسخ یک علامت سؤال

علت انتخاب این حدیث توسط امام رضا علیه السلام برای مردم نیشابور و تأکید

۱. حدیث قدسی حدیثی است که مضمون آن در خواب یا به وسیله الهام به پیامبر صلی الله علیه و آله القا شود و آن حضرت با لفظ خود آن را بیان کند. حدیث قدسی تفاوت‌های زیادی با قرآن دارد؛ از جمله اینکه متن آن معجزه نیست.

۲. این لقب توسط پدر بزرگوار امام رضا علیه السلام بر ایشان اطلاق شده است. رک: فضل بن حسن طبرسی، اعلام النوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۶۴.



ایشان بر توحید همراه با ولایت چیست؟

حیات علمی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی امام رضا علیه السلام، به خصوص دوران سه سال و اندی حضور آن حضرت در ایران آن روز و استقبال مردم از ایشان، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اسلام دارد. نیشابور در آن زمان در کنار بغداد جزء مراکز مهم علمی جهان اسلام بود و علاوه بر عموم مردم، هزاران نفر از علما و محدثان، مخاطب این روایت امام بودند. عصر مأمون را می‌توان اوج و بحبوحه رواج اندیشه‌ها و جریان‌های فکری منحرف و بدعت‌گذار در اسلام دانست که اساس و بنیان عقیدتی نادرستی از جمله در توحید و ولایت داشتند. زدودن این زنگارها و ترسیم اندیشه‌های اسلام ناب و اصیل تنها می‌توانست توسط امام رضا علیه السلام انجام شود. ایشان یک تنه و در موقعیت‌های متعدد به رویارویی با عقائد و فرقه‌هایی قیام کرد که هر یک برای خود پایگاه اجتماعی مستحکمی داشتند و بعضاً هم از سوی حکومت سیاسی پشتیبانی می‌شدند.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

ابومحمد سهل بن عبدالله شوشتری از بزرگان عرفاست. او می‌گوید: «سه ساله بودم که دایی‌ام «محمد بن سوار» شبی از بستر برخاست و مشغول نماز شب شد. همیشه کارش این بود. آن شب به من گفت: پسر من! آیا آن خداوند را یاد نمی‌کنی که تو را آفرید؟ گفتم: چگونه او را یاد کنم؟ گفت: هر گاه به بستر خواب رفتی، سه بار از دل بگو: خدا با من است و مرا می‌نگرد و من در محضر او هستم. چند شبی جملات فوق را از دل گفتم. سپس گفت: این جملات را هر شب، هفت بار بگو! من چنین کردم. شیرینی این ذکر در دلم جای



گرفت. پس از یک سال گفت: تا آخر عمر آن جملات را بگو که همین ذکر، دست تو را در دو جهان می‌گیرد. به این ترتیب، نور ایمان به توحید در دوران کودکی در دلم راه یافت و بر سراسر قلبم چیره شد.^۱

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی
همه در گاه تو جویم همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

«دیوان سنایی»^۲



۱. محمدی اشتهاردی، محمد؛ داستان دوستان، ج ۵، ص ۲۵۷.

۲. شماره ۲۰۳.



آیا عقل من به تنهایی برای تشخیص راه هدایت کافی نیست؟

دلیل ارسال پیامبران علیهم‌السلام از جانب خداوند چیست؟

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى
اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۱

پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم‌دهنده بودند تا مردم را آدر دنیا و آخرت در برابر خدا [پس از فرستادن پیامبران عذر و بهانه و جعتی نباشد و خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

«الامام الرضا علیه‌السلام فی وجوب معرفة الرُّسُلِ وَ الْاِقْرَارِ بِهِمْ وَ الْاِدْعَانَ لَهُمْ بِالطَّاعَةِ: لِانَّهُ لَمَّا اَنْ لَمْ يَكُنْ فِي خَلْقِهِمْ وَقْوَاهُمْ مَا يَكْمُلُونَ بِهِ مَصَالِحَهُمْ وَ كَانَ الصَّانِعُ مُتَعَالِيًا عَنْ اَنْ يَرَى وَ كَانَ ضَعْفُهُمْ وَ عَجْزُهُمْ عَنْ اِدْرَاكِ ظَاهِرِ اَلَمْ يَكُنْ بَدَلَهُمْ مِنْ رَسُوْلٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُمْ مَعْصُومٌ يُوْدِي اِلَيْهِمْ اَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ وَ اَدْبَهُ وَ يَقْفَهُمْ عَلٰى مَا يَكُوْنُ بِهِ اجْتِرَارٌ مُنَافِعُهُمْ وَ مَضَارَّهُمْ» ۲.

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

۲. ابن بابویه، عمون اخبار الرضا علیه‌السلام، ص ۱۰۰.



امام رضا علیه السلام درباره علت وجوب شناخت و تصدیق پیامبران و اطاعت و پیروی از ایشان می‌فرماید: «چون مردم خود از چنان طبیعت و توانی برخوردار نیستند که مصالحشان را کاملاً درک کنند و از طرفی سازنده هستی نیز والاتر از آن است که دیده شود و ضعف و ناتوانی بندگان از ادراک او نیز کاملاً روشن است، پس ناچار باید میان خدا و مردم فرستاده‌ای معصوم باشد که اوامر و نواهی و آموزه‌های او را به آنان برساند و به آنچه منافعشان را تأمین و زیان‌هایشان را دفع می‌کند، آگاهشان سازد؛ چرا که در وجودشان وسیله‌ای نیست که بتوانند با آن آنچه را بدان نیاز دارند و نیز سود و زیان‌شان را بشناسند».

برای تومی نویسم

از آیه ۱۶۵ سوره نساء دریافت می‌شود رسول کسی است که حامل رسالت خاصی (مشتمل بر اتمام حجتی که به دنبال مخالفت با آن، عذاب و هلاکت و امثال آن باشد) است. این آیه کلیات دعوت انبیا و شیوه کار و هدف از بعثت آنان را بیان می‌کند.^۱ خداوند در عالم، مباشرتاً (به صورت مستقیم) به انجام کارها نمی‌پردازد، بلکه همه امور با واسطه انجام می‌شود. سخن امام رضا علیه السلام در روایت بالا به ضرورت وجود واسطه‌ای میان خدا و خلق برای تأمین مقاصد الهی از آفرینش انسان و آگاه‌سازی ایشان از منافع و دفع زیان‌ها اشاره می‌کند؛ این واسطه‌گری توسط پیامبران الهی انجام می‌شود.

پاسخ یک علامت سؤال

با وجود عقل چه نیازی به وجود پیامبران داریم؟

شناخت‌های عادی و متعارف انسان‌ها که از همکاری حس و عقل به دست می‌آید،

۱. طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲، ص ۲۰۶.

هر چند نقش مهمی را در تأمین نیازمندی‌های زندگی ایفا می‌کند، اما برای بازساختن راه کمال و سعادت حقیقی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و دنیوی و اخروی کافی نیست و اگر راه دیگری برای رفع این کمبودها وجود نداشته باشد، هدف الهی از آفرینش انسان تحقق نخواهد یافت.^۱

قرآن کریم در آیاتی اکتفا به عقل و بی‌نیازی از وحی را نفی می‌کند و هدف از ارسال پیامبران را تبیین و روشن ساختن حقایق می‌داند که عقل از رسیدن به آن‌ها عاجز و ناتوان است.^۲ بنابراین برای رسیدن به هدایت و سعادت، صرف اتکا به عقل بشری و آرای عمومی و بی‌نیازی از وحی، پنداری خام و جاهلانه است. قرآن گروهی را که به دانش و خردورزی‌های بشری بسنده کردند و از آموزه‌های وحیانی روی برتافتند، سخت مذمت می‌کند.^۳ بنابراین یکی از فواید برانگیخته شدن پیامبران علیهم‌السلام تأیید عقل است،^۴ اما کار ایشان از مجال و محدوده عقل جزئی، بسیار بزرگ‌تر و گسترده‌تر است.^۵

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

نه تنها دوستان و پیروان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بلکه گاه مخالفان و دورافتادگان از او و سجایای اخلاقی و برنامه‌های پرارزش زندگی شخصی و اجتماعی، او را ستوده‌اند. عظمت

۱. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش عقاید، ج ۲، صص ۳۶-۴۲.

۲. سوره مائده (۵)، آیه ۱۹.

۳. سوره غافر (۴۰)، آیه ۸۳.

۴. امام علی علیه‌السلام از «شکوفای ساختن عقول بشر» به‌عنوان فلسفه نبوت یاد می‌کند؛ نهج‌البلاغه، خطبه اول.

۵. علامه حلی؛ کشف‌المراد فی شرح تجربین الاعتقاد، مترجم علی شیروانی، ص ۳۴۶.





پیامبر ﷺ از زبان برخی از غیر مسلمانان شنیدنی است:

جان دیون پورت در کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ نقل می‌کند که:
«بدون شک اگر او (محمد) را یکی از نوادر جهان و پاک‌ترین نابغه‌ای که گیتی توانسته
است تاکنون پرورش دهد نیاوریم، باید او را یکی از بزرگ‌ترین انسان‌ها و یگانه شخصیتی
بدانیم که قاره آسیا می‌تواند به وجود چنین فرزندی بر خود ببالد»^۱

لامار تین شاعر معروف فرانسوی درباره او پس از شرح مفصلی در ستایش پیامبر
اسلام ﷺ چنین می‌گوید: «این است محمد ﷺ به هر میزانی که با آن عظمت را بتوان
اندازه‌گیری کرد، ناچاریم بگوییم در عالم بزرگ‌تر از محمد ﷺ مردی نیست».

رسولان بسیار از سوی رب	فرستاده گشتند بر این سبب
که بر اهل تقوا بشارت دهند	به دل‌هایشان شوق و رحمت نهند
که حجت نماند دگر بر کسی	که بر رب خود خرده گیرد بسی

«ترجمه منظوم قرآن مجید»^۲

۱. دیون پورت، جان؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، مترجم: غلامرضا سعیدی، ص ۱۴.

۲. مجد، امید؛ ترجمه منظوم قرآن مجید، ص ۱۰۴.



در روز قیامت پاسخ‌گوی چه سوالاتی هستید؟

﴿ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾^۱

به پروردگارت سوگند، قطعاً از همه آنان بازخواست می‌کنیم؛ از اعمالی که همواره انجام می‌داده‌اند.

«عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَا يَزُولُ الْعَبْدُ قَدَمًا عَنْ قَدَمِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا ذَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۲.

امام رضا عليه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: هنگامی که روز قیامت می‌شود، بنده هنوز قدم از قدم برنداشته، از او درباره چهار چیز سؤال می‌شود: از عمرش که آن را

۱. سوره حجر (۱۵)، آیه ۹۲.

۲. مجلسی، سید محمدباقر؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۲.



در چه راهی فنا (مصرف) کردی؟ از جوانی‌اش که در چه راهی آن را فرسوده کردی؟ از مالش که آن را از چه راهی به دست آوردی و در چه راهی مصرف کردی؟ و از پیوند قلبی و دوستی با ما اهل بیت نیز سؤال می‌شود.

برای تومی نویسم

پیروان ادیان الهی، با وجود اختلافات متعدد، به زندگی پس از مرگ و معاد باور دارند. از نام‌های قیامت در قرآن «یوم الحساب» است؛ یعنی روزی که خداوند به حساب اعمال بندگان خود می‌رسد. مقصود از محاسبه و بررسی اعمال این است که «عدل و حکمت» الهی برای همگان کاملاً روشن گردد و دیگر جای هیچ‌گونه اعتراضی برای کسی باقی نماند. روایت امام رضا علیه السلام درباره سؤالات روز قیامت نشانگر مهم‌ترین مسائلی است که باید در زندگی انسان بدان توجه شود.

اولین و مهم‌ترین وظیفه انسان مسلمان، مراقبت و مواظبت از مهم‌ترین سرمایه زندگی، یعنی اوقات و لحظات است که اجزای عمر انسان هستند و در میان ساعات عمر، مهم‌ترین و بهترین ساعات مربوط به بهار زندگی یا همان جوانی است. در روایات، از عمر آدمی به مهریه سعادت و خوشبختی تعبیر شده است؛ مشروط به اینکه در طاعت و بندگی پروردگاری شود.^۱ ضرورت مال‌اندوزی از راه حلال و صحیح نیز یکی از مواردی است که نتایج عمیقی در نوع زندگی افراد دارد. همان‌گونه که امام رضا علیه السلام، در بحث از توحید، قبول ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را شرط پذیرش یگانگی خداوند و امنیت از عذاب دانستند؛ رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی نیز بدون این ولایت ممکن

۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غررالحکم، ج ۳۴۲۹.

نیست و پذیرش اعمال یک مسلمان در گرو آن است.

پاسخ یک علامت سؤال

با وجود سؤال از همه عمر در روز قیامت، چرا جداگانه از دوران جوانی سؤال می‌شود؟ بر هیچ کس پوشیده نیست که در شکل‌گیری شخصیت هر فرد، مقطع جوانی از جایگاه خاص و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید بتوان گفت که ثبات شخصیت هر انسانی در این سنین آغاز شده و به هر نحوی که شکل گیرد، غالباً به همان صورت قوام یافته و تثبیت می‌گردد. به همین دلیل در روایات بر اهمیت و برتری این مقطع سنی و استفاده بهینه از این فرصت بسیار تأکید شده و نیز روان‌شناسان این دوره را حیات مجدد انسان نامیده‌اند. در برخی روایات از دعای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام برای بهره‌برداری از دوران جوانی سخن رفته است.^۱ دقت در این موضوع اهمیت جوانی در نظر این بزرگواران را مشخص می‌کند. روز قیامت بنابر فرموده قرآن، روز پرسش از نعمت‌هایی است که در اختیار انسان قرار گرفته است^۲ و انسان در دوران جوانی در بالاترین و بهترین موقعیت از نظر قوای جسمی و روحی قرار دارد. بنابراین دوران جوانی نعمتی ویژه است که از انسان متناسب با آن به‌طور ویژه سؤال می‌شود.

گنجینه‌ای از یک گفتار و یک شعر

تصور کنید بانکی دارید که در آن هر روز صبح هشتاد و شش هزار و چهارصد تومان به حساب شما واریز می‌شود و تا آخر شب فرصت دارید همه پول‌ها را خرج کنید؛ چون آخر

۱. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۲.

۲. سوره تکوین (۱۰۲)، آیه ۸.





وقت حساب خود به خود خالی می شود. در این صورت شما چه خواهید کرد؟ هر کدام از ما یک چنین بانکی داریم: بانک زمان. هر روز صبح، در بانک زمان شما ۸۶۴۰۰ ثانیه اعتبار ریخته می شود و آخر شب این اعتبار به پایان می رسد. هیچ برگشتی نیست و هیچ مقداری از این زمان به فردا اضافه نمی شود.

ارزش یک سال را دانش آموزی که مردود شده می داند؛

ارزش یک ماه را مادری که فرزندی نارس به دنیا آورده می داند؛

ارزش یک هفته را سردبیر یک هفته نامه می داند؛

ارزش یک ساعت را عاشقی که انتظار معشوق را می کشد، می داند؛

ارزش یک دقیقه را شخصی که از قطار جا مانده، می داند؛

و ارزش یک ثانیه را آنکه از تصادفی مرگبار جان به در برده، می داند.

هر لحظه گنج بزرگی است، گنجتان را مفت از دست ندهید، باز به خاطر بیاورید که زمان به خاطر هیچ کس منتظر نمی ماند.

دیروز به تاریخ پیوست، فردا معما و امروز هدیه است.

قضا روزگاری ز من در ربود که هر روزش از پی شب قدر بود

مکن عمر ضایع به افسوس و حیف که فرصت عزیز است و الوقت ضیف

«بوستان سعدی، باب نهم»



می‌خواهم بدانم مقصود خدا از کلمه (اهل بیت علیهم‌السلام)

در سوره مبارکه احزاب چه کسانی هستند؟

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا ﴾

جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هر گونه پلیدی را از شما اهل بیت
برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است از همه گناهان و معاصی پاک
و پاکیزه گرداند.

«رَبَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: حَضَرَ الرَّضَاءُ عليه السلام مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ بِمَرَوْ وَ قَدْ اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسِهِ جَمَاعَةٌ
مِنْ عُلَمَاءِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ خُرَاسَانَ... فَقَالَ الْمَأْمُونُ مِنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ فَقَالَ الرَّضَاءُ عليه السلام الَّذِينَ
وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ

تَطْهِيراً وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاظْطَرُّوا كَيْفَ تَخْلُقُونَ فِيهِمَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»^۲.

از ریان بن صلت نقل شده است که حضرت رضا علیه السلام در مرو در مجلس مأمون حاضر شد و جماعتی از علمای عراق و خراسان در آن مجلس حاضر بودند. مأمون گفت: خبر دهید مرا عترت طاهره کیان اند. حضرت فرمود: عترت طاهره آنان باشند که حق تعالی در کتاب خود آنها را وصف کرده و فرموده: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» در این «آیه شریفه تطهیر» را در حق آنها نازل فرموده و ایشان باشند که رسول خدا در حق ایشان فرموده: من از میان شما بروم و دو چیز سنگین و گران در میان شما واگذارم: یکی کتاب خدا و دیگری عترت اهل بیت خودم و اینها از یکدیگر جدا نشوند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند. پس نیک بنگرید که بعد از من با این دو چگونه رفتار خواهید کرد؛ چراکه ایشان داناتر از شما باشند.^۳

برای تومی نویسم

یکی از اقدامات مهم حضرت رضا علیه السلام در زمینه معرفت امامت و رهبری و



۱. همان.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. همان، ص ۱۶۹.

تبيين جایگاه عترت نبوی ﷺ در یک مجلس مهم علمی با حضور مأمون و گروهی از عالمان عراق و خراسان است. در این مجلس مأمون پرسشی درباره آیه سی و دوم سوره فاطر «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا»؛ «سپس کتاب الهی را به کسانی که برگزیدیم به ارث دادیم.» مطرح می کند و می پرسد: منظور از این بندگان برگزیده که میراث دار کتاب الهی اند، چه کسانی است؟ علمای حاضر در مجلس می گویند: منظور همه امت اسلام اند. ولی حضرت رضا علیه السلام با استناد به ده ها آیه قرآن کریم در آغاز، امتیازات اهل بیت علیهم السلام را بر عموم مردم اثبات می کند و عترت و آل را دارای یک معنا می داند و می فرماید: از دوازده مورد آیات روشن قرآن غیر از موارد اشارات تفسیری، استفاده می شود که اهل بیت علیهم السلام بندگان برگزیده الهی هستند که وارث علوم قرآن اند. در این مجلس بزرگ علمی - سیاسی حضرت به تفصیل، آیات انذار، تطهیر، مباحله، آیه ذی القربی (اسراء/ ۲۶) آیه مودت (شوری/ ۲۳) آیه صلوات، (احزاب/ ۵۶)، آیه خمس (انفال/ ۴۱)، آیه اهل ذکر (نحل/ ۴۳)، آیه تحریم (نساء/ ۲۳)، آیه ۲۸ سوره مؤمن و آیه ۳۲ سوره طه را شاهد می آورد که وارثان علوم قرآن و رهبران برگزیده الهی، افرادی خاص از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند.^۱

پاسخ یک علامت سؤال

بنابر «آیه تطهیر»، اگر اراده خداوند به پاک ساختن اهل بیت از ناپاکی ها تعلق گرفته باشد، آیا این به معنای اجباری بودن عصمت ایشان نیست؟ خیر؛ زیرا اهل بیت علیهم السلام دارای





یک نوع شایستگی اکتسابی از طریق اعمال خویش‌اند و نیز یک نوع لیاقت ذاتی و موهبتی از سوی پروردگار که ناشی از علم خداوند به وجود ویژگی‌ها و اوصاف در آن‌هاست) دارند تا بتوانند الگو و اسوه مردم باشند. به تعبیر دیگر: اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر تأییدات الهی و اعمال پاک خویش، چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار، به دلیل آگاهی از زشتی گناه، به سراغ آن نمی‌روند؛ درست همان‌گونه که هیچ فرد عاقلی حاضر نیست قطعه آتشی را بردارد و بر دهان خویش بگذارد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

مرحوم آیت‌الله بهجت رحمته‌الله در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توانیم اهل بیت علیهم‌السلام را به دیگران معرفی کنیم، این‌گونه بیان فرموده‌اند:

«اهتمام ما باید این باشد که مسئله ولایت برای همگان از وضاحت باشد و برای تقوات ایمان مردم تنها اکتفا به مجالس اهل بیت علیهم‌السلام نشود. بهترین راه برای این منظور آن است که اثبات کنیم که اهل بیت علیهم‌السلام مرجع احکام و فقه هستند. می‌بینیم بعد از رحلت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی غیر از اهل بیت علیهم‌السلام مجتهد و صاحب فتوا و عالم به کتاب و سنت وجود ندارد؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام می‌گویند: همه چیز را می‌دانیم، ولی دیگران می‌گویند نمی‌دانیم و از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جز مقدار کمی احادیث نداریم، لذا در احکام قیاس می‌کنند و قرآن می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟ يَا كَسَانِي كَمَا مِثْلَهُ لَقَدْ عَلِمْتُمْ لِيَوْمِئَذٍ» آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسان هستند؟»

نمایید اطاعت زرب و رسول
که از اهل بیت نبوت اله
شمار از هر عیب سازد بری
بسازید فرمان آنها قبول
بخواهد کند دور رجس و گناه
کند پاک و تطهیر از هر بدی





مسلمان و مؤمن چه تفاوت‌هایی دارند؟

آیا می‌توانم هر مسلمانی را مؤمن بدانم؟

قَالَتِ الْأَعْرَابُ: آمَنَّا، قُلْ: لَمْ تُؤْمِنُوا، وَ لَكِنْ قُولُوا:
أَسْلَمْنَا، وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...^۱

اعراب گفتند: ما ایمان آوردیم. بگو: هنوز ایمان نیاورده‌اید و لکن بگویید:
اسلام آوردیم؛ چون هنوز ایمان داخل در قلبتان نشد.

«عن أبي الصلت الهروي، قال: سألت الرضا عليه السلام عن الإيمان، فقال: الإيمان عقد بالقلب و
لفظ باللسان، و عمل بالجوارح، لا يكون الإيمان إلا هكذا»^۲.

۱. سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۴.

۲. الخصال؛ صص ۱۷۸-۱۷۹.

ابوالصلت گوید، از امام رضا علیه السلام پرسیدم ایمان چیست؟ فرمود: ایمان دارای سه رکن است: ایمان قلبی، اقرار و تلفظ به زبان، و عمل به اعضا و جوارح، ایمان بدون اینها تحقق نمی پذیرد.

برای تومی نویسم

امام رضا علیه السلام در احادیث متعددی درباره «ایمان»، به معنا، ارکان، نشانه‌ها و چگونگی تکمیل ایمان اشاره کرده‌اند. قرآن در آیه ۱۴ سوره مبارکه حجرات، ابتدا ایمان را از اعراب نفی می کند و سپس توضیح می دهد که منظور این است که ایمان کار دل است و دل های شما هنوز با ایمان نشده، اما با این حال آنها را مسلمان می داند. از این سخن قرآن مشخص می شود که فرق بین اسلام و ایمان چیست؟ در حقیقت، ایمان معنایی مربوط به قلب و در واقع اعتقاد است، اما اسلام معنایی مربوط به زبان و اعضا است؛ زیرا کلمه «اسلام» به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است. تسلیم شدن زبان به این است که شهادتین را اقرار کند و تسلیم شدن سایر اعضا به این است که هر چه خدا دستور می دهد ظاهر انجام دهد، اما اگر کسی واقعاً و قلباً اعتقاد به حقانیت آنچه زبان و عملش می گوید داشته باشد، می توان وی را مؤمن دانست.^۱ سخن نورانی امام رضا علیه السلام نیز به این حقیقت اشاره دارد که تحقق ایمان، علاوه بر اقرار زبانی [که البته لازم است]، به اعتقاد راسخ قلبی و نیز انعکاس این اعتقاد به طور عملی و عینی در اعمال افراد وابسته است.

پاسخ یک علامت سؤال

ایمان بر چند نوع است و ایمان مستقر (ثابت) چه تفاوتی با ایمان مستودع





(عاریه‌ای) دارد؟

مطابق آیات نورانی قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، ایمان در قلوب مؤمنین به دو صورت است: ایمان ثابت یا مستقر و ایمان مستودع یا عاریه‌ای. ایمان ثابت و مستقر یعنی ایمانی که در قلب جای گرفته و مبتنی بر استدلال و بینش عمیق است و با عمل صالح پشتیبانی شده است. نوع دیگر ایمان این است که با احساسات پیدا شده؛ یعنی با منطق پیدا نشده و انسان برای آن عمل صالحی انجام نداده، بلکه فقط شعارِ ایمانی داده است. از آنجایی که این ایمان با عمل صالح آبیاری نشده، ایمان عاریه (مستودع) است که روزی در یک فتنه و یا امتحان و لغزشگاه از قلب صاحبش خارج می‌شود.^۱ قرآن نیز به این مطلب هشدار داده که به‌صرف اقرار به ایمان، ثبات قدم در این راه ثابت نمی‌شود، بلکه قبولی در امتحان نیز از لوازم ایمان است. علت امتحان از مؤمنین نیز این است که مؤمن راست‌گو، از بی‌ایمان دروغ‌گو شناخته شود.^۲

کنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده است: «بلعم باعورا دارای اسم اعظم الهی بود و با اسم اعظم دعا می‌کرد و خداوند دعایش را اجابت می‌کرد، در آخر به طرف فرعون میل کرد و از درباریان او شد. این بود تا آن روزی که فرعون برای دستگیر کردن موسی و یارانش در طلب ایشان می‌گشت، عبورش به بلعم افتاد. فرعون به وی گفت:

۱. بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۸۳/۰۸/۲۰.

۲. سوره عنکبوت (۲۹)، آیات ۲-۳.

از خدا بخواه موسی و اصحابش را به دام ما بیندازد. بلعم بر الاغ خود سوار شد تا او نیز به جستجوی موسی برود. الاغش از راه رفتن امتناع کرد، بلعم شروع کرد به زدن آن حیوان، خداوند قفل از زبان الاغ برداشت و به زبان آمد و گفت: وای بر تو برای چه مرا می زنی؟ آیا می خواهی با تو بیایم تا تو بر پیغمبر خدا و مردمی باایمان نفرین کنی؟ بلعم این را که شنید، آن قدر آن حیوان را زد تا کشت و همان جا اسم اعظم از زبانش برداشته شد و قرآن درباره اش فرموده: «و سرگذشت کسی که آیات خود را به او عطا کردیم و او عملاً از آنان جدا شد، برای آنان بخوان. پس شیطان او را دنبال کرد [تا به دامش انداخت] و در نتیجه از گمراهان شد و اگر می خواستیم [درجات و مقاماتش را] به وسیله آن آیات بالا می بردیم، ولی او به امور ناچیز مادی و لذت‌های زودگذر دنیایی تمایل پیدا کرد و از هوای نفسش پیروی کرد. پس داستانش چون داستان سگ است [که] اگر به او هجوم ببری، زبان از کام بیرون می آورد، و اگر به حال خودش واگذاری [باز هم] زبان از کام بیرون می آورد»^۱. خداوند با این مثال در حقیقت از فردی یاد کرده که آداب ظاهری توانسته او را به مقاماتی برساند، اما عدم رسوخ ایمان در قلبش، مانع از عاقبت به خیری او گردید.

بگفتند اعراب ما مؤمنیم	قدم در ره رب خود می‌زنیم
بگو چون که ایمانتان سوی قلب	نگر دیده وارد هنوز است قلب
ولیکن بگوئید ما مسلمیم	بر ایمان یزدان نهاده دلیم

«ترجمه منظوم قرآن»^۲

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۷۶.

۲. ص ۵۱۷.





و کیلی که امورم را کفایت کند کیست؟

﴿ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْعُمْرَةِ
قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴾

و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

«عَلِيٌّ بْنُ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ». فَقَالَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا فَمَا فَعَلَ بِكَ كُنْتَ عَنْهُ رَاضِيًا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَأْلُوكَ خَيْرًا أَوْ فَضْلًا وَتَعْلَمُ أَنَّ الْحُكْمَ فِي ذَلِكَ لَهُ فَتَوَكَّلْ»

۱. سوره طلاق (۶۵)، آیه ۳.

۲. همان.

عَلَى اللَّهِ تَفْوِيضِ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَتَقْبِهِ فِيهَا وَفِي غَيْرِهَا»^۱

از حضرت رضاعلمه^{علیه السلام} درباره تفسیر آیه «و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است» سؤال شد. ایشان فرمودند: توکل بر خدا در جاتی دارد: یکی آنکه در هر کاری که با تو کرده، به او اعتماد داشته باشی، به همه راضی باشی و بدانی که در هیچ خیری و هیچ رایی در حق تو کوتاهی نکرده و اختیار به دست اوست؛ پس بر او توکل کنی و کارها را به او واگذار کنی. دیگر ایمان به غیب‌های اوست که تو از آن‌ها بی‌خبری، باید عملش را به او و امنایش واگذاری و درباره آن غیب‌ها و... به او اعتماد کنی.

برای تومی نویسیم

«توکل» و مشتقاتش هفتاد بار در قرآن آمده است. توکل عبارت است از اعتماد و اطمینان قلبی بنده در جمیع امور خود و حواله کردن همه کارهای خود به خدا و بر حول و قوه الهی تکیه کردن.^۲ این کلمه از ماده «وکالت» به معنی انتخاب وکیل است. روشن است هر مقدار وکیل، توانایی و آگاهی بیشتری داشته باشد، شخص موکل احساس آرامش بیشتری می‌کند و از آنجا که علم خدایی پایان و توانایی‌اش نامحدود است، هنگامی که انسان توکل بر او می‌کند، آرامش فوق‌العاده احساس می‌کند، در برابر مشکلات و حوادث مقاوم می‌شود و از دشمنان نیرومند و خطرناک نمی‌هراسد، در سختی‌ها خود را در بن بست

۱. الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۱۶۸.

۲. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص ۷۵۸.





نمی بیند و پیوسته راه خود را به سوی هدف ادامه می دهد. روایت امام رضا علیه السلام به این نکته اشاره دارد که درجات توکل بنا بر ایمان افراد متفاوت است و در صورت توکل واقعی به خداوند، مطابق با آیه سوم سوره طلاق، خداوند برای فرد کفایت می کند و نیازی به احدی جز او ندارد.

پاسخ یک علامت سؤال

چگونه توکل بر خدا باعث موفقیت در کارها می شود؟

به کرسی نشستن اراده انسان و دست یافتن به هدف و مقصد در عالم ماده، نیاز به اموری فراتر از اسباب طبیعی دارد. گاه در راه تحقق هدفی، فرد تمامی اسباب طبیعی را که آن امر نیازمند به آن است، فراهم می کند و باین حال به هدف خود نمی رسد که می توان دلیل را در تمام نبودن اسباب کار دانست؛ مثلاً اراده اش سست بوده، یا می ترسیده یا اندوه و غم مانعش شده یا حرص و یا سفاهت به خرج داده یا سوءظن داشته و یا چیز دیگری از این قبیل، مانع رسیدنش به هدف شده است. اما اگر همین انسان در هنگام ورود در آن امر به خدا توکل کند، در حقیقت به سببی متصل شده که شکست ناپذیر است؛ سببی که فوق هر سبب دیگر است و در نتیجه تمسک به چنین سببی، اراده اش نیز قوی می شود و دیگر هیچ یک از اسباب ناسازگار روحی بر اراده او غالب نمی شود که همین امر موجب موفقیت در کار می شود و این به معنای رها کردن کارها و سپردن همه چیز به خداوند نیست، بلکه به معنای تلاش حداکثری و امید به یاری از سوی خداوند است.

گنجینه‌ای از یک گفتار و یک شعر

روزی شتر حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گم شد، پس از جستجوی بسیار آن را یافتند و به حضور پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آوردند. حضرت رو به غلام کرد و فرمود: «مگر در موقع خواباندن شتر زانوانش را نبسته بودی؟» غلام عرض کرد: «کسی که توکل به قادر متعال داشته باشد، الزام و احتیاجی ندارد که زانوان شتر را ببندد؛ من توکل به خدا کردم و بدون آنکه زانوانش را ببندم، آن را خواباندم.» حضرت فرمود: «عقل و توکل»؛ یعنی: اول زانوی شتر را ببند و آن گاه توکل کن؛ زیرا قبول مشیت الهی به آن تعلق می‌گیرد که با کسب و کار و سعی و مجاهدت همراه باشد؛ نه جبری صرف باش که کاری نکنی و با توسل و توکل همه چیز را از خدا بخواهی و بدانی، نه مختار مطلق که کسب و کار و حرکت را بدون توکل و استعانت جستن از ذات باری تعالی منشأ خیر و برکت بدانی.

گفت آری گر توکل رهبر است	این سبب هم سنت پیغمبر است
گفت پیغامبر به آواز بلند	با توکل زانوی اشتر ببند
رمز الکاسب حبیب الله شنو	از توکل در سبب کاهل مشو

«مثنوی معنوی، دفتر اول»





تولی و تبری در زندگی من چه نقشی دارد؟

﴿ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴾

و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب] را به سرپرستی
و دوستی بپذیرند [حزب خدایند]، و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا]
پیروزند.

«رَوِيَ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ كَمَالَ الدِّينِ وَلَا يَتَنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا».

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که: کمال دین در ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست.

﴿ برای تومی نویسم ﴾

ولی در لغت به معنای سرپرست و اداره کننده امر و نیز به معنی دوست و باری کننده



و... می‌آید.^۱ بنابراین منظور از تولّی پذیرفتن کسی به‌عنوان ولی و سرپرست و نیز دوست داشتن اوست.

شخص دارنده تولّی در عمل تابع و مطیع آن کسی می‌شود که خداوند او را به‌عنوان ولی تعیین فرموده است.^۲

در روایت امام رضا علیه السلام ولایت اهل بیت علیهم السلام و برائت از دشمنان آنان موجب کمال دین دانسته شده است؛ بدان معنا که دین بدون ولایت دارای نقص و کمبود است و زمانی که انسان از طریق پیوند با ولایت، دینش را کامل کرد، به جمع حزب الله همیشه پیروز خواهد پیوست.

پاسخ به یک سؤال

تولّی و تبرّی در زندگی من چه نقشی دارد؟

مسئله پیوند با ذات پاک خداوند و اولیاء الله و بریدن از ظالمان و فاسدان و طاغوت‌ها و در یک کلمه «حبّ فی الله و بغض فی الله» اثر عمیقی در مسائل اخلاقی انسان دارد. این اصل قرآنی و اسلامی در تمام مسائل زندگی آدمی تأثیر مستقیم دارد. مؤمنان را می‌سازد، آن‌ها را تهذیب می‌کند و به آن‌ها نیز تعلیم می‌دهد که در هر قدم، نیکان و پاکان مخصوصاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را اسوه و سرمشق خود قرار دهند و این از گام‌های مؤثر برای وصول به هدف آفرینش انسان؛ یعنی تهذیب نفس و پرورش فضائل اخلاقی است.^۳

۱. قرشی بنایی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۴۷.

۲. صدر، سید محمد؛ تاریخ غیبت کبری، مترجم سید حسن افتخارزاده، ص ۷.

۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۷۵.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

شخصی می‌گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام نشستیم بودیم، ناگهان پیرمردی وارد شد و سلام کرد. آن‌گاه روی خود را به سمت امام باقر علیه السلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا! مرا نزدیک خود بنشان که به خدا سوگند من به شما و دوست‌دارانتان علاقه‌مندم. به خدا سوگند این دوستی‌ها برای دنیا نیست و به خدا من دشمن دارم دشمنانتان را و از آنان بیزارم. به خدا این دشمنی و بیزاری به این دلیل نیست که آنان فردی از اطرافیانم را کشته باشند. به خدا سوگند من حلال شما را حلال می‌دانم و حرامتان را حرام می‌شمارم و چشم به فرماتان دارم. قربانت گردم آیا ابا این ترتیب [درباره من امید سعادت و نجات] داری؟ امام باقر علیه السلام فرمود: «پیش بیا، پیش بیا»، سپس او را نزد خود نشانده و فرمود: ای پیرمرد همانا مردی نزد پدرم علی بن حسین علیه السلام شرفیاب شد و همین پرسش را مطرح کرد. پدرم به او فرمود: اگر ابا این حال [بمیری]؛ به رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیه السلام وارد شوی و دلت خنک شود، قلبت آرام گیرد، دیده‌ات روشن گردد و به همراه نویسندگان اعمال با روح و ریحان از تو استقبال شود، و این در وقتی است که جان به این جای تو رسد - و با دست به گلویش اشاره فرمود - و اگر زنده بمانی، آنچه را موجب چشم روشنی‌ات است، بینی و در بالاترین درجات بهشت با ما خواهی بود. پیرمرد گفت: چه فرمودی ای اباجعفر؟! [پیرمرد با تعجب از امام خواست تا کلامش را تکرار کند]. امام علیه السلام همان سخنان را برای او تکرار کرد. پیرمرد گفت: الله اکبر! ای اباجعفر! اگر بمیرم، به رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیه السلام در آیم و دیده‌ام روشن گردد، دلم خنک شود، قلبم آرام گیرد و به همراه نویسندگان اعمال با روح و ریحان مورد استقبال قرار گیرم، هنگامی که جانم به اینجا رسد و اگر زنده بمانم ببینم آنچه را دیده‌ام



بدان روشن گردد و با شما باشم در بالاترین درجات بهشت. پس از اینکه خدا حافظی کرد
به راه افتاد، امام باقر علیه السلام رو به حاضران فرمود: «هر کس می خواهد مردی از اهل بهشت
را ببیند، به این مرد بنگرد»^۱.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد



پاسخ‌های امام رضا علیه السلام
به ۴۰ پرسش قرآنی

«کلیات سعدی»

بخش دوم



عمل و واکنش

امام رئوفم! در زندگی فردی و
اجتماعی ام چگونه عمل کنم تا
رضایت خدا را جلب کنم؟

فصل اول

اعمال فردی ام

چگونه می توانم در حیطه فردی سعادت‌م را تأمین کنم؟



خودشناسی چه ضرورتی برایم دارد

و میزان اهمیت آن در قرآن تا چه حد است؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ
مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ
بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ^۱

ای اهل ایمان! مراقبِ ایمان و ارزش‌های معنویِ خود باشید. اگر شما هدایت
یافتید، گمراهی کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی‌رساند.

«امام الرضا علیه السلام قَالَ: «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا
هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ»^۲.

۱. سوره مائده (۵)، آیه ۱۰۵.

۲. عمیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۴.



امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: پدرم از جدم از پدرانم از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند که فرمود: کسی که قدر خود را بشناسد، هلاک نخواهد شد.

برای تومی نویسم

از میان شناخت‌های اساسی، شناخت خود یا به تعبیری انسان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. حرکت انسان در مسیر تکامل از شناخت انسان و موقعیت باارزش او در جهان هستی آغاز می‌شود. انسان تا با خودش آشنا نشود و از استعداد بی‌نهایت و ارزش فوق‌العاده جوهر انسانی خود آگاه نگردد حرکت جدی و پیگیرانه‌ای را در جهت شکوفایی نیروهای نهفته در خود سامان نمی‌دهد و خط سیر درستی را در زندگی نخواهد داشت. آیات قرآن و روایات نیز با تأکید بر اهمیت خودشناسی، میان خودشناسی و خداشناسی و نیز خودفراموشی و خدافراموشی رابطه مستقیم برقرار کرده‌اند.^۱ آیه ۱۰۵ سوره مائده با تأکید بر پرداختن به خویشتن، این نکته را تداعی می‌کند که اولین و پرفایده‌ترین دانستن برای انسان، شناخت خود است؛ شناختی که بدون آن هیچ چیزی به درستی برای انسان شناختنی نیست و هیچ برنامه‌ای مفید فایده و مؤثر نیست. روایت امام رضا علیه السلام نیز دوری فرد از هلاکت را نتیجه شناخت قدر و ارزش خویشتن دانسته است؛ زیرا فردی که به بزرگی قدر و اندازه خود آگاه باشد، هیچ‌گاه کارهایی را که باعث هلاکت او می‌شود، انجام نخواهد داد.

پاسخ یک علامت سؤال

خودشناسی چگونه می‌تواند در شناخت غیر از خود مؤثر باشد؟

۱. سوره حشر (۵۹)، آیه ۱۹.

به‌طور کلی دو گونه شناخت برای انسان وجود دارد: شناخت درون (خود) و شناخت بیرون (غیر از خود). برای شناخت بیرون باید از شناخت درون آغاز کرد و بدون شناخت درون، شناخت بیرون، چندان حقیقی و مؤثر نیست؛ این‌گونه است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فردی که به خودشناسی رسیده را در شناخت غیر خود (یعنی همان شناخت عالم پیرامون انسان)، عالم‌تر از دیگران دانسته است.^۱

در هر دو دیدگاه مادی و الهی، خودشناسی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و سرآغاز دیگر شناخت‌ها و تغییرات است. خودشناسی صحیح، انسان را در مسیر درست زندگی قرار می‌دهد و در صورتی که ناصحیح باشد، انسان از راه راست منحرف شده و از مسیر حقیقی زندگی خارج می‌شود و در این میان، همه‌چیز به تعریف انسان بستگی دارد. اگر انسان به‌صورت یک شیء مادی و طبیعی تعریف شود، زندگی او نیز به‌صورت یک زندگی طبیعی و حیوانی تعریف خواهد شد و در این نوع زندگی، چیزی فراتر از طبیعت و پرورش نیروهای طبیعی و حیوانی نخواهد داشت. اما اگر انسان به‌عنوان موجودی دارای دو بعد طبیعی و فراطبیعی (معنوی و الهی) تعریف شود، زندگی او رنگ دیگری پیدا خواهد کرد. در این نوع زندگی علاوه بر ماده، بعد معنوی الهی نیز مطرح خواهد بود و تکامل انسان نیز در قرب و نزدیکی به منبع اصلی خیر؛ یعنی خداوند تعریف خواهد شد.

🌸 گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

در کتاب اعجاز روان کاوی نوشته «کارل منیگر» چنین آمده است: «خودشناسی عبارت از این است که هم از قوای مثبت و مهرانگیز نهاد خود آگاهی داشته باشیم و هم از



نیروهای منفی که موجب نابودی ما می‌گردد و ما را به خاک سیاه می‌افکند. ندیده گرفتن
قوای منفی یا خودداری از اشاره به وجود آنها در خودمان یا دیگران، پایه‌های زندگی را
متزلزل می‌کند»^۱

به آدمی نرسیدی خدا چه می‌جوئی ز خود گریخته‌ای آشنا چه می‌جوئی

«جاویدنامه اقبال لاهوری»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا (ع)



حسابرسی و سنجش اعمال (خودسنجی) چه اهمیتی در زندگی ام دارد؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا
قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) خدا بپرهیزید و هر کس باید
بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده‌اش (مخالفت) خدا بپرهیزید
که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

«قال الرضا عليه السلام من حاسب نفسه ربح، ومن غفل عنها خسر، ومن اعتبر أبصر.»

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هر کس به حساب خودش رسیدگی کند، سود می‌برد، و

هر کس از خود (و اعمالش) غافل شود، زیان می‌کند، و هر کس عبرت بگیرد، بینا شود.

برای تو می‌نویسم

گذشت عمر، نامحسوس است. «محاسبه» آن را محسوس می‌کند و خرج شدن سرمایه‌ها را نشانمان می‌دهد. سرگرمی انسان به کارهای روزمره و سپری کردن ایام و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها، حالتی از «غفلت» را پیش می‌آورد که انسان به اینکه «چگونه گذشت؟» بی‌اعتنا می‌شود. برنامه «محاسبه» که در توصیه‌های اخلاقی بزرگان دین آمده است، ما را از این غفلت درمی‌آورد و نسبت به ارزیابی سخنان، عمل‌ها، خصلت‌ها، برخوردها و دستاوردهای عمر و زندگی، حساس و هوشیار می‌کند. در محاسبه، هم در کارها باید دقت شود، هم نیت‌ها و انگیزه‌ها، هم حرف‌ها. در یک روز، چقدر حرف می‌زنیم؟ در لابه‌لای این همه حرف، چقدر خوب و مفید و خداپسند است و چقدر، دروغ و بیهوده؟ با خیلی‌ها بر خورد می‌کنیم. اما این برخوردها، خشم‌ها، خنده‌ها، انتقادهای، تعریف‌ها، احترام‌ها، بی‌اعتنایی‌ها، رفت‌وآمدها، برای چیست؟ با چه انگیزه‌ای است؛ حلال است یا حرام؟ از روی حسد است یا دلسوزی؟ عمر، یک سرمایه گران‌بهاست و چون به آخر رسد، دیگر باز نمی‌گردد. ولی صرف چه می‌شود؟ به سود ما یا به زیان ما؟ در راه خدا یا در راه شیطان؟^۱ همه این‌ها را باید در هر شبانه‌روز محاسبه کنیم تا در اصلاح آن اقدام کنیم و این به نفع ماست، ولی اگر غفلت کنیم، در روز قیامت که اعمال ما محاسبه می‌شود، با دست خالی و بار خطاهایی که فرصت جبران برایش نگذاشتیم، چیزی جز حسرت و خسارت نصیبمان نمی‌گردد.



پاسخ یک علامت سؤال

چرا باید نسبت به خود حسابرسی و ارزیابی داشته باشیم؟

پیشگیری از زیان و رسیدن به سود بیشتر، در هیچ موسسه‌ای چه کوچک و چه بزرگ در این جهان، بدون رسیدگی مستمر و محاسبه ممکن نیست. راستی حیرت‌آور است که مردم در حساب سرمایه‌های مادی خود این قدر دقیق‌اند، حتی نسبت به کم و زیاد شدن چند گرم وزن بدن خویش حساسیت نشان می‌دهند، اما گاه در تمام عمر حتی یک بار به حساب‌های اخلاقی و معنوی خویش نمی‌رسند؛ چه غفلت و حشتناکی! ولی یک مسلمان مسئول و بیدار کسی است که به گفته امام کاظم علیه السلام هر کس هر روز «محاسبه نفس» نکند (واز خود برای کارهایی که در آن روز کرده است حساب نکشد)، تا اگر کار نیکی کرده است بر آن بیفزاید و اگر کار بدی کرده است، به درگاه خدا استغفار و توبه کند، از ما (واهل ولایت ما و پیرو ما) نیست.^۱ حضرت علی علیه السلام نیز در تقسیم‌بندی سه‌گانه وقت یک بخش را به محاسبه نفس اختصاص داده است.^۲ و این اهمیت محاسبه نفس را نشان می‌دهد.

کنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

شخصی به نام توبه، بیشتر اوقات شب و روز از نفس خود حساب می‌کشید. روزی وی عمر خود را حساب کرد و دید شصت سال از عمرش گذشته است. آن را به روز حساب کرد و دریافت مدت بیست و یک هزار و پانصد روز از عمرش گذشته است. سپس با خود گفت: «وای بر من! اگر روزی یک گناه بیشتر نکرده باشم، خدای خود را در حالی دیدار می‌کنم

۱. تحف العقول، ص ۳۸۳.

۲. الخصال، ج ۲، صص ۵۲۵ - ۵۲۳.



که بیش از بیست و یک هزار گناه مرتکب شده ام». این سخن را با خود گفت و آه و فغانی از دل برکشید و بی هوش بر زمین افتاد و از دنیا رفت.^۱

هر که نفس خویش را حاسب بود منفعت های کلان کاسب بود
و آن که غفلت کرده خسران دیده است شاخه زقوم را او چیده است

«تحفه رضوی»^۲



۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۴۶۵.

۲. حسن زاده کواکبی، رضا؛ تحفه رضوی، ص ۳۶.

برنامه صحیح برای زندگی دنیا و آخرت چیست؟



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا

﴿ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ
وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ﴾

در آنچه خدا به تو عطا کرده است، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن.

«قَالَ وَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ ^۱ اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا».

امام رضا عليه السلام فرمودند: برای دنیای خودت چنان عمل کن که گویا در دنیا تا ابد زندگی

۱. سوره قصص (۲۸)، آیه ۷۷.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۵۶.

می‌کنی و برای آخرت خودت چنان عمل کن که گویا همین فردا می‌میری.

برای تو می‌نویسم

حدیث فوق چگونگی برخورد اسلام را با مسائل مربوط به زندگی مادی و معنوی روشن می‌سازد. یک مسلمان وظیفه شناس نسبت به مسائل زندگی مادی باید آنچنان محکم کاری و انضباط را رعایت کند که گویا همیشه در این جهان می‌ماند و به این ترتیب اهمال کاری‌های ریاکارانه مدعیان زهد را مردود شناخته است. اما نسبت به مسائل معنوی و آمادگی‌های لازم برای زندگی آخرت، باید آنقدر حساس باشد که اگر فردا از این جهان چشم‌پوشد، کمبودی نداشته باشد؛ با آب توبه واقعی دامن خود را از گناه شسته و حقوق مردم را همگی ادا کرده و هیچ نقطه تاریکی در زندگی نداشته باشد.^۱



پاسخ‌های امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

پاسخ یک علامت سؤال

برنامه صحیح برای زندگی دنیا و آخرت‌م چیست؟

از منظر اولیای دین سامان بخشیدن به اوضاع دنیوی و بهره‌درست و مشروع بردن از دنیا نه تنها مانع رشد معنوی و آباد کردن آخرت نیست، بلکه پشتیبان و تقویت‌کننده آن است. در پی این نگرش و اعتقاد هر گونه فعلیتی در راه سامان بخشیدن به دنیا عین آخرت‌طلبی و هر تلاشی در این راه عبادت و بندگی محسوب می‌شود و به تعبیری دیگر چیزی به اسم دنیا وجود ندارد و همه تلاش‌ها رنگ خدایی به خود گرفته و در مسیر آخرت و سعادت جاوید قرار می‌گیرد. لذا در تفسیر جمله «وَلَا

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ یکصد و پنجاه درس زندگی، ص ۸۴.

تَسْ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا» از حضرت علی عليه السلام چنین آمده است: تندرستی و قوت و فراغت و جوانی و نشاطت را فراموش مکن و به وسیله این (پنج نعمت بزرگ) آخرت را بطلب.^۱

البته نکته دیگری که حدیث بدان اشاره دارد، این است که از نظر برخی کارها اصل «بقای حیات و ادامه عمر» است و از نظر برخی کارها، اصل «عدم بقای عمر و کوتاهی آن» است. یعنی آنگاه که دست به کار مفیدی می زنی؛ مانند تألیف کتاب که وقت و فرصت زیاد و عمر دراز می خواهد، فکر کن که عمرت دراز خواهد بود و اما آنگاه که کاری را به بهانه اینکه وقت زیاد است، می خواهی تأخیر بیندازی مانند توبه، فکر کن که فردا می میری، فرصت را از دست نده و تأخیر نینداز.^۲



پاسخ های امام رضا علیه السلام
به ۴۰ پرسش قرآنی

گنجینه ای از یک گفتار، یک شعر

استیون پاول جابز، کارآفرین، مخترع، بنیان گذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه ای اپل گوید: وقتی ۱۷ ساله بودم، جایی خواندم اگر هر روز را طوری زندگی کنی که انگار آخرین روز زندگی توست، یک روز حتماً همین طور خواهد شد. چنان اثری بر من داشت که در ۳۵ سال گذشته هر روز صبح در آینه به خود می گویم اگر امروز روز آخر تو باشد، چه کار می کنی؟ وقتی دو روز متوالی جوابم نه باشد، می دانم که باید چیزی را تغییر دهم. همین که فکر می کنم به زودی می میرم، مهم ترین ابزاری است که کمکم می کند بهترین گزینه ها را انتخاب کنم.^۳

۱. ابن بابویه، *الأمالی* (للصدوق)، ص ۲۲۸.

۲. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۱۶، ص ۵۸۸.

۳. <http://www.businessinsider.com>

از آنچه که یزدان بکردت عطا
ولی بهره دنیوی هم بپر
تو تحصیل کن اجر دارالبقا
کنون جامه ظلم بر تن بدر
همان سان که نیکی نمودت خدا^۱
هر آنچه توانی نکوئی نما

«ترجمه منظوم قرآن»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا علیه السلام

چگونه از زمان خود در مسیر الهی به بهترین شکل بهره‌برداری کنیم؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا

﴿ وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ﴾^۱

سوگند به عصر، که بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند.

«قال امام الرضا عليه السلام: وَاجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ مِنْهُ لِمُنَاجَاتِهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمَعَاشِرَةِ الْإِخْوَانِ الثَّقَاتِ وَ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَيَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ وَ يَهْدِيهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ»^۲.

۱. سوره عصر (۱۰۳)، آیه ۳-۱.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۳۷.



امام رضا علیه السلام می‌فرماید: سعی کنید شبانه‌روز خود را چهار قسمت کنید: یک قسمت برای مناجات با خدا، یک قسمت برای امر معاش، یک قسمت برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتمادی که عیب‌های شما را به شما گوشزد می‌کنند و در باطن به شما علاقه دارند و یک قسمت برای لذت و بهره‌برداری‌های غیر حرام؛ با این قسمت (تفریحات و لذت‌های سالم و مشروع) شما قدرت بر سه قسمت دیگر پیدا می‌کنید.

برای تومی نویسم

اولین نکته‌ای که در این حدیث باید بدان توجه کنیم، بحث تلاش در اجرای برنامه است.^۱ هر چقدر هم که برنامه انسان در هر کاری درست باشد، اگر با جدیت تمام برای انجام آن تلاش و کوشش نکند، قطعاً نتیجه لازم را نخواهد گرفت. در ادامه حدیث تقسیمات چهارگانه زمان بیان شده است: اول مناجات؛ اتفاقاً این قسمت مهم‌ترین بخش زمان روزانه در زندگی اسلامی است. اصل مناجات با خدا باید در موقع نشاط و بهترین زمان باشد؛ نه در زمان خستگی و عجله. دوم؛ تلاش برای به دست آوردن روزی برای اداره خانواده و نیز ارتباط با اجتماع برای رفع حاجات اقتصادی و اجتماعی است. سوم؛ در جست‌وجوی نصیحت؛ در احیای اهل بیت علیهم السلام دوست حقیقی کسی دانسته شده است که عیوب انسان را به انسان هدیه کند.^۲ بنابراین هر انسانی برای تشخیص درست بودن اعمال خود به غیر از عقل و اندیشه خود به واعظ بیرونی نیز نیاز دارد. چهارم؛ تفریحات

۱. از عبارت «اجتهدوا» در ابتدای این روایت فهمیده می‌شود مهم‌تر از برنامه‌ریزی، تلاش برای محقق کردن برنامه است.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ»، بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد.

سالم، تفریح تنها برای استراحت و کسب آمادگی برای بخش‌های قبلی است. پس با این نگاه، تفریح و استراحت، بسیار مهم بوده و نقش پشتیبانی را بر عهده دارد. البته باید از زیاده‌روی در تفریح دوری کرد. ضرورت تفریح و لذت‌جویی مشروع برای موفقیت و نشاط روحی و جسمی بیشتر است.

پاسخ یک علامت سؤال

چگونه از زمان خود در مسیر الهی به بهترین شکل بهره‌برداری کنم؟

نوع انسان در خسران است؛ چراکه انسان گرفتار در زمان است، بنابراین هر لحظه سرمایه‌اش را از دست می‌دهد؛ سرمایه‌ای بدون بازگشت. عموم جوانان بر این باورند که عمرشان طولانی و فرصت‌ها بسیار است. به همین دلیل قدر وقت را نمی‌دانند و زمانی به خود می‌آیند که یا پیری، چهره در هم شکسته و خسته خود را به آن‌ها نشان می‌دهد یا ناگاه عمرشان به سر آمده است.

یکی از گام‌های مؤثر برای استفاده بهینه از وقت، مدیریت زمان و برنامه‌ریزی مناسب است. برنامه‌ریزی، فرد را قادر می‌سازد تا از زمان خود به بهترین شکل بهره‌گیرد و هر کاری را در زمان مناسب خود انجام دهد. در این روایت به اصل برنامه‌ریزی و تقسیم زمان برای رفع نیازهای مختلف مادی و معنوی توجه شده است. بدبهی است که انسان بدون هر یک از اینها انسانی غیر کامل است؛ زیرا دوری از خدا (اضطراب روحی و شقاوت) و ترک معاشرت با دیگران (گوشه‌نشینی و پی‌نبردن به کمبودهای اخلاقی خود) و بیکاری یا کم‌کاری (بی‌آبرویی و نیازمندی به دیگران) و ترک تفریح و لذت مشروع، کسالت و ضعف روحیه را به دنبال خواهد داشت و باید به تمام این چهار بخش و محور که به ابعاد





مختلف وجودی انسان مربوط می‌شوند، توجه شود. بخشی از اوقات را باید به بعد معنوی و ارتباط با خالق هستی اختصاص داد، بخش دیگر مربوط به بعد مادی و نیازهای زندگی است، بخش سوم به بعد اجتماعی انسان و توجه به روابط اجتماعی مربوط می‌شود که یکی از ابعاد وجودی انسان است و بخش چهارم به تفریحات و استفاده از لذت‌های حلال مربوط می‌شود؛ مثل استراحت کردن، خواب، تفریح و گردش، مسافرت و لذت‌های حلال دیگر.

ولی میزان اختصاص یافته به هر یک از بخش‌های چهارگانه، مختلف است و میزان آن، بستگی به این دارد که انسان در چه موقعیتی قرار داشته باشد و چه شرایط فیزیکی، روانی و اجتماعی بر او حکم فرما باشد. طبیعی است که متناسب با سن فرد و موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرد، اختصاص زمان به هر یک از این بخش‌ها متفاوت خواهد بود؛ مثلاً در دوران کودکی و جوانی، زمان اختصاص یافته به بخش چهارم بیشتر است و در دوران جوانی که نیروی کار، تلاش و تحصیل علم و دانش در اوج است، به بخش دوم زمان بیشتری اختصاص می‌یابد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

صاحب‌جوهر، بانوشتن یک دوره فقه، ثابت کرد انسان زمانی موفق و پیروز می‌شود که بتواند در برابر سختی‌های زندگی سربلند بیرون آید. این عالم بزرگوار در استفاده از وقت بسیار کوشا بوده و حکایت زیر نشان‌دهنده اهمیت وقت در نزد ایشان است. ایشان در یکی از روزهایی که به نوشتن این کتاب (جوهر) گران‌بها و شریف مشغول بود، فرزندشان از دنیا رفت. مراسم غسل و کفن انجام شد، ولی تشییع جنازه و تدفین به فردا موکول گردید. لذا

جنازه را در خانه مرحوم صاحب جواهر گذاردند. ایشان یک خانه محقر با دو اتاق داشتند که یکی از آن‌ها برای مطالعه و دیگری برای خانواده‌شان بود. لذا ناچار، تابوت فرزند را در اتاق مطالعه قرار دادند. آقا بعد از اینکه نمازشان را در مسجد خواند و به منزل مراجعت فرمود، از یک طرف جنازه پسر را می‌دید و از درگذشت او ناراحت بود و از طرفی دیگر می‌بایست کتابشان را بنویسد. لذا بر سر جنازه جوان، دل را متوجه خدا کرده و مشغول نوشتن جواهر شد و ثواب آن را برای فرزندشان نثار و هدیه کرد.^۱



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا

عمر گران‌مایه در این صرف شد تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا

«گلستان سعدی»^۲

۱. پندها و حکایت‌های اخلاقی، ص ۲۳۱.

۲. باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت ۳۷.



بهترین راه به دست آوردن علم چیست؟

آیا می‌توانم بدون پرسش، دانشمند شوم و علم خود را پرورش دهم؟

﴿ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾^۱

اگر نمی‌دانید از دانایان بپرسید.

«علی بن موسی الرضا علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: العلم خزائن ومفاتيحه السؤال، فاسألوا یرحمکم الله فانه یوجر فیہ أربعة: السائل والمعلم والمستمع والمجیب له»^۲

امام رضا علیه السلام از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کردند که فرموده‌اند: «دانش گنجینه‌هایی است که کلیدهای آن سؤال است، خداوند شما را رحمت کند هر چه می‌خواهید بپرسید و در پرسش‌های علمی چهار نفر مأجور هستند: سؤال‌کننده، معلم، شنونده و پاسخ‌دهنده.

۱. سوره الأنبیاء (۲۱)، آیه ۷.

۲. عمیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸.

برای تومی نویسم

یکی از مسائلی که در قرآن کریم بدان توجه شده است، پرسیدن سؤال برای گریز از نادانی است. اینکه انسان برای رسیدن به آگاهی از کسانی که با علم و دانش سروکار دارند، سؤال بپرسد.

در کلام گهربار امام هشتم علیه السلام نیز به «پرسیدن سؤال» به عنوان یکی از راه‌هایی که منجر به افزایش دانش آدمی می‌گردد، اشاره شده است.

هنگامی که انسان سؤالات علمی خود را با دیگران مطرح می‌کند، بهره آن فقط نصیب خودش نمی‌شود، بلکه دیگران نیز در یک میدان تولید و رشد علمی قرار می‌گیرند و از دانش و تجربیات یکدیگر استفاده می‌کنند. همچنان که در این سخن زیبا از امام رضا علیه السلام برای چهار نفر اجر و پاداش در نظر گرفته شده است: کسی که باب گفتگوی علمی را با پرسیدن سؤال آغاز می‌کند؛ شخصی که در جایگاه آموزگار است و طرح سؤال، به امید پاسخ‌گویی وی شکل گرفته است؛ فردی که شنونده این پرسش و پاسخ است و شخصیتی که به آن سؤال پاسخ می‌گوید؛ خواه همان معلم مورد نظر باشد یا شخص چهارمی که در این جمع نورانی حضور داشته است.

پاسخ یک علامت سؤال

آیا می‌توانم بدون پرسش، دانشمند شوم و علم خود را پرورش دهم؟

از نظر امام رضا علیه السلام پرسیدن سؤال، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند سؤال‌کننده را در ردیف عالم و دانشمندی قرار دهد که نسبت به یک زمینه علمی، دانش‌ها و اطلاعاتی





را داراست. بنابراین اگر شرایط، ظرفیت و موقعیت لازم برای آموزش تمامی زوایای یک علم را نداریم، با پرسیدن سؤال، فرصت آگاهی از برخی جنبه‌های آن موضوع را به دست خواهیم آورد.

با توجه به این روایت، پرسیدن سؤال به قدری ارزشمند است که به کلید گنج گران‌بهای دانش تشبیه شده است؛ هر چه انسان کلید گنج‌های بیشتری را در اختیار داشته باشد، بر ثروت او نیز افزوده خواهد شد. پس تا می‌تواند شایسته است که سؤالات علمی بیشتری را در ذهن خویش پرورش داده و فکری پویا و فعال را در خود ایجاد کند.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

در روایتی می‌خوانیم که: زنی به خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسید و عرض کرد: مادر پیری دارم که در باره نماز مسائلی را نمی‌داند، مرا نزد شما فرستاده تا آن مسائل را بپرسم و بعد شروع به طرح و پرسش مسائل خود کرد و آن حضرت جواب سؤالاتش را می‌داد و تا ده مسئله سؤال کرد و پاسخ همه را شنید. سپس آن زن از کثرت سؤال خجالت کشید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا من زیاد سوال کردم و شما را به مشقت انداختم، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: آنچه می‌خواهی سؤال کن. آیا کسی را سراغ داری که در برابر صد هزار مثقال طلا اجیر شود که یک روز بار سنگینی را از زمین به بالای بام ببرد و اظهار خستگی کند؟ او عرض کرد: نه. زهرا علیها السلام اظهار فرمود: من نیز اجیر شده‌ام در برابر هر مسئله‌ای که به تو پاسخ دهم، مزدی بگیرم که اگر بین زمین تا عرش را پر از مروارید کنند، باز آن مزد بیشتر است. بنابراین من سزاوارتر از آن اجیرم که اظهار خستگی نکنم. من از پدرم شنیدم که فرمود: علمای شیعه ما وقتی در قیامت محشور می‌شوند، به قدر علمشان و

به قدر تلاشی که در ارشاد مردم کرده‌اند، به آن‌ها خلعت و جایزه می‌دهند.^۱

به دانش فزای و به یزدان گرای
که او باد جان تو را رهنمای
بپرسیدم از مرد نیکو سخن
کسی کو به سال و خرد بد کهن
که از ما به یزدان که نزدیک‌تر
که را نزد او راه باریک‌تر
چنین داد پاسخ که دانش‌گزین
چو خواهی ز پروردگار آفرین

«شاهنامه فردوسی»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا



اگر خداوند بی‌نیاز است، چرا باید او را عبادت کنیم؟

پرستیدن خدا چه سودی برایم دارد؟

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱

و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند، نیافریدیم.

«عن الفضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام في بيان علة العبادة: فَإِنْ قَالَ قَاتِلٌ فَلِمَ تَعْبُدُهُمْ قِيلَ لِنَلَّا يَكُونُوا نَاسِينَ لِدِكْرِهِ وَلَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ وَلَا لَاهِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ إِذَا كَانَ فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَ قَوْمَهُمْ فَلَوْ تَرَكُوا بَعِيرَ تَعْبُدَ لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَفَسَّتْ قُلُوبُهُمْ»^۲.

اگر کسی بگوید: چرا خداوند به بندگانش دستور عبادات داده (مگر نیاز به عبادت آنها دارد؟) در پاسخ گفته می‌شود، این به خاطر آن است که یاد خدا را به فراموشی نسپارند و

۱. سوره الذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

۲. عمیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۱۰۳.

آیین او را ترک نکنند و از امر و نهی او غافل نشوند؛ چراکه در آن صلاح و قوام آن هاست، و اگر مردم بدون پرستش و عبادت رها شوند، مدت زیادی بر آن‌ها می‌گذرد (و از یاد خدا غافل می‌شوند) لذا دل‌های آن‌ها قساوت پیدا می‌کند.

برای تومی نویسم

آفرینش انسان برای رسیدن به مقام بندگی است تا غیر خدا را نپرستد، امام رضا علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: سرآغاز عبادت خداوند، شناخت اوست و ریشه شناخت خدا یگانه‌دانستن اوست.^۱ لذا حقیقت بندگی این است که انسان تنها خدا را بپرستد و در زندگی خویش تکیه‌گاهی جز خدا نداشته باشد و او را کانون امید بداند^۲ و به عبارتی دیگر از دام هواپرستی (نفس خود را به جای خدا گذاشتن) برهد.^۳

به این ترتیب روشن می‌شود که عبادت با خالق، قلب را بیدار و روح را هوشیار می‌کند و کلاً نیایش مایه یاد خداست؛ خدایی که قابل اکرام است و موجب نهی از منکر و امر به معروف می‌گردد که آن خمیرمایه اصلاح درون و برون است. اگر عبادت خدا ترک شود، انسان به قساوت قلب - که یکی از بیماری‌های خطرناک اخلاقی است - مبتلا می‌شود. اکثر صفات زشت، مانند ظلم و بی‌رحمی، آزار رساندن به دیگران، نشنیدن دادخواهی مظلومان، بی‌توجهی نسبت به ضعیفان و فقرا و جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها در طول تاریخ به راه افتاده و امثال آن بر این خوی زشت مترتب می‌شود. تمام گرفتاری امروز و گذشته

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۹۸.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۹۲.

۳. پورامینی، محمدباقر؛ چرا زندگی می‌کنم، ص ۲۴.



بشریت، ناشی از رفتار بی‌رحمانه این گونه افراد است.

❁ پاسخ یک علامت سؤال

خداوندی که خالق تمام جهان و حتی بشر است، نیازی به بشر و عبادتش ندارد؛ زیرا بشر عبادت کند یا نکند، خدا هست و دنیا و تمام مخلوقاتش موجودند. ولی اگر بشر عبادت کند، در دنیا و آخرت سعادت مند شده و حیات و ممات او دارای انگیزه می‌شود. هر روز شادتر از روز دیگر و فعال‌تر از روزهای گذشته است و در صدد جلب رضایت خداوند است. عبادت، تنها به‌جا آوردن عباداتی چون نماز و روزه نیست؛ از این‌رو هر کار و رفتار شایسته‌ای که انسان انجام می‌دهد، اگر انگیزه و نیت خدایی داشته باشد، عبادت شمرده می‌شود. با این وصف، وقتی کشاورز با این نیت، بیل بر زمین می‌زند، در حال عبادت است؛^۱ مادری که برای اهل خانواده غذا آماده می‌کند، در حال عبادت است؛ دانش‌آموزی که درس می‌خواند، در حال عبادت است.



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا

❁ گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

«آلکسیس کارل» نویسنده کتاب انسان، موجود ناشناخته می‌نویسد: «قوی‌ترین قدرتی که ممکن است انسان ایجاد کند، همانا دعا و عبادت است؛ قدرتی که مانند نیروی جاذبه زمین وجود حقیقی و خارجی دارد. من در زندگی پزشکی خود به کسانی برخورد کرده‌ام که هیچ‌کدام از وسایل مداوا برایشان مؤثر نبوده است، ولی به مدد عبادت و دعا

۱. در محضر حکیم علامه جعفری، ص ۶۴

نجات یافته‌اند»^۱.

هر که در بند عبادت می‌شود بی‌شک از اهل سعادت می‌شود

«پندنامه عطار»



پاسخ‌های امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

۱. می‌فرمایند: «خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ»؛ بهترین برادرانِ شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد؛ و رام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (المعروف بمجموعه ورام)، ج ۲، ص ۱۲۳.



چرا باید دعا کنیم؟

دعا چه کار کردی دارد؛ مگر خداوند نیازهایم را نمی داند؟

﴿ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۱ ﴾

و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شمارا اجابت کنم.

«بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعِمَادُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ»^۲.

دعا سلاح مومن، ستون دین و نور آسمانها و زمین است.

۱. غافر (۴۰)، آیه ۶۰.

۲. عمیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷.

برای تومی نویسم

ابزار و وسایل انسان‌ها با یکدیگر مشترک است؛ با این تفاوت که مؤمن سلاح و ابزاری دارد که غیرمؤمن آن را ندارد. او از قانونی در عالم بهره می‌برد که دیگران از آن محروم هستند. این سلاح و قانون در هستی دعاست. انسان مؤمن، معتقد است خدایی وجود دارد که قادر به تأمین همه نیازها و انجام هر امر و خیر محض است. مؤمن باور دارد که می‌تواند با این خدا ارتباط برقرار کند. او در واقع با توجه به خبری که از غیب به او رسیده است، یقین دارد که این خدا صدای او را می‌شنود و به دعا و درخواست او پاسخ می‌دهد. دعا روح و مغز عبادت است.^۱ دعا ارتباط بین انسان و خداست، پایه دین هر کس بر ارتباط با خدا استوار است، دعا همچون نوری است که واسطه اتصال زمین و آسمان است.^۲

پاسخ یک علامت سؤال

دعا چه کار کردی دارد؛ مگر خداوند نیازهایم را نمی‌داند؟

سنت الهی بر این است که به موجودات براساس عطش و درخواست قلبی شان (در صورت وجود مصلحت) عطا کند و مرحمت نماید.^۳ قرآن مجید بالاترین ارزش‌ها را به دعا داده است و می‌فرماید: بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم به شما بهایی نمی‌دهد. لذا ما موظف به دعا کردن هستیم؛ گرچه مسلماً خداوند از تمامی افکار و نیت

۱. الدعاء مخ العباد.

۲. تشبیه الخواطر و نزهة النواظر (المعروف به مجموعة وزام)، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳. این نکته در آیه ۳۴ سوره ابراهیم آمده است: ﴿وَأَنَّا كُنتُمْ مِن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾





و حاجات بنده خود آگاه است.^۱

تشویق به دعا، تفکر غلط فلسفه‌های بشری را مردود می‌سازد، که جهان و پدیده‌های آن را دارای علت و معلول‌هایی تغییرناپذیر می‌شناسند و می‌پندارند که برنامه‌ها و سرنوشت‌ها از پیش تعیین شده است و تغییری در آن‌ها نیست. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: دعا کن و از خدا بخواه و مگو و مپندار که کارها گذشته و طبق برنامه قبلی انجام می‌شود. بی‌گمان نزد خداوند منزلت‌ها و جایگاه‌هایی است که جز با دعا و خواستن بدان دست نیابند.^۲ این انسان خاکی و اسیر در دست مادیات و دلبستگی‌ها با دعا می‌تواند به سوی خدا عروج کند و بالا رود، او انسان را طوری خلق کرده که نیاز دارد همواره به طریقی با او در ارتباط باشد و چه راهی بهتر از دعا کردن؟

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

کاترین پاندر در کتاب *قانون توانگری* درباره قدرت دعا چنین می‌گوید: «به راستی نمی‌توان قدرت دعا را در ایجاد توانگری مدام و رضایت‌بخش نادیده انگاشت. انسانی که هر روز و به‌طور منظم دعا می‌کند، می‌تواند یقین بدارد که کامیاب خواهد شد؛ زیرا خود را با غنی‌ترین و کامیاب‌ترین نیروی کائنات هم‌نوا کرده است. عیسی مسیح وعده داده است: «و هر آنچه با ایمان به دعا طلب کنید، خواهید یافت.»

۱. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿انه علمیم بذات الصدور﴾، آیه ۴۳ سوره مبارکه انفال.

۲. خدای عزوجل می‌فرماید: «آنان که از عبادت من تکبر ورزند زود است که سرفراکننده به دوزخ درآیند» (سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۰).

چاره ما ساز که بی یاوریم
پیش تو گر بی سر و پای آمدیم
یار شو ای مونس غمخوارگان
گر تو برانی به که روی آوریم
هم به امید تو خدای آمدیم
چاره کن ای چاره بیچاره گان

«مخزن الاسرار نظامی»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)



قرائت قرآن چه تأثیری در من دارد؟

چه کنم تا زندگی‌ام آسان شود و خیر و برکت آن افزایش یابد؟

﴿فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

آنچه را از قرآن برای شما میسر است، بخوانید.

«عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ اجْعَلُوا لِي بَيْتًا مِّنَ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ تيسَّرَ عَلَى أَهْلِهِ وَكَثُرَ خَيْرُهُ وَكَانَ سَكَّانَةً فِي زِيَادَةٍ وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ ضَيَّقَ عَلَى أَهْلِهِ وَوَقَلَ خَيْرُهُ وَكَانَ سَكَّانَةً فِي نَقْصَانٍ»^۲.

از امام رضا علیه روایت شده که حضرت رسول ﷺ فرمود: برای خانه‌های خود، سهمی از تلاوت قرآن قرار دهید؛ چون هر کس در خانه خود قرآن تلاوت کند، کارهای اهل آن

۱. سوره مزمل (۷۳)، آیه ۲۰.

۲. ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد؛ عده الداعی ونجاح الساعی، ص ۲۸۷.

خانه آسان گردد و خیر و برکت در آن خانه زیاد شود و هر خانه‌ای که در آن قرآن تلاوت نکنند، کارها بر اهل آن تنگ شود و خیر و برکت در آن خانه کم گردد و ساکنان آن، بی برکت و در نقصان باشند.

برای تومی نویسم

ممکن است در زندگی خانوادگی شرایط رفاهی خوب داشته باشیم، اما باز هم با مشکلات زیادی به خصوص روحی روانی دست و پنجه نرم کنیم و یا با اینکه امکانات و پول زیادی هم داشته باشیم، ولی برکتی برایمان نداشته باشد. یکی از راه‌های مهم حل این مشکل در خانواده، قرائت قرآن در خانه به جهت تأثیر معنوی اعضاء بر یکدیگر است. به گفته پیامبر ﷺ تلاوت قرآن در خانه باعث نورانی شدن آن و عدم تلاوت، خانه را به گورستانی تبدیل می‌کند.^۱ لذا امام خود بر تلاوت فراوان قرآن تأکید کرده و همگان را به خواندن قرآن ترغیب می‌کردند. توصیه به خواندن پنجاه آیه قرآن در روز^۲ و تأمل و درنگ در آیات قرآن از نکات مهمی است که می‌توان از سیره امام رضا علیه السلام آموخت.

پاسخ یک علامت سؤال

به‌راستی چه رابطه‌ای بین قرائت قرآن و رهایی از سختی‌ها و مشکلات زندگی و افزایش خیر و برکت در زندگی وجود دارد؟ به‌تازگی، میان روان‌شناسان گرایش‌هایی ایجاد شده

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن‌ها را همچون یهود و نصارا - که نماز و عبادت را در خانه‌ها تعطیل کرده، تنها در کنیسه و کلیسا انجام می‌دهند - به گورستان تبدیل نکنید؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۰.

۲. بعدالتعقیب خمسين آیه.





که طرفدار توجه بیشتر به دین، برای سلامت روان است. آن‌ها معتقدند در ایمان به خدا، نیروی خارق‌العاده‌ای وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان مؤمن می‌بخشد و در تحمل سختی‌های زندگی به او کمک می‌کند و نیز او را از نگرانی و اضطرابی که بسیاری از مردم در قرن ما در معرض ابتلای به آن هستند، دور می‌سازد. در این میان تلاوت قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به جهت کارکرد ویژه معنوی قرآن، در قرآن نیروی معنوی وجود دارد که در نفس انسان تأثیری شگرف برجای می‌گذارد؛ چرا که قرائت قرآن، ذکر خداوند است؛ ذکری که آرام‌بخش جان‌هاست و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و مایه هدایت و رحمت^۱ است.^۲

اما متأسفانه بعضی از ما، اصلاً قرآن را باز نمی‌کنیم که بخوانیم. خیلی قرآن را باور نداریم و آن را جدی نمی‌گیریم. فکر نمی‌کنیم که تأثیری در زندگی‌مان داشته باشد! و به عبارتی ساده‌تر ما قرآن نمی‌خوانیم.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

فضیل یکی از راهزنان و دزدان زبردستی بود. شبی از دیوار خانه کسی بالا می‌رفت تا دزدی کند. دید یک نفر در خانه نشسته و این آیه را می‌خواند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ» (حدید/۱۶) ناگاه به خود آمد و بی‌اختیار فریادش بلند شد و عرض کرد: ای پروردگار من! بلی، وقت آن رسیده، الان موقعی است که قلب‌ها خاشع و نرم شوند. فضیل بعد از توبه کردن و توجه به خدا و عبادت، به مقامات والایی رسید. او از جمله بزرگان

۱. سوره یونس (۱۰)؛ آیه ۵۷؛ «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».

۲. سوره رعد (۱۳)، آیه ۲۸؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

و عرفا محسوب گردید و از زاهدان عصر خود به حساب آمد و شاگردانی نیز تربیت کرد.^۱

نقش قرآن تا در این عالم نشست
نقش های کاهن و پاپا شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمراست
این کتابی نیست چیزی دیگر است
چون به جان در رفت جان دیگر شود
جان چو دیگر شد جهان دیگر شود

«جاویدنامه اقبال لاهوری»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا



آیا پاکی دل کافی نیست و حتماً باید نماز بخوانم؟

مگر خدا به نماز من نیاز دارد؟

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
لَذِكْرِي^۱

همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا بپرست و نماز را برای

یاد من برپا دار.

«في العلل التي ذكرها الفضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام قال فإن قال قائل فلم أمر بالصلاة قيل لأن في الصلاة الإقرار بالربوبية وهو صلاح عام لأن فيه خلع الأنداد والقيام بين يدي الجبار بالدل والاستكانة والخضوع والحشوع والاعتراف وطلب الإقالة من سالف الذنوب ووضع الجبهة على الأرض كل يوم ويلة ليكون العبد ذا كرام الله غير ناس له ويكون خاشعاً وجلاً متدلاً طالباً راعياً في الزيادة للدين والدنيا مع ما فيه من الإنزجار عن الفساد وصار ذلك

۱. سوره طه (۲۰)، آیه ۱۴.

عَلَيْهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ لِنَلَّا يَنْسَى الْعَبْدُ مَدْبِرَهُ وَ خَالِقَهُ فَيَبْطِرَ وَيَطْعَى وَ لِيَكُونَ فِي طَاعَةِ خَالِقِهِ وَ الْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ زَاجِرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ حَاجِزًا وَ مَانِعًا لَهُ عَنِ أَنْوَاعِ الْفُسَادِ»^۱

علت تشریح نماز این است که بنده به ربوبیت پروردگار توجه و اقرار کند و مبارزه با شرک و قیام در پیشگاه پروردگار، در نهایت فروتنی و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین، همه روزه انجام پذیرد. همچنین هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر شود، گرد و غبار فراموش کاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع باشد و نیز طالب و علاقه‌مند افزونی در مواهب دین و دنیا شود. همین توجه او به خداوند متعال و قیام در برابر او، انسان را از معاصی و انواع فساد باز می‌دارد.

برای تومی نویسم

از مهم‌ترین عباداتی که تمام پیروان ادیان توحیدی به آن مکلف شده‌اند، نماز است. نماز تا آنجا اهمیت دارد که در هیچ دین الهی از آن غفلت نشده است. اهمیت این نوع عبادت تاحدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الصلوة عمود الدین: نماز پایه اساسی خیمه دین است». در حدیث دیگر آمده است که: «الصلوة قربان کل تقی: نماز مایه تقرب هر انسان پرهیز کار است». نماز موجب تقرب به خداست و هیچ چیز دیگر جای نماز را نمی‌تواند بگیرد و بدیل آن شود. لذا در این حدیث امام عاشق به گوشه‌هایی از علت و جوب نماز اشاره کرده است که همه آنان در قرب انسان به خداوند نقش مهمی ایفا می‌کنند.



پاسخ یک علامت سؤال

خداوند به نماز انسان نیاز ندارد، اما هر انسانی در زندگی نیاز به تکیه‌گاه و جایی دارد که در سختی‌ها به او پناه ببرد. بهترین تکیه‌گاه برای بشر اعتقاد به خداوند و ایمان به اوست و مهم‌ترین وسیله ارتباط با خدا و عبادت خداوند نماز است؛ چراکه در نماز، انسان مستقیماً با خداوند صحبت می‌کند. او را ستایش می‌کند و از او می‌خواهد که به او کمک کند و به راه راست هدایت فرماید، اگر درک و معرفت به ارزش نماز برای کسی حاصل گردد، هرگز در آن کوتاهی نکرده و یا آن را ترک نخواهد کرد.

طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیر و مندترین عامل بازدارنده؛ یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. یکی از خصوصیات انسان این است که بسیار فراموش کار است و خیلی زود ولی نعمت، صاحب‌اختیار و کسی را که به او همه چیز داده، فراموش می‌کند و دچار غفلت می‌شود. اما خداوند برای اینکه انسان همواره او را به یاد داشته باشد و او را از غفلت و بی‌خبری برهاند، انسان را امر کرده است که هر شبانه‌روز پنج بار او را یاد کند و دقایقی را به ذکر او بگذراند تا دچار فراموشی نشود.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

جوانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی آمد و گفت، سه قفل در زندگی‌ام وجود دارد و سه کلید از شما می‌خواهم. قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم. قفل دوم اینکه دوست دارم کارم برکت داشته باشد. قفل سوم اینکه دوست دارم عاقبت به خیر شوم. شیخ نخودکی فرمود: برای قفل اول، نمازت را اول وقت بخوان. برای قفل دوم نمازت را اول وقت بخوان و برای قفل سوم نمازت را اول وقت بخوان. جوان



عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟! شیخ نخود کی فرمود: نماز اول وقت شاه کلید است^۱.

خوشا آنان که الله یارشان بی به حمد قل هو الله کارشان بی
خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

«دوبیتی های باباطاهر»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا



چرا باید روزه بگیرم؟

روزه چه تأثیری بر من دارد؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب شده؛ همان طور که بر اقوام
قبل از شما واجب شده بود و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید.

«وَعَلَى الصَّوْمِ لَعِرْفَانٌ مَسَّ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ لِيَكُونَ الْعَبْدُ ذَلِيلًا مَسْكِينًا مَا جُورًا مُحْتَسِبًا صَابِرًا
فِيَكُونَ ذَلِكَ دَلِيلًا لَهُ عَلَى شِدَائِدِ الْآخِرَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَأَعْظَاهُ فِي
الْعَاجِلِ دَلِيلًا عَلَى الْآجَلِ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكِينَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^۲

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۳.

۲. عمیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۹۱.

و علت روزه گرفتن فهمیدن ناراحتی گرسنگی و تشنگی است به آنکه بنده در سختی و ناملایم افتد و رنج و ناراحتی آن را تحمل کند تا نزد خداوند اجر داشته و صبر و پایداری اش را به حساب خداوند گزارد. و نیز این دلیلی باشد برای او از سختی های عالم آخرت. همچنین روزه باعث درهم کوبیدن شهوات است برای انسان و پنددهنده است او را در دنیا و دلیل و علامت است برای آخرت، و دانسته می شود بدان مقدار سختی و شدت آن نسبت به دنیا و نیز درک شدت رنج فقرا و تهیدستان در دنیا آخرت (بدین معنی که چون شخص روزه دار، سختی و شدت گرسنگی و فقر را در دنیا بچشد و حس کند، مشقت احوال آخرت را درک کرده و از روزه پند خواهد گرفت و خود را برای سختی آن روز مهیا خواهد ساخت).^۱



باسمِ حقِ امامِ رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

برای تومی نویسم

روزه افزون بر آثار معنوی و تربیتی و فوائد فردی و اجتماعی فراوانی که دارد، یک درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است که با انجام آن، افراد متمکن هم وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس درمی یابند و با صرفه جویی در غذای شبانه روزی خود می توانند به کمک آن ها بشتابند. یکی دیگر از آثار مهم روزه این است که باعث می شود تا روزه داران، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد بیاورند و برای آن روز بزرگ، تدارک ببینند و اعمال و کردار خود را خدایی کنند و جز رضای خدا قدمی برندارند و از اجر و ثواب بیشتری برخوردار خواهند شوند. علاوه بر اینکه به فرموده امام رضا علیه السلام در روزه، انکسار شهوات و موعظه برای امر آخرت وجود دارد. روزه گرفتن در منظر عبادی



امام رضا علیه السلام جلوه ویژه‌ای دارد و آن حضرت بر انجام روزه‌های مستحب تأکید خاصی دارد. ابراهیم بن عباس در حالات امام رضا علیه السلام می‌گوید: امام بسیار روزه می‌گرفت؛ روزه‌های اول و وسط و آخر هر ماه را هرگز از دست نمی‌داد و می‌فرمود: روزه گرفتن در این سه روز برابری می‌کند با روزه دهر.^۱

پاسخ یک علامت سؤال

چرا باید روزه بگیرم؟ روزه چه تأثیری بر من دارد؟ روزه گرفتن چه سودی دارد؟

روزه باعث می‌شود که راندمان کارم پایین بیاید! مثلاً باعث ضعیف شدن چشم، افت قند و یا پرخاشگری می‌شود. با وجود این مضرات چرا ما باید روزه بگیریم؟! و از این دست سؤالات که برای توجیه فرار از روزه گرفتن مطرح می‌شود. طبق آیه شریفه، تشریح حکم روزه برای این است که شما پرهیزگار شوید؛ نه اینکه پروردگار به روزه گرفتن شما نیازمند باشد. پس تشریح احکام توسط خدا هر چند در ظاهر سختی‌هایی را به دنبال دارد، اما در باطن آن فوایدی نهفته است که باعث تکامل انسان می‌شود؛ به خصوص که در نظر بگیریم رشد انسان در بستر سختی‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند و همچنین این فریضه، یکی از احکام انسان‌ساز اسلام است که آگاهی از همه فواید و پی بردن به فلسفه کامل آن همچون سایر احکام الهی برای انسان عادی ممکن نیست. دانش محدود بشر نمی‌تواند راه‌گشای همه اسرار نهفته باشد. بنابراین ندانستن فلسفه احکام الهی نباید ما را از انجام آن باز دارد

۱. همان، ص ۱۸۴، باب فی ذکر اخلاق الرضا علیه السلام؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۵۶.

و موجب نافرمانی و عصیان شود؛ چرا که همان اندازه که دستور اکید خالق جهان است، کافی است تا از این امر مطمئن باشد که خداوند بی‌نیاز هرگز گامی در جهت ضرر و زیان بنده‌اش یا به سمت بیهودگی و بی‌هدفی بر نمی‌دارد.

روزه ابعاد گوناگونی دارد که از همه مهم‌تر، بُعد معنوی و اخلاقی و تربیتی آن است. روزه روح و اراده انسان را قوی و غریز او را تعدیل می‌کند. روزه‌دار باید در حال روزه با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و همچنین لذت جنسی چشم‌پوشد و زمام نفس سرکش را به دست گیرد و بر هوس‌ها و شهوات خود مسلط گردد. در حقیقت بزرگ‌ترین فلسفه روزه همین اثر معنوی و روحانی آن است. روزه در مرحله تخلیه نفس از گناهان و اخلاق زشت و آماده ساختن آن برای تکامل و رشد معنوی و انسانی نقش اساسی دارد. ایام روزه‌داری یک دوران تمرین ترک گناه و ریاضت نفس است.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

شیلی گوید: در قافله‌ای به شام می‌رفتم. راهزنان آمدند، قافله را گرفتند و نزد سردسته که نشسته بود، بردند و اموال قافله را بر او عرضه کردند. ظرفی را بیرون آوردند که در آن بادام و شکر بود و شروع کردند به خوردن؛ جز امیر که هیچ نخورد. او را گفتم: چرا نمی‌خوری؟ گفت: من روزه دارم! گفتم: راهزنی می‌کنی و اموال مردم را می‌گیری و آن‌ها را می‌کشی و روزه می‌گیری؟ گفت: ای شیخ! برای صلح جایی باقی بگذار! پس از آن، روزی او را در طواف دیدم و او محرم بود و چون خیکی خشکیده و پوسیده، تکیده بود. او را گفتم: تو آن مردی؟



گفت: آن روزه مرا به اینجا رسانید.^۱

حکمت روزه داشتن بگذار
باز هم گفته و شنیده شود
صبرت آموزد و تسلط نفس
وز تو شیطان تو رمیده شود
هر که صبرش ستون ایمان بود
پشت شیطان از او خمیده شود

«دیوان شهریار»^۲



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)

۱. کشکول منتظری، ص ۹۳.

۲. ج ۲، ص ۱۰۱۴.



چرا باید به حج بروم؟ مگر خدا همه جا نیست؟

چرا هزینه حج را صرف رفع نیاز فقیران نکنم؟

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا
وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ^۱

و خدا را حقی ثابت و لازم برعهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر [بتوانند به سوی آن راه یابند و هر که ناسپاسی ورزد] آواز رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زبان زده؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است.

«عن الفضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام قال: فَإِنْ قَالَ فَلَمْ أَمْرٍ بِالْحَجِّ قِيلَ لَعَلَّ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ طَلَبَ الزِّيَادَةَ وَ الْخُرُوجَ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنَفًا لِمَا يَسْتَقْبَلُ



مَعَ مَا فِيهِ مِنْ إِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَتَعَبِ الْأَبْدَانِ وَالِاسْتِغَالِ عَنِ الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ وَحَظْرِ الْأَنْفُسِ عَنِ
اللَّدَاتِ شَاخِصًا [شَاخِصًا فِي الْحَرِّ وَالْبُرْدِ ثَابِتًا] ثَابِتًا [ثَابِتًا] ذَلِكَ عَلَيْهِ دَائِمٌ [دَائِمًا] مَعَ الْخُضُوعِ وَ
الِاسْتِغَانَةِ وَالتَّنَدُّلِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا.... وَقَضَاءِ
حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ فِي الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّقَفُّهِ وَنَقْلِ أَخْبَارِ
الْأَيْمَةِ إِلَى كُلِّ صُقْعٍ وَ...»^۱

امام رضا علیه السلام می فرمایند: و اگر بپرسد: چرا امر به حجّ خانه کعبه فرموده است؟ (الف)
علّت به جای آوردن حج، رفتن به سوی خدا و طلب کردن ثواب بسیار و پاک شدن از جمیع
گناهانی است که از انسان صادر شده است. (ب) حج برای این است که انسان از اشتباهات
گذشته توبه کند و پاک شده و اعمال آینده خود را از سر گیرد؛ چرا که حج موجب آموزش
و کفاره گناهان گذشته خواهد بود و انسانی که حج کند، مانند فردی است که تازه به حدّ
بلوغ رسیده و مکلف شده است. (ج) علّت حجّ لوازم آن است؛ مانند خرج کردن و به حساب
رسیدن اموال و به زحمت و مشقّت انداختن بدن و منع شدن از اعمالی شهوانی و بردن
لذّات. (د) تقربّ به پروردگار عزّوجلّ به سبب عبادات و خضوع و فروتنی و کشیدن سختی
سفر. (ه) رسیدن منافع به جمیع مردم و اهل بلاد مختلف؛ در اجتماعاتی که برایشان
پیش می آید حوائج یکدیگر را می فهمند و در رفع آن یکدیگر را یاری می کنند. (ی) در حج
آموزش احکام دین است و کسانی که حج می گزارند، اخبار پیشوایان دین را از ناحیه ای به
ناحیه دیگر انتقال می دهند و ترویج دین می کنند.^۲

۱. عمیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. عمیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه غفاری و مستفید، ج ۲، ص ۲۵۳.

برای تومی نویسم

در این حدیث امام علیه السلام به آثار و ارزش های متعدد و متنوعی که حج به دنبال دارد، اشاره می کند؛ از جمله ارزش های اخلاقی و تربیتی که حاجیان در حج به دست می آورند و اینکه این ارزش ها را به دست فراموشی نسپارند، بلکه آن ها را استمرار و تداوم بخشند و دیگری آثار اقتصادی؛ چراکه حج برای کل جهان اسلام برنامه ریزی اقتصادی می کند؛ چون جهان اسلام باید به واسطه خودش خودکفا شود و همچنین آثار فرهنگی حج؛ کسانی که به حج می روند، مسائل دینی و اوضاع جهان اسلام را دریافته و بررسی کرده و در بازگشت به شهر خود به دیگران منتقل می کنند. در حج اخبار و احادیث امامان معصوم علیهم السلام به هر منطقه و ناحیه ای می رسد و نیز از آثار اجتماعی حج، انسجام اسلامی است که باعث تجلی وحدت و همدلی مسلمانان بر محور قبله ای واحد می شود.



پاسخ یک علامت سؤال

چرا باید به حج بروم؟ مگر خدا همه جا نیست؟ آیا بهتر نیست که هزینه حج را برای رفع فقر در جامعه استفاده کنیم؟ و سؤالاتی از این دست باعث شده در مورد این فریضه شبههاتی مطرح شود.

در پاسخ به این سؤالات باید گفت که در منطق راستین اسلام، حج تمتع به عنوان یکی از واجبات الهی معرفی شده است^۱ و فریضه حج یکی از مهم ترین فرایض دینی هر مسلمانی است. حج علاوه بر اینکه باعث نهضت خودسازی می شود، ابعاد عبادی و سیاسی

۱. قرآن مجید حج تمتع را برای همه کسانی که استطاعت و توانایی انجام آن را داشته باشند، واجب شمرده شده است. (آل عمران،

آیه ۹۷)



و اخلاقی فراوانی را در پی دارد. به علاوه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که: «تا کعبه برپاست، دین نیز پایدار است» که به نقش مهم حج در حفظ دین اشاره می کند. همچنین باید دقت کرد که احکام دین هر کدام جایگاه و آثار خود را دارد و یک حکم نمی تواند جایگزین حکم دیگر گردد؛ به خصوص اینکه حکم مستحب، مانند انفاق کردن نمی تواند جای حکم واجب حج قرار بگیرد. در کنار اینکه فرد در صورت استطاعت باید به حج برود، باید به دیگران نیز کمک کند و این خود از آثار اخلاقی حج است.

گنجینه ای از یک گفتار، یک شعر

ابراهیم ادهم دست از پادشاهی بلخ بشست و به اورنگ (تخت) فقر نشست. او رهسپار مکه شد و در آنجا مقیم گردید. روزی پسرش که از جایگاه پدر باخبر شد، به دیدن وی عزم حج کرد. چون به موسم حج رسید، ابراهیم او را دید، از او برگشت و به گوشه ای باز شد و بسیار بگریست و گفت: خدایا همه خلق در هوای تو واگذاردم و از خان و مان و فرزند درگذشتم تا به دیدار تو رسم، دیگر مرا به دیدار فرزند علاقه نباشد.^۱

هوس کعبه و آن منزل و آنجاست مرا	آرزوی حرم و مگه و بطحاست مرا
در دل آهنگ حجاز است و زهی یاری بخت	گر یک آهنگ در این پرده شود راست مرا...
از خیال حجرالاسود و بوسیدن او	آب زمزم همه در عین سویداست مرا...
دلیم از حلقه آن خانه مبادا محروم	کز جهان نیست جز این مرتبه درخواست مرا

«دیوان اوحدی»

۱. تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۹۴.



چرا به جای درخواست مستقیم از خدا، حوائج ما را از ائمه علیهم‌السلام بخواهم؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ
وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دستاویز و وسیله‌ای از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش [برای تقرب به سوی او بجویید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید.

«وَقَالَ الرَّضَاءُ عليه السلام إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدِيدَةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲.

امام رضا عليه السلام می‌فرماید: هر گاه برای شما پیشامد سختی روی دهد، به وسیله ما از خدای عزوجل کمک و یاری بخواهید.

۱. سوره مائده (۵)، آیه ۳۵.

۲. شیخ مفید، محمد بن محمد؛ الاختصاص، المؤتمر العالمي لآل فیه الشیخ المفید، ص ۲۵۲.



🌟 برای تومی نویسم

«توسّل» در لغت، به معنای مدد جستن از «وسیله‌ای» برای نیل به مقصود است. انسان برای رسیدن به مراد خویش، باید به اسباب و واسطه‌های فیض، متوسل شود. خداوند در آیه فوق اموری را به عنوان اسباب و وسایل در جهت تقرب و نزدیکی به درگاه خویش قرار داده و ما را به توسّل به آن امور، فرمان داده است. با توجه به عدم تقييد کلمه «وسیله»، در آیه، اطلاق آن، شامل هر چیزی می‌شود که صلاحیت نزدیک کردن انسان به پیشگاه خدا را دارد. همان‌طور که نماز، روزه، احسان به یتیم، دستگیری از مستمندان، خدمت به خلق خدا و... اسباب تقرب به خداوند هستند، استمداد از پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام نیز وسیله تقرب به خداوند است؛ از این رو هنگام دعا، خداوند را به حق بندگان صالح و آبرومند درگاه او، قسم می‌دهیم و یا از اولیای الهی می‌خواهیم که برای مادر درگاه الهی دعا کنند.^۱

🌟 پاسخ یک علامت سؤال

چرا به جای درخواست مستقیم از خدا، حوائج را از ائمه علیهم‌السلام بخواهیم؟

بدون شک آدمی برای تحصیل کمالات مادی و معنوی، به غیر خود؛ یعنی، خارج از محدوده وجودی خویش، نیازمند است. بلی تمام امور فقط و فقط به دست خداست و در مقام اعتقاد جز این نباید اعتقاد داشت. اما این راهم باید دانست که خدا عالم را بر اساس سیستم علت و معلولی آفریده و حصول برخی امور را در گرو برخی امور دیگر قرار داده است. بنابراین تمسک به سببها و وسایل برای رسیدن به کمالات مادی و معنوی، لازم



این نظام است. آنچه را در توسل به اولیای خدا باید در نظر داشت، این است که توسل برای تقرب به خداوند است و توسل به اولیای الهی هیچ منافاتی با صحبت کردن با خدا بدون واسطه ندارد؛ یعنی انسان از دوراه می‌تواند با پروردگار و خالق خود ارتباط برقرار کند: ۱. با واسطه قرار دادن اولیای خداوند؛ ۲. بدون واسطه. بدون شک، تقرب به خداوند به وسیله اولیایش که مورد محبت اویند، چه بسا آسان‌تر باشد و باعث شود انسان راحت‌تر به بارگاه قرب الهی برسد. در حقیقت آنان به وسیله اولیا، به خود خداوند متوسل می‌شوند و خدا را می‌خوانند تا خواسته‌های آنان را برآورده سازد و اولیای خدا را می‌خوانند تا اجابت خواسته‌های آنان را از خدا بخواهند.^۱

با نگاه به زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام این نکته دریافت می‌شود که آن‌ها در طول زندگی بسیار به درگاه خدا متوسل شده و دعا کرده و در دعای خود اولیای الهی را واسطه قرار می‌داده‌اند و سپس از آن‌ها کمک می‌خواستند. یادآوری این نکته ضروری است که توسل به بزرگان در اصل، توسل به اعمال صالح و فضایی است که از راه اطاعت و بندگی انجام داده‌اند و برتری ایشان بر دیگران، از راه اعمالشان حاصل شده است.^۲ امام رضا علیه‌السلام در دعای نماز استسقاء، به صراحت اشاره می‌فرماید به اینکه این دستور الهی است که مردم به اهل بیت علیهم‌السلام متوسل شوند. پروردگارا! تو حق ما اهل بیت را بزرگ داشتی و همچنان که دستور دادی، به ما متوسل شدند و خواستار فضل و رحمت گردیدند و امید احسان و نعمت را دارند. پس بارانی نافع و شامل که گند نبوده و ضرری به دنبال آن نباشد، نازل

۱. <http://www.porseman.org>

۲. مبارک‌گفوری، محمد عبدالرحمن؛ تحفه الاحوذی بشرح جامع الاحوذی، ج ۱، ص ۲۶.

فرما و ابتدای باران را پس از آنکه ایشان به منازل و مکان‌های خود رسیدند، قرار ده.^۱

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

ابن حبان بستی شافعی از علمای اهل سنت درباره امام رضا علیه السلام و توسل به او می‌گوید:
من بارها قبر امام رضا علیه السلام را زیارت کرده‌ام. زمانی که در طوس بودم، هر گاه مشکلی برایم
پیش می‌آمد، قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام - که صلوات خدا بر جدش و بر او باد - را زیارت
می‌کردم و از خداوند رفع آن مشکل را می‌خواستم. خداوند دعایم را اجابت می‌کرد و آن
مشکل رفع می‌شد. این مسئله‌ای است که بارها آن را تجربه کرده‌اند و همین اتفاق افتاده
است. خداوند ما را بر محبت مصطفی و خاندانش بمیراند.^۲



بسم الله الرحمن الرحيم
باسم حق امام رضا علیه السلام
به ۴۰ پرسش قرآنی

دین را حرمی است در خراسان دشوار تو را به محشر آسان
همواره رهش مسیر حاجت پیوسته درش مشیر غفران

«دیوان سنایی»

۱. موحد ابطحی، محمدباقر؛ الصحیفة الرضویة الجامعة، ص ۲۵ و ۲۶.

۲. التمیمی البستی، ابوحاتم محمد بن حبان بن أحمد؛ الثقات، تحقیق السید شرف‌الدین أحمد، ج ۸، ص ۴۵۶ - ۴۵۷.



چرا بر پیامبر پاکی ها و اهل بیت ایشان صلوات بفرستم؟

صلوات به چه معناست؟

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

«همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می فرستند. ای اهل ایمان!

بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید».

«عَبِيدُ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي مَا مَعْنَى قَوْلِهِ
وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى^۱ قُلْتُ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّى فَقَالَ لِي لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
هَذَا شَطَطًا فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ هُوَ فَقَالَ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»^۲.

۱. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۵۶.

۲. سوره اعلی (۸۷)، آیه ۱۵.

۳. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۳۵۶.



عبداللہ بن عبداللہ دھقان گوید: نزد امام رضا علیہ السلام رفتیم و بہ من فرمود: «معنی قول خدا (آیہ ۱۵ سورہ اعلیٰ): «و یاد کرد نام پروردگار خود را و صلاۃ بہ جا آورد» چیست؟ گفتیم: یعنی ہر وقت بہ یاد خدا آمد بر خاست و نماز خواند. در پاسخ فرمود: در این صورت خدا تکلیف نابجا و زوری (فوق طاقت) کردہ است. پس من گفتیم: پس چگونہ است معنی آن؟ فرمود: ہر وقتی بہ یاد پروردگارش آید، صلوات بر محمد و آلش فرستد.»

برای تومی نویسم

خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را برای صلوات و درود خویش لایق دانستہ و بہ ملائکہ و مؤمنین نیز امر فرمودہ است تا بر آن حضرت درود و صلوات بفرستند. صلوات بہ عنوان دعا، نوعی عرض ارادت و اظہار محبت بہ پیامبر عظیم الشان اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و اہل بیت مکرم ایشان است کہ رفتہ رفتہ بہ شعار مسلمانان تبدیل شدہ است. امام رضا علیہ السلام نیز در روایت فوق، یاد و ذکر خداوند را ہمنشین صلوات بر پیامبر و آل ایشان دانستہ اند؛ امری کہ مطابق با آیہ پانزدہم سورہ اعلیٰ موجب فلاح و رستگاری است.

پاسخ یک علامت سؤال

راز و علت صلوات بر پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم چیست؟

صلوات مسلمانان بر پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بہ گونه ای تشکر از زحمات طاقت فرسای ایشان و اہل بیت علیہم السلام و نیز قدردانی آن ہا از نعمت ہدایت - کہ از بزرگ ترین نعمت های خداوند است - بہ شمار می رود.

از نظر روان شناسی، صلوات فرستادن برای پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم موجب ریشہ دار شدن



محبت به آن حضرت و اهل بیتش می‌شود و این زمینه‌سازی روحی، سبب می‌شود که شخص بیشتر از رهنمودهای آن بزرگواران تبعیت کند. همچنین صلوات موجب شناخت ائمه علیهم‌السلام و مأنوس شدن با آنها و در پی آن، درس گرفتن از مکتب آن بزرگواران می‌شود. در روایتی، امام صادق علیه‌السلام، معنی تسلیم در آیه صلوات را «تسلیم بودن در برابر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» در هر کار «دانسته‌اند. ۱ علاوه بر این، صلوات، یک دعاست و موجب نزول رحمت الهی می‌شود؛ چون مسلمانان هنگام صلوات دعا می‌کنند و از خداوند متعال می‌خواهند که رحمت بیشتری بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام نازل کند و آنان را به درجات بالاتر قرب الهی برساند. ۲ ائمه علیهم‌السلام به عنوان الگوهای عملی ما، همواره بعد از ذکر نام شریف پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صلوات را ذکر فرموده‌اند که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و سایر ادعیه مشاهده کرد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

آیت‌الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله‌علیه می‌فرمود: سه چیز برای حل مشکلات و گرفتاری خیلی مؤثر است:

اولی، کشتن گوسفند؛ کسانی که تمکن مالی دارند، گوسفند ذبح کنند و به فقرا بدهند. کشتن گوسفند و خون ریختن خیلی از بلاها را رفع می‌کند. دومی، حدیث کساء است. «و ادفعوا أمواج البلاء بالدعاء»، ۳ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چندبار قسم خوردند که اگر کسی این

۱. طبرسی، محمدحسن؛ تفسیر مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۵۷۹.

۲. زمانی، محمدحسن؛ کیفیت صلوات از نگاه فریقین، فصلنامه طلوع، شماره ۶.

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۳، ص: ۲۲.

حدیث را بخواند، اگر غمگین باشد، غمش برداشته می‌شود. سومی؛ چهارده هزار مرتبه صلوات فرستادن است. حالا چهارده هزار مرتبه را چند نفر یا در چند جلسه بفرستند، فرقی نمی‌کند. ذکر صلوات برای اموات خیلی خاصیت دارد. گاهی من برای اموات صلوات را هدیه می‌کنم و اثرات عجیبی هم دیدم. خواب دیدم فردی به چند نوع عذاب گرفتار است، مقداری صلوات برایش هدیه کردم دوباره در خواب دیدم، الحمدلله صلوات‌ها او را نجات داده‌اند.^۱



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا (ع)

چه نعت پسندیده گویم تو را؟ علیک السلام ای نبی‌الوری
درود ملک بر روان تو باد بر اصحاب و بر پیروان تو باد

«بوستان سعدی»

۱. اسدی، اکبر؛ نردبان آسمان، ص ۳۰.



چرا باید در مسائل خود با دیگران مشورت کنم؟

آیا پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان نیز با دیگران مشورت می کردند؟

﴿ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴾^۱

آی پیامبر! پس ... در کارها با آنان (مومنان) مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

«حَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرْنَا أَبَاهُ قَالَ كَانَ عَقْلُهُ لَا يُوَازِنُ بِهِ الْعُقُولَ وَرُبَّمَا شَاوَرَ الْأَسْوَدَ مِنْ سُودَانِهِ فَيَقِيلُ لَهُ تَشَاوُرْ مِثْلَ هَذَا فَقَالَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَبُّمَا فَتَحَّ عَلَيَّ لِسَانُهُ قَالَ فَكَانُوا رُبَّمَا أَشَارُوا عَلَيْهِ بِالشَّيْءِ فَيَعْمَلُ بِهِ مِنَ الضَّيْعَةِ وَالْبَسْتَانِ»^۲

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

۲. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۲، ص ۱۰۱.



راوی می‌گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودیم که از پدر خویش یاد کرده و فرمودند: «عقل پدرم با عقول همه مردم سنجیدنی نبود. با این حال گاهی با غلامان خود مشورت می‌کرد. به وی می‌گفتند که آیا با چنین فردی مشورت می‌کنی؟ می‌فرمود: چه بسا خداوند تبارک و تعالی زبان او را به مصلحت باز کند». چه بسیار که آنان چیزهایی به حضرت تذکر می‌دادند و حضرت آن‌ها را در کشت و زرع خود به کار می‌بست.

برای تو می‌نویسم

آدمی از عقل کامل بی‌بهره است و بنا بر حکمت، کاستی‌هایی در وجود او گذارده شده است. بنابراین خود به تنهایی قادر به تصمیم‌گیری نیست و باید خرد دیگران را در عقل خویش سهیم سازد. در دین مبین اسلام، مشورت و استفاده از آراء اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و استعداد‌های مختلف برای یافتن راه حل مناسب در تصمیم‌گیری‌ها، کاری ارزشمند تلقی می‌شود و غفلت از آن، مانعی جدی در راه پیشرفت به‌شمار می‌رود. آیات متعددی در سفارش به مشورت وجود دارد.^۱ همچنین روایات و حکایت‌های فراوانی درباره مشورت معصومین علیهم السلام با یاران‌شان دیده می‌شود. اهمیت مشورت در اسلام تا اندازه‌ای است که امام سجاد علیه السلام، در رساله حقوق خویش، برای طالب مشاوره، حقوقی را در نظر گرفته‌اند و در اسلام حتی به مشورت با دشمنان نیز سفارش شده است.^۲ حضرت امام رضا علیه السلام نیز با اشاره به برتری امام از لحاظ عقلی بر دیگران، بیان می‌کنند که پدر بزرگوارشان خویش

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹؛ سوره شوری (۴۲)، آیه ۳۸.

۲. حیدری نراقی، علی محمد؛ رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ص ۴۷۲.

۳. غررالحکم و دررالکلم، ح ۲۴۶۲.

را از مشورت با حتی به ظاهر پایین ترین افراد از لحاظ سطح اجتماعی، یعنی غلامان خویش بی نیاز نمی دیده است که به روشنی به لزوم الگوگیری از این بزرگواران اشاره دارد.

پاسخ یک علامت سؤال

به چه دلیل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، با وجود عصمت و برتری عقلی و نیز ارتباط با وحی الهی، خود را بی نیاز از مشاوره ندانسته اند؟

در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می خوانیم که با اصحاب خود بسیار مشورت می کردند؛ به طوری که از برخی اصحاب رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل شده است که هیچ کس را ندیدیم با اصحاب خود بیشتر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اصحابش مشورت کند. تاریخ نمونه‌هایی را از مشورت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در موارد سرنوشت‌سازی همچون جنگ بدر،^۱ جنگ احد^۲ و غزوه خندق^۳ نقل کرده است.

معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام از مشورت دو نکته را دنبال می کردند: اولاً، اهمیت مشورت و شورا را به مسلمانان یادآوری کنند و این روحیه را در عرصه‌های مختلف جامعه اسلامی، ایجاد و تقوات نمایند. ثانیاً، ضمن آموزش عملی، به مسلمانان بیاموزند که چگونه به این سیره عمل کنند و از ثمرات درخشان آن برخوردار شوند؛ این سنت الهی را به نیکی استمرار بخشند و زندگی را بر اساس مشورت بنیاد نهند. بنابراین مشورت آن‌ها با دیگران به‌منظور

۱. ابن‌هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی السقا؛ ابراهیم الأبیاری؛ عبدالخفیظ شلبی، ج ۱، ص ۶۲۰.

۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ اعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ج ۱، ص ۱۷۶، مؤسسه آل‌البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ سبحانی، جعفر؛ فروغ‌البدیت (تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، ص ۵۳۱.

۳. ابن‌سعد هاشمی بصری، محمد؛ الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، ج ۲، ص ۵۱؛ شیخ مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی‌العباد، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶.





احترام و شخصیت دادن به مردم و رشد فکری آنان بوده است تا به مشورت، عادت کنند و بدانند که مشورت با دیگران، عیب نیست و به شخصیت کسی لطمه وارد نمی‌آورد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

در روایات آمده که وقتی شریک اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام سر او کلاه گذاشت و او برای حل مشکل و بازگشت پولش، کنار خانه خدا دعا می‌کرد. حضرت فرمودند: دعایت مستجاب نمی‌شود و خدا هم هیچ عوضی در برابر پولت به تو نمی‌دهد. گفت چرا؟ حضرت فرمود: برای اینکه در انتخاب شریک دقت نکردی و با فردی شریک شدی که شارب‌الخمیر بود. گفت نمی‌دانستم. فرمود: تو نمی‌دانستی، به مؤمنین اطمینان می‌کردی و از آن‌ها می‌پرسیدی. این روایات بدین معناست که انسان باید در کار تجارت و کسب، انتخاب شریک و امور دیگر آینده‌نگر و اهل مشورت باشد و در غیر این صورت خداوند به او کمکی نخواهد کرد؛ زیرا مسبب مشکلات، مطابق آیه فوق خود اوست.

بی مشورت مباش که سرکردگان راه
یک گام بی صلاح تو کل نمی‌زنند
صائب غنیمت است که این طفل مشربان
آتش به آشیانه بلبل نمی‌زنند

«دیوان صائب»



بهترین زمان برای آغاز فعالیت روزانه ام چیست؟

﴿ أَنْ اَعْدُوا عَلٰى حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ ﴾^۱

که اگر قصد چیدن میوه دارید، بامدادان به سوی کشتزار و باغتان حرکت کنید.

«عَنِ الرَّضَاءِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَعَلَّمُوا مِنَ الْعُرَابِ خِصَالًا ثَلَاثًا اسْتَتَارَهُ بِالسَّفَادِ وَبُكُورَهُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ وَحَدْرَهُ»^۲

امام رضا علیه السلام از پسران بزرگوار خود، از امام علی علیه السلام نقل می‌فرمایند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: آمیزش در نهان، صبح زود به طلب رزق رفتن و احتیاط.^۳

۱. سوره قلم (۶۸)، آیه ۲۲.

۲. عبون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۷؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۰، ص ۱۳۴.

۳. عبون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه غفاری و مستفید، ج ۱، ص ۵۳۰.

برای تومی نویسم

در آیاتی از سوره قلم، از باغدارانی سخن گفته می‌شود که مستمندان را از میوه‌های باغ محروم ساخته‌اند و خداوند باغ‌شان را تبدیل به خاکستر می‌کند تا بدین سبب به صاحبان باغ تلنگری زده باشد. در بیست و دومین آیه از این سوره، ضمن گفتگوهایی که میان صاحبان باغ واقع شده است، به توصیه آنان به یکدیگر برای حرکت صبحگاهی به سوی باغ اشاره شده است. خواندنی است که قرآن در به تصویر کشیدن صحنه این ماجرا از ذکر خصوصیت مثبت این گروه - سحر خیزی - غافل نبوده است تا ضمن عبرت گرفتن از ماجرای آنان، این ویژگی مثبت نیز برای مادرش آموز بوده باشد.

در همین راستا امام رضا علیه السلام نیز در این روایت به یاد گرفتن سه خصلت از کلاغ، تشویق می‌کنند. یکی از این ویژگی‌ها، سحر خیزی و تلاش صبحگاهی این پرنده برای تأمین معیشت است.

بدون تردید کلاغ‌ها یکی از باهوش‌ترین موجودات روی زمین هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که آن‌ها حتی از طوطی‌ها، جغدها و دیگر پرندگان شکاری هم باهوش‌تر هستند و نسبت به حیوانات دیگر موفق‌تر عمل می‌کنند. جالب آنکه آناتومی مغز کلاغ تاحدودی شبیه مغز انسان هاست. پس توصیه امام معصوم علیه السلام برای الگو قرار دادن این پرنده در طلب رزق و روزی چندان هم عجیب نیست.

پاسخ یک علامت سؤال

بهترین زمان برای آغاز فعالیت روزانه چیست؟

در پاسخ به این سؤال با مراجعه به آیات قرآنی و روایات فراوانی که از



ائمه معصوم علیهم السلام رسیده است، درمی یابیم که بهترین زمان برای جستجوی رزق و روزی ابتدای روز است؛ همان زمانی که خداوند در قرآن کریم با عناوین مختلف «فجر»، «بُکرة»، «غُدُو» و ... از آن یاد فرموده است و در روایت امام رضا علیه السلام نیز با مثال زدن کلاغ، برای توجه به این زمان تشویق شده ایم. در روایت دیگری از این امام همام نقل شده است که: «مابین طلوع سپیده صبح تا طلوع خورشید، ملائکه الهی ارزاق انسان ها را سهمیه بندی می نمایند، هر کس در این زمان بخوابد، از رزقش محروم خواهد شد»^۱.



گنجینه ای از یک گفتار، یک شعر

حکایت کرده اند، بزرگمهر هر روز صبح زود نزد انوشیروان می رفت و پس از ادای احترام رودرروی انوشیروان می گفت: «سحرخیز باش تا کامروا گردی». شبی انوشیروان به سرداران نظامی اش دستور داد تا نیمه شب بیدار شوند و سر راه بزرگمهر منتظر بمانند. چون پیش از صبح خواست به درگاه پادشاه بیاید، لباس هایش را از تنش در بیاورند و از هر طرف به او حمله کنند تا راه فراری برای او باقی نماند. بزرگمهر راه فراری پیدا نکرد. برهنه به درگاه انوشیروان آمد. پادشاه خندید و گفت: مگر هر روز نمی گفתי سحرخیز باش تا کامروا باشی؟ بزرگمهر گفت: دزدان امشب کامروا شدند؛ زیرا آن ها زودتر از من بیدار شده بودند. اگر من زودتر از آن ها بیدار می شدم و به درگاه پادشاه می آمدم، من کامروا تر بودم.

سحر خیزی بسی کردم چو خورشید
که زر گردید خاک راه امید

چو بوته پر فرو رفتم به آتش
که آخر این طلا گردید بی غش

«دیوان وحشی بافقی»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)



از خداوند بخواهم که چه نوع رزقی را روزی ام کند؟

غذای من چه چیزی باشد تا به مرتبه بندگان برگزیده خداوند

نزدیک شوم؟

﴿ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا ﴾^۱

واز نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خدا روزی شما فرموده، بخورید.

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي الْحَلَالَ فَقَالَ أَتَدْرِي مَا الْحَلَالُ قُلْتُ الَّذِي عِنْدَنَا الْكَسْبُ الطَّيِّبُ فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقُولُ الْحَلَالُ هُوَ قُوَّةُ الْمُصْطَفَيْنِ ثُمَّ قَالَ قُلْ أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ»^۲.

شخصی به امام رضا عليه السلام عرضه داشت: قربانت شوم، من دعا می‌کنم که خداوند از روزی

۱. سوره المائده (۵)، آیه ۸۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۵۲-۵۵۳.



حلال خود به من عطا فرماید. امام فرمود: می دانی روزی حلال چیست؟ من گفتم: روزی حلال نزد ما، همان کسب طیب است. امام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام می فرمود: روزی حلال، قوت برگزیدگان الهی است. سپس فرمود: در دعای خود بگو: بار خدایا! از روزی واسعیت به من عطا کن.

برای تو می نویسم

بر مبنای آیه ۸۸ سوره مبارکه مائده، انسان جواز استفاده از رزق و روزی طیب و حلالی که خداوند متعالی برایش در نظر گرفته است را پیدا می کند. اصل طیب چیزی است که حواس انسان و نفس او از آن لذت ببرد، طعام طیب نیز در شرع چیزی است که تهیه آن در شرایط مجاز، به اندازه مجاز و از جای مجاز، ممکن باشد.^۱

در این روایت، امام رضا علیه السلام به ما می آموزند که از خدا بخواهیم تا به ما روزی واسع عنایت فرماید. گفته شده منظور از رزق واسع، روزی فراوانی است که شامل نیکوکار و گنهکار (بر و فاجر) می شود^۲ و اگر انسان از خدا بخواهد که روزی واسع عطایش کند، بدان معناست که از خدا می خواهد تا بدون در نظر گرفتن وضعیت و اعمال او روزی اش دهد، هر چند ممکن است او در حقیقت لیاقت و شایستگی بر خورداری از چنین رزقی را نداشته باشد.

در روایت دیگری از آن امام همام علیه السلام آمده است که: در طلب روزی، تقوا را رعایت کن و حد اعتدال در پیش گیر و کسب خود را از آلوده شدن به حرام حفظ کن و بدان که روزی

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۲، ص ۳۸۱.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۳۸۲.

دو گونه است: روزی ای که تو در طلب آنی و روزی ای که آن طالب توست. پس آن رزقی را که تو می‌طلبی، از طریق حلال دنبال کن؛ زیرا از خوردن آن گریزی نداری، او اگر حرامش کرده‌ای، خود کرده‌ای^۱.

پاسخ یک علامت سؤال

غذای بندگان برگزیده خداوند چیست؟

نکته‌ای از روایت فوق به دست می‌آید و آن اینکه امام علیه السلام در جواب شخصی که روزی حلال را کسب طیب تعریف کرده است؛ یعنی آنچه از راه درست، طیب و پاکیزه به دست آید، سکوت فرموده و این مطلب را به پاسخ وی افزوده‌اند که روزی حلال قوت برگزیدگان الهی است؛ یعنی برگزیدگان الهی صاحب این ویژگی ممتاز هستند که از روزی حلال بهره‌مند باشند. و اگر کسی کسب و کار خود را پاکیزه کرد و خود را مهیای به دست آوردن روزی حلال کرد، می‌تواند از خصوصیت برگزیدگان الهی برخوردار شود و در ردیف آنان قرار بگیرد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

امام علی علیه السلام در رهگذر به مسجدی رسید. از قاطر پیاده شد که به داخل مسجد برود، مردی در آنجا بود، قاطر را به او سپرد و وارد مسجد گردید. آن مرد لجام قاطر را در آورد و با خود برد. حضرت علیه السلام در مسجد نماز گذارد، دو درهم در دست گرفته بود تا اجرت آن مرد را بدهد. موقعی که آمد، دید که قاطر بدون نگیهان و بی لجام است. دو درهم را به یک





شخصی داد که برود و یک افسار بخرد. او در بازار آمد، لجام قاطر را در دکانی دید که مرد سارق آن را به دو درهم فروخته بود. فرستاده امام علیه السلام آن را به دو درهم خرید و نزد مولای خود برگشت و جریان را به عرض حضرت رساند. امام علیه السلام فرمود: آدمی بای صبری، خود را از رزق حلال محروم می نماید و چیزی بیشتر از آنچه مقرر است، به وی نمی رسد.^۱

بخورید آنچه داده است خدا رزق پاک و حلال بهر شما
اهل تقوا شوید با یزدان که شمارا به او بود ایمان

«ترجمه منظوم قرآن مجید»

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۶۰.



چه کنم تا قناعت پیشه باشم؟

قناعت پیشگان چه خصوصیتی دارند؟

﴿ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۱﴾

دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره‌مند کردیم مدوز، آنچه
به آنان داده‌ایم [شکوفه ابی میوه و زیور و زینت] دنیاست تا آنان را در آن
بیازماییم و رزق پروردگارت بهتر و پایدار تر است.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَلَا يَسْلُكُ طَرِيقَ الْقَنَاعَةِ إِلَّا رَجُلَانِ: إِمَّا مُتَعَبِدٌ يَرِيدُ أَجْرَ الْآخِرَةِ، أَوْ كَرِيمٌ يَتَنَزَّهُ
عَنْ لُثَامِ النَّاسِ»^۲.

۱. سوره طه (۲۰)، آیه ۱۳۱.

۲. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۲۸.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: راه قناعت را دو نفر می‌پیمایند: یکی دین‌داری که پاداش آخرت را خواهان است، دیگری بزرگواری که از انسان‌های پست دوری می‌کند.^۱

برای تو می‌نویسم

بر اساس آیه بالا اگر انسان به جای آنکه به روزی دیگران چشم بدوزد، به آنچه که خداوند روزی‌اش کرده قناعت کند، رزق پروردگارش را بهتر و پایدارتر خواهد یافت.

تفاوت مردم در رزق، یکی از حکمت‌های الهی است تا مردم به یکدیگر نیازمند بوده و زندگی اجتماعی تشکیل دهند و صفات سخاوت و ایثار و صبر و قناعت در آنان شکوفا شود؛ زیرا در صورت یکسان بودن، این صفات شکوفانمی‌شود. اما اگر کسی نعمتی داشت و دیگری کمتر یا نعمتی دیگر داشت، مردم برای جبران کمبودها دور هم جمع می‌شوند و صفات تعاون و سخاوت از طرف دارنده نعمت و قناعت و عفت و صبر از سوی نادار شکوفامی‌شود.^۲

اما قناعت فقط مخصوص کسانی نیست که از مال دنیا بی‌بهره‌اند، بلکه گاه انسان در عین توانایی مالی باید در مقابل خواهش‌های نفس بایستد و به حدی معقول از خواسته‌هایش قناعت و بسنده کند و به تعبیر امام رضا علیه السلام برای قانع بودن با باید دین‌دار باشد و یا بزرگواری.

پاسخ یک علامت سؤال

قناعت، پیشه چه کسانی است؟

۱. مروجی طبسی، محمدجواد، پورجوادی، عباس؛ حکمت‌های رضوی: فرهنگ موضوعی سخنان امام رضا علیه السلام، ص ۱۲۷.

۲. قرآنی، محسن؛ تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۹۳.



بنا به فرموده امام هشتم علیه السلام فرد قناعت پیشه، یا انسانی دین دار است و به شوق رسیدن به پاداش الهی، راه قناعت را در پیش می گیرد و با از نظر اخلاقی و شخصیتی دارای کرامت نفس است و از اینکه برای رسیدن به خواسته هایش دست نیاز به سوی انسان های پست و بی لیاقت دراز کند یا نیاز غیر ضروری اش را به درگاه غیر خداوند ببرد، خودداری می کند. در این موضوع، روایت دیگری نیز از امام رضا علیه السلام وارد شده است که: آنکه تنها به روزی زیاد قانع می شود، بداند که برای دست یابی به آن کار بیشتری باید بکند، اما آنکه به روزی کم نیز قانع می شود، کار کمتر نیز برای او کافی است^۱ و چه بسا انسان در این چند روز زندگی کوتاهش، فرصتی برای رسیدن به تمامی خواسته ها و آرزوهارا نداشته باشد و روزی زنگ پایان زندگی به صدا درآید و چشم باز کرده و ببیند که تمام عمر را در پی آرزوهای دنیایش دویده و اکنون با کوله بار تهی باید از این دنیا رخت ببرند.

گنجینه ای از یک گفتار، یک شعر

سعدی چنین حکایت می کند که:

بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده و خدمتکار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش برد و همه شب نیار امید، از سخن های پریشان گفتن که فلان انبارم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان و این کاغذ، قباله فلان زمین و فلان چیز را فلان ضمین، گاه گفتمی که خاطر اسکندر^۲ به دارم که هوایی خوش است و گاه گفتمی که دریای مغرب مشوش است و باز گفتمی: سعدیا! سفری دیگر در پیش است، اگر



آن کرده شود، بقیّت عمر خویش به گوشه‌ای بنشینم و ترک تجارت کنم. گفتم: آن سفر کدام است؟ گفت: گوگرد پارسی به چین خواهیم برد، شنیدم که آنجا قیمت عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و پولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی به یمن و بُرد یمانی به پارس و از آن پس ترک تجارت کرده به دگانی بنشینم. چندان از این مالخولیا فروخواند که بیش از آن طاقت گفتنش نماند! پس گفت: ای سعدی! تو نیز سخنی بگوی از آنچه دیده و شنیده‌ای. گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور بار سالاری بیفتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور

«گلستان سعدی»





انواع صبر چیست و چه جایگاهی در ساختار ایمان من دارد؟

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا
وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾^۱

ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید و دیگران را هم به شکیبایی وادارید. و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نماید تا رستگار شوید.

«حسین بن خالد عن الرضا عليه السلام في قوله تعالى: «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» قال: إذا كان يوم القيامة ينادي مناد: أين الصابرون، فيقوم فنام من الناس، ثم ينادي وأين المتصبرون فيقوم فنام من الناس قلت: جعلت فداك وما الصابرون قال: الصابرون على أداء الفرائض والمتصبرون على اجتناب المحارم»^۲.

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، ص ۱۱۸.



حسین بن خالد روایت می‌کند حضرت رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «أَصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِعُوا» فرمودند: «هر گاه روز قیامت برپا شود، منادی فریاد می‌زند صابران کجا هستند، در این هنگام گروهی از مردم قیام می‌کنند. بار دیگر فریاد می‌زند متصبران کجا هستند، باز گروهی از جای خود برمی‌خیزند. راوی گوید عرض کردم صابرین کیان‌اند؟ فرمود کسانی هستند که در ادای واجبات صبر داشته باشند و از اجتناب محرمات خود رانگه دارند (خود را به ترک گناهان وادارند).^۱

برای تو می‌نویسم

معنای صبر به بیان ساده، شکیبایی و استقامت است؛ البته شکل این شکیبایی و استقامت در هر موردی متفاوت است. در آموزه‌های دینی، صبر در منظومه دین به منزله سر برای شخص شمرده شده است.^۲ با این وصف، اهمیت صبر در دین‌داری مشخص می‌شود تا آنجا که بدون صفت صبر، نمی‌توان فرد را با عنوان مؤمن یاد کرد. امام رضا علیه السلام، با اشاره به بزرگی جایگاه اهل صبر در روز قیامت، صبر یاد شده در آیه انتهایی سوره آل عمران را به دو نوع صبر بر انجام واجبات و نیز ترک محرمات تفسیر فرموده‌اند.

پاسخ یک علامت سؤال

انواع و اقسام صبر دینی کدام است؟

۱. عطاردی، عزیزالله (مؤلف و مترجم)، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص ۵۰۷.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۸.

حیطه و محدوده صبر بسیار وسیع است و مطابق آیات و روایات، صبر را می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد: صبر بر طاعت، صبر بر معصیت، صبر بر مصیبت و صبر بر نعمت. قطعاً نتایج انواع صبر، در دنیا و آخرت نصیب فرد خواهد شد.

انجام دستورات دینی و واجباتی همچون: نماز، روزه و مانند آن، نیازمند غلبه بر راحت‌طلبی و تحمل دشواری است که از آن می‌توان به صبر در طاعت و عبادت یاد کرد. صبر بر معصیت به معنای استقامت و نگه‌داشتن نفس از انجام گناهان است. اینکه انسان زمینه گناه برایش فراهم باشد و از ارتکاب آن اجتناب کند، بالاترین درجه صبر است؛ چراکه این امر در دست‌یابی به سعادت واقعی و کمال انسانی از دیگر انواع صبر مؤثرتر است. قرآن از انواع مصیبت‌های ممکن در زندگی دنیوی مانند: ترس، گرسنگی، نقص در اموال و جان‌ها و ثمرات، سخن گفته است و صابران در این بلا و مصیبت‌ها را به رحمت از جانب خداوند بشارت داده است. بر این اساس رسیدن به پاداش بزرگ با صبر بر مصیبت‌ها نصیب انسان می‌شود. معنای صبر بر نعمت‌ها، این است که انسان در هنگام دست‌یابی به امکانات دنیوی، خود را ننگه دارد و دچار طغیان و سرکشی نشود و بداند که همه نعمت‌ها در نزد او امانت هستند و روزی از او گرفته خواهند شد؛ پس وظایف خود را در قبال آن‌ها به درستی انجام دهد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

در احوال حضرت امام حسن علیه السلام نقل شده که روزی ایشان از راهی سواره می‌گذشتند. مردی شامی با آن جناب مصادف گردید و شروع کرد به لعنت و ناسزا گفتن نسبت به حضرت. ایشان هیچ نگفتند تا اینکه شامی هر چه خواست، گفت. آنگاه پیش رفته با تبسم





به او فرمود گمان می‌کنم اشتباه کرده‌ای. اگر اجازه دهی، تو را راضی می‌کنم؛ چنانچه چیزی بخواهی به تو خواهم داد. اگر راه را گم کرده‌ای، من نشانت دهم. اگر احتیاج به باربر داری، من اسباب و بار تو را به وسیله‌ای به منزل می‌رسانم. اگر گرسنه‌ای تو را سیر کنم. اگر احتیاج به لباس داری، تو را می‌پوشانم. اگر فقیری، بی‌نیازت کنم. اگر فراری هستی، تو را پناه می‌دهم. هر آینه حاجتی داشته باشی برمی‌آورم. چنانچه اسباب و همسفران خود را به خانه ما بیاوری، برایت بهتر است؛ زیرا ما مهمان خانه‌ای وسیع و وسایل پذیرائی از هر جهت در اختیار داریم.

مرد شامی از شنیدن این سخنان در گریه شد و گفت: «گواهی می‌دهم که تو خلیفه خدا در روی زمینی، تو و پدرت ناپسندترین مردم در نزد من بودید، اینک محبوب‌ترین خلق در نظرم شدید». سپس آنچه به همراه خویش در مسافرت آورده بود، به خانه آن حضرت منتقل کرد، میهمان ایشان شد تا موقعی که از آنجا خارج گردید و اعتقاد به ولایت حضرت پیدا کرد.^۱

کسانی که چون محنت آید به پیش
شکیبایی آرند هر لحظه بیش
بر آن هاست از سوی یکتا خدا
بسی رحمت و اجر بی‌انتهای

«ترجمه منظوم قرآن مجید»



شکرگزاری من چگونه باشد تا خوشایند پروردگارم باشد؟

حقیقت شکر چیست؟

﴿ اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ﴾^۱

ای خاندان داود! به خاطر سپاسگزاری [به فرمان های حق] عمل کنید و از بندگانی که سپاسگزارند.

«فَقَالَ وَاعْمَلُوا أَنْتُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهُ تَعَالَى بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبَعْدَ الْاعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَي دُنْيَاهُمْ»^۲

۱. سوره سبأ (۳۴)، آیه ۱۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۶-۱۶۷.



امام رضا علیه السلام فرموده اند: ای مردم بدانید که بعد از ایمان به خدا و بعد از اعتراف به حقوق اولیاء الهی از آل محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ شکری نزد خدا خوشایندتر از این نیست که برادران مؤمن خود را در امور دنیایشان یاری رسانید.

برای تومی نویسم

در آیه فوق به خاندان داوود سفارش می شود که شکر عملی پروردگارشان را به جای آورند و تعداد شکر گزاران واقعی خداوند را قلیل و اندک برمی شمارد. شکر دارای سه مرحله است: نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخشنده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است و از آنکه بگذریم مرحله زبان فرامی رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است. شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است و آن را در مورد خودش صرف کنیم.^۱

در روایت امام رضا علیه السلام نیز سه مرحله برای شکر تعریف شده است: مرحله نخست، ایمان به پروردگار به جهت آنکه او همان کسی است که به انسان نعمت بخشیده است؛ مرحله دوم، اعتراف به حقوق اولیاء الهی که همان خاندان پاک نبی بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله هستند و مرحله سوم یاری رساندن به برادران دینی در امور دنیایی آن ها. می توان گفت مرحله سوم از شکر که امام علیه السلام آن را محبوب و خوشایند پروردگار معرفی می کند، در حیطه شکر عملی قرار می گیرد و مصداقی از فرمان خداوند به خاندان داوود، در اتمام به شکر عملی خواهد بود؛ چرا که یاری رساندن به مؤمنان حتی اگر به

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

شکل زبانی انجام شود، باز هم در دایره اعمال و جوارح آدمی قرار دارد و نوعی شکرگزاری ارزشمند محسوب خواهد شد.

پاسخ یک علامت سؤال

حقیقت شکر چیست؟

حقیقت شکر آن است که انسان هر نعمتی را که خدا به او داده است، در همان راهی به کار برد که برای آن داده شده است و هر نعمتی را به مصرف خود آن نعمت برساند. اگر این روش پیش گرفته شود، همیشه آدمی در فکر و مطالعه اقسام نعمت حق و لطف صنع حق خواهد بود و اعضای بدن را هم به مصرف مناسب که اعمال خیر است، به کار خواهد برد و تکرار این کار موجب فزونی محبت به منعم و بخشنده نعمت می شود تا این اندازه که به واسطه دوستی و توجه به منعم از نعمت صرف نظر و فراموش می شود و هر کار نیک عادت و طبیعت دوباره او خواهد شد.^۱

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

مسمع بن عبدالملک گفت: در منی خدمت حضرت صادق ع مشغول انگور خوردن بودیم، گدایی آمد و تقاضا کرد. امام ع دستور داد یک خوشه انگور به او بدهند. گدا گفت: احتیاج به انگور ندارم، اگر پول بدهید، خوب است. امام ع فرمود: خداوند وسعت به تو بدهد. گدا رفت، باز برگشت. گفت: همان خوشه انگور را بدهید. فرمود: برو خدا گشایش دهد به تو و چیزی به او نداد.



۱. عاملی، ابراهیم؛ تفسیر عاملی، ج ۵، ص ۲۶۶.



گدای دیگری آمد، امام علیه السلام سه دانه انگور به او داد. گدا گرفت و گفت: الحمد لله رب العالمین خدای که مرا روزی بخشید. امام علیه السلام فرمود: بایست. دست مبارک را پر از انگور کرده به او داد. باز گفت: حمد و سپاس خدایی راست که به من روزی بخشید. باز فرمود بایست.

از غلامش پرسید، چقدر پول داری؟ عرض کرد تقریباً بیست درهم. فرمود: به این فقیر بده. گدا گفت: خدایا تو را سپاسگزارم. این نعمت از جانب تو است؛ خدای که شریکی نداری. باز امام فرمود: بایست، پیراهن خود را از تن بیرون آورد. فرمود: این را بپوش. گدا پوشید و گفت: خدا را شکر می‌کنم که مرا پوشانید و لباس به من داد. آقا یا ابا عبدالله! خدا به شما خیر بدهد. همین دعا را برای حضرت صادق علیه السلام کرد و رفت. ما با خود این‌طور خیال کردیم که اگر آن گدا دعا برای خود حضرت نمی‌کرد، پیوسته به او چیزی می‌داد؛ چون هر چه حمد و سپاس خدا را می‌نمود، به او مقداری می‌بخشید.^۱

سپس گفتیم هان ای آل داوود سپاس و شکر را دارید معمول
که بین بندگان من قلیلی به شکر و حمد می‌باشند مشغول

«ترجمه منظوم قرآن»^۲

۱. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۷، ص: ۳۲۷ و ۳۲۸.

۲. امینیان، کرم‌خدا؛ ترجمه منظوم قرآن، ص ۴۲۹.



جایگاه تفریحات در زندگی ام تا چه حد است و مرز آن تا کجاست؟

﴿ اَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَ اِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ ﴾^۱

فردا او را با ما بفرست تا بگردد و بازی کند و ما نگهدارنده هستیم.

«قال الرضا عليه السلام: اجعلوا الانفسكم حظاً من الدنيا باعطاءها ما تشتهي من الحلال وما لم ينل المروءة ولا سرف فيه واستعينوا بذلك على امور الدين فانه تروي ليس مما من ترك دنياه لدينه ودينه لدنياه»^۲

امام رضا علیه السلام فرمود: برای نفس خود از دنیا بهره ای قرار دهید به آن اندازه که آنچه خواهید حلال کند و به مردانگی خللی نرساند و زیاده روی در آن نباشد، به او بدهید و به این وسیله بر انجام امور دین یاری جوئید (و نیرو یابید)؛ زیرا روایت شده است که «از ما

۱. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۱۲.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ص ۳۳۷.

نیست آن که دنیایش را برای دینش (یکسره) وانهد یا دینش را برای دنیایش فروگذارد.^۱

برای تومی نویسم

هر انسانی به تفریح و نشاط و شادمانی نیاز دارد و در پرتو آن، زندگی برای آدمی مفرح و لذت بخش خواهد بود؛ زیرا تفریح بدن و روان خسته را ترمیم می کند و نیرو و تلاش را مضاعف می سازد. در سخنان امام علیه السلام نیز اهمیت اوقات فراغت و ضرورت پرداختن به تفریحات سالم بیان شده و از آثار بهره‌مندی تفریحات سالم و حلال، تقوات و باری انسان در انجام دیگر امور دینی و همچنین نشاط بخشی به زندگی معرفی شده است. امام رضا علیه السلام به آسیب تفریح و شادابی نیز اشاره می کند و هشدار می دهند تفریح باید در حدی باشد که به مردانگی و شرافت آسیب نرسد. در پرتو این سخن، انسان دین دار تلاش می کند که وابستگی خود را به مظاهر دنیا کم کند و خود را از غرق شدن در مسائل زودگذر دور سازد؛ زیرا می داند که هر چه وابستگی اش به لذت‌های گذرا بیشتر شود، باید افسردگی و غم بیشتری را پذیرا باشد.^۲

در آیه فوق، وقتی برادران یوسف مسئله تفریح و گردش در صحرا و خوردن از گیاهان را مطرح کردند، حضرت یعقوب علیه السلام اعتراض نکرد که این عمل، شایسته یک جوان موحد و وابسته به خانواده نبوت نیست (بلکه از جنبه امنیتی اظهار نگرانی کرد) از این بیان به خوبی استفاده می شود که او نه تنها به تفریح نظر مثبت داشته، بلکه در جامعه آن روز امر مسلمی بوده است و امروز شهرنشینی و فضای بسته خانه‌های شهرها، این نیاز را



۱. ابن شعبه، حسن بن علی؛ رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، ص ۴۱۸.

۲. پرسش از شما، پاسخ از امام رضا علیه السلام، ندای انصار، شماره ۲۵، آبان ماه ۱۳۹۲، ص ۱۹.

دوچندان کرده است^۱.

پاسخ یک علامت سؤال

جایگاه تفریحات در زندگی ام تا چه حد است و مرز آن تا کجاست؟ انسان در زندگی روزمره و بر اثر اتفاقات و حوادث یا کار و فعالیت‌های روزانه و حرکت در پیچ‌وخم‌های دشوار زندگی دچار خستگی و ملال می‌شود که برای رهایی از این افسردگی ناشی از فعالیت و سنگینی کار و فشار روحی-روانی، باید بخشی از اوقات خود را به شادی و تفریح اختصاص دهد. تفریح باعث افزایش قابلیت‌های ذهنی و جسمی فرد می‌شود. در هنگام تفریح، فکر راحت‌تر کار می‌کند و می‌تواند به امور جدید بپردازد و قابلیت‌های خود را بروز دهد؛ زیرا در آن هنگام فرد در فشار نیست و به میل خود به تفریح مورد علاقه پرداخته، بنابراین ذهنش، آمادگی فعالیت دارد.^۲

همان‌طور که جسم انسان نیاز به غذا و انواع ویتامین‌ها دارد، روح انسان نیز به تنوع، استراحت، تفریح و شادی و نشاط نیاز دارد. امام‌زاده‌الکلیله^۳ در این رابطه می‌فرماید: خود را با کار مداوم خسته نکنید و برای خود تفریح و تنوع قرار دهید، ولی از کاری که در آن اسراف باشد، یا شمارا در اجتماع سبک کند، پرهیز کنید.^۴ در فرهنگ اسلامی از کوه‌نوردی، پیاده‌روی، اسب‌سواری، شمشیربازی، تیراندازی و کشتی به‌عنوان بهترین تفریحات سالم یاد شده و

۱. حسینی، جواد؛ ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۹۷، شهریور ۱۳۸۵.

۲. عامری‌مهر، فاطمه؛ دو ماهنامه بشارت، سال هشتم، شماره ۴۵.

۳. بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ج ۷۸، ص ۳۴۶.



برای صحت و سلامت بدن ارزش و اهمیت زیادی قائل شده و به طراوت و شادابی انسان‌ها اهمیت فراوانی می‌دهد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای درباره نحوه گذراندن اوقات فراغت در دوره جوانی می‌فرماید: تفریح من در محیط طلبگی خودم در دوران جوانی، حضور در جمع طلبه‌ها بود. به مدرسه خودمان می‌رفتیم. جو طلبه‌ها برای ما شیرین بود؛ طلبه‌ها دور هم جمع می‌شدند، صحبت و گفتگو و تبادل اطلاعات می‌کردند و حرف می‌زدند. من از آن وقت ورزش می‌کردم. الان هم ورزش می‌کنم. آن وقت ما کوه می‌رفتیم، پیاده‌روی‌های طولانی می‌کردیم. من در دوران جوانی، زیاد مطالعه می‌کردم غیر از کتاب‌های درسی خودمان، هم کتاب تاریخ می‌خواندم، هم کتاب شعر و هم کتاب قصه و رمان. من با بسیاری از دیوان‌های شعر در دوره نوجوانی و جوانی آشنا شدم.^۱

نشاط و عیش و جوانی چو گل غنیمت دان که حافظا نبود بر رسول غیر بلاغ

«دیوان حافظ»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا (ع)

۱. نشریه حدیث زندگی، سال دوم، شماره ۴؛ گلبرگ - مرداد ماه سال ۱۳۸۹، شماره ۱۲۱، اوقات فراغت بزرگان.

چگونه تندرست و سلامت باشیم؟

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^۱

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

«سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا^۲ فِي الطَّعَامِ لَأَسْتَقَامَتْ أَعْيُنُهُمْ»^۳.

اگر مردم حد میانه را در خوراک رعایت می کردند، بدن هاشان پایدار می ماند.

برای تومی نویسم

در مصرف خوراکی ها برای سلامت و طول عمر انسان، اصل محدودیت و مصرف کم و در حد میانه را باید پذیرفت تا بیماری های کشنده ناشی از پر خوری و شکمبارگی عارض

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۳۱.

۲. در بعضی روایات آمده «قصروا»؛ یعنی کم کردن؛ رک: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَرُوا فِي الطَّعَامِ»، مکارم/الأخلاق، ص ۳۶۲.

۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۲، ص ۴۳۹.





نگردد. در حالی که در جهان سوم، ده‌ها میلیون انسان بر اثر گرسنگی و فقر مواد غذایی هر روز لاغرتر و رنجورتر می‌شوند و به مرگ نزدیک‌تر می‌گردند، در جهان پیشرفته پر خوری و اسراف در مصرف مواد غذایی، افراد را به انواع بیماری‌های قلبی، کبدی، نقرس و... دچار کرده است. بعضی از جراحی‌ها در جهان پیشرفته به خاطر در آوردن چربی‌های بسیار از بدن شخص است که بر اثر افراط در مصرف مواد غذایی و کم‌تحرکی به وجود آمده است.^۱

امام رضا علیه السلام در راستای میانه‌روی در خوردن، جسم انسان را به زمینی تشبیه می‌کند و می‌فرماید: بدان که جسد آدمی به منزله‌ی زمینی است پاکیزه که چون به آبادانی‌اش مشغول شوی و آبیاری کنی؛ به‌طوری که در آبیاری‌اش افراط نکنی تا غرق شود (به‌صورت باتلاق و لجنزاری درآید) و تفریط نکنی تا از کم‌آبی تشنه بماند و خشک شود، البته همیشه معمور و آبادان خواهد بود و حاصلش فراوان و زراعتش پاکیزه خواهد شد و اگر از آن غفلت بورزی، فاسد و خراب خواهد گشت و گیاه و سبزه در آن نخواهد روئید. بدن آدمیزاد به‌منزله‌ی همین زمین است که با تدبیر درست در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها صحیح و صالح می‌ماند و سلامتی در آن برقرار می‌شود.^۲

سلامت تن نه تنها بزرگ‌ترین موهبت الهی است، بلکه سرچشمه همه فعالیت‌ها و تلاش‌ها و برکات است، ولی باید توجه داشت که سلامتی بدون پرهیز و تلاش به دست نمی‌آید. بدن انسان ابزار تکامل روح است؛ از این رو پیامبر می‌فرماید: بی‌شک بدن تو بر تو حقوقی دارد^۳ که باید آن‌ها را ادا کنی و به آن رسیدگی نمایی.

۱. حکیمی، محمد، فرازهایی از سخنان امام رضا علیه السلام، دفتر نخست، صص ۶۳ و ۶۴.

۲. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام؛ طب الإمام الرضا علیه السلام (طب و بهداشت از امام رضا علیه السلام)، ترجمه امیر صادقی، صص ۴۶ - ۴۷.

۳. الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج ۳، ص ۲۹۶.

پاسخ یک علامت سؤال

چگونه تندرست و سلامت باشیم؟ انسان همیشه به دنبال سلامت بوده؛ چرا که بدون سلامت، بهره‌گیری از سایر مواهب الهی و حتی عبادت کردن بسیار مشکل می‌گردد. همان‌گونه که در سایر نیازهای بشری خداوند تبارک و تعالی دستورات حیات‌بخش خود را به بشر رسانیده است، در خصوص سلامت و طب نیز از طریق کتب آسمانی و زبان مبارک معصومین علیهم‌السلام نسخه‌های بی‌بدیل سلامت به بشر ارزانی شده است.

جالب است که امام رضا علیه‌السلام در حدود هزار و دویست سال قبل به این نکته مهم علمی اشاره فرموده‌اند که علم امروز تازه به آن رسیده است و آن اینکه: همانا اصلاح بدن و قوام آن به غذا و آشامیدنی است و فساد آن نیز به این دو است. پس اگر این دو را اصلاح کنی، بدن اصلاح و اگر این دو را فاسد کنی، بدن فاسد می‌گردد.^۱ بنابراین اصل مهم در پیشگیری بیماری‌ها، داشتن تدبیر در غذاها و نوشیدنی‌هاست.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

دو درویش خراسانی، ملازم صحبت یکدیگر سفر کردند. یکی ضعیف بود که هر به دو شب افطار کردی و دیگر قوی که روزی سه بار خوردی. اتفاقاً بر در شهری به تهمت جاسوسی گرفتار آمدند. هر دو را به خانه‌ای کردند و در به گل بر آوردند. بعد از دو هفته، معلوم شد که بی‌گناه‌اند. در را گشادند. قوی را دیدند مرده و ضعیف، جان به سلامت برده. مردم در این عجب ماندند. حکیمی گفت: خلاف این عجب بودی. آن یکی بسیار خوار بوده



است، طاقت بینوایی نیاورد، به سختی هلاک شد؛ وین دگر خویشتن دار بوده است، لاجرم بر عادت خویش صبر کرد و به سلامت ماند.

چو سختی پیشش آید سهل گیرد
و گرتن پرور است اندر فراخی

چو تنگی بیند از سختی بمیرد

«گلستان سعدی، باب سوم»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)

فصل دوم

اعمال اجتماعی ام

چگونه در حیطه ارتباطات اجتماعی
زندگی سعادتمندانهای را پایه ریزی کنیم؟

گفتار اول خانواده‌ام

در زندگی خانوادگی چطور خداپسندانه زندگی کنیم؟

چرا ازدواج کنم؟

ضرورت و دلایل تشکیل زندگی مشترک چیست؟



پاسخ‌های امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱﴾

واژ نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان
همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی
قرار داد. یقیناً در این [آکار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که
می‌اندیشند.



«أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْمُنَاكِحَةِ وَالْمَصَاهِرَةِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَلَا سَنَةٌ مُتَّبَعَةٌ وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيدٌ لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ وَتَقَرِيبِ الْبَعِيدِ وَتَأْلِيفِ الْقُلُوبِ وَتَشْبِيهِ الْحُقُوقِ وَتَكْثِيرِ الْعَدَدِ وَتَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَحَوَادِثِ الْأُمُورِ مَا يَرَعَبُ فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّيِّبُ وَيَسَارِعُ إِلَيْهِ الْمُوقِفُ الْمُصِيبُ»^۱.

امام رضا عليه السلام می فرماید: اگر درباره ازدواج و وصلت، آیه ای روشن [از کتاب خدا] و سنتی پیروی شده [از پیامبر] و اخبار فراوان نبود، باز هم آثار و برکات اجتماعی همچون: نیکی کردن به خویشاوند، نزدیک ساختن افراد دور [به یکدیگر]، الفت بخشیدن میان دل ها، درهم تنیدن حقوق، افزودن بر جمعیت و اندوختن فرزند برای [رویارویی با] سختی های روزگار و پیشامدهای زمانه [که خداوند در ازدواج قرار داده است] خود کافی بود که خردمند دانا به این کار رغبت نماید و انسان ره یافته درست اندیش به آن بشتابد.

برای تومی نویسم

هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای موضوع ازدواج اهمیت قائل نبوده است. در اسلام توصیه های فراوانی درباره ازدواج بموقع و همچنین نکوهش تجرد شده است. قرآن مجید، خلقت همسران و ایجاد رشته مودت و دوستی بین زن و مرد را از نشانه های شناخت خداوند شمرده و به برخی از فواید ازدواج، مانند: آرامش روحی و جسمی، ارضای غریزه

جنسی، ایجاد دوستی و علاقه، بقای نسل و تکامل فرد اشاره می‌کند.^۱ علاوه بر این، از دواج، تعهد و تکامل اجتماعی را در پی دارد و زمینه‌ساز بروز استعدادها و توانمندی‌های نهفته فردی و اجتماعی می‌شود که روایت امام رضا علیه السلام نیز به برخی از آن‌ها اشاره می‌کند. حضرت در این روایت به نکته ظریفی اشاره فرمودند که همان سازگاری و مهر تأیید فطرت انسانی و واقعیت‌های اجتماعی بر دستورات الهی در مسئله ازدواج است، تا آنجا که اگر دین هم سفارشی به این امر مهم نداشت، تأیید و تشویق عقل و فطرت در انجام کار کافی بود.



پاسخ یک علامت سؤال

چرا ازدواج کنم؟

زوجیت، قانونی فراگیر در میان همه جانداران و از جمله گیاهان است.^۲ زوجیت در حیوان و انسان، پاسخی به غریزه جنسی است که به‌طور طبیعی، برای بقای نسل در آن‌ها نهاده شده است.^۳ انسان در مقابل غریزه جنسی، یکی از سه راه را می‌تواند برگزیند: یا از هر طریقی آن را راضا کند (افراط) یا آن را سرکوب کند (تفریط) یا به‌صورت متعادل و مشروع در ارضای آن گام بردارد. دوره نخست به‌نوعی مخالف با نظام تکوین و طبیعت است؛ زیرا اولاً قوه شهوت در وجود انسان آفریده شده و بهره‌برداری از لذات مادی را، هم طبیعت انسانی و هم ادیان الهی تجویز می‌کنند. ثانیاً سرکوب این قوه موجب بروز اختلالات روانی

۱. سوره روم (۳۰)، آیه ۲۱.

۲. سوره طه (۲۰)، آیه ۵۳.

۳. سوره شوری (۴۲)، آیه ۱۱.

در انسان می‌شود. راه سوم باز دواج و تشکیل کانون گرم خانواده حاصل می‌شود.^۱

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

شهید مطهری درباره نقش ارزنده از دواج می‌گوید: «... یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو از دواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد بانفس پیدا نمی‌شود، در نماز شب پیدا نمی‌شود؛ این کمالات را فقط باید در از دواج و تشکیل خانواده به دست آورد. و لذا هیچ وقت نمی‌شود که یک کشیش، یک کاردینال به صورت یک انسان کامل دربیاید، اگر واقعاً در کار دینالی خودش صادق باشد».^۲



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا

هر کس ز ترس عائله ترک عیال کرد رنج حیات و مرگ به خود پس حلال کرد
دارد به کردگار به تحقیق ظن بد زین ره گناه و معصیت ذوالجلال کرد

۱. سوره نحل (۱۶)، آیه ۷۲.

۲. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۸.

خط قرمز اطاعت من از والدین کجاست؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به ۴۰ پرسش قرآنی پاسخ‌های امام رضا

﴿ وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ
وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ
الْمَصِيرُ ﴾*

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا... ﴿١﴾

و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد
[در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می داد] و باز گرفتنش [از شیر]
در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن.



بازگشت همه فقط به سوی من است.

و اگر [آن دو] تلاش کنند که تو [را و ادا] نمایند [بر این‌که] چیزی را که هیچ علمی به [خدا بودن و ربوبیت] آن نداری، شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن. ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه‌ای پسندیده معاشرت کن.

«قال الامام الرضا عليه السلام: بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا لغيرِهِمَا فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ».

امام رضا عليه السلام می‌فرماید: «نیکی به پدر و مادر اگر چه مشرک باشند، واجب است. ولی اطاعت از پدر و مادر تا جایی است که اطاعت آن‌ها معصیت خداوند نباشد».

برای تومی نویسم

همان‌طور که بر همه ما روشن است، اسلام دین مهربانی و رأفت است و یکی از زیباترین آموزه‌های دین اسلام نیکی به پدر و مادر است. سفارش بسیار درباره والدین ممکن است موجب این پندار شود که این اطاعت مطلق است، اما در آیه ۱۵ سوره لقمان، خداوند مشروط بودن این اطاعت را مشخص می‌سازد و بار دیگر در ادامه آیه به معاشرت با نیکی با ایشان (حتی در صورت اختلاف سلیق) تأکید می‌کند.

جوانی والدین به پای رشد و نمو فرزندان به پیری می‌رسد، پدر وظیفه تأمین معاش او را برعهده داشته و بالاتر از آن مادر دوران سخت حمل و شیردادن فرزند را پشت سرگذرانده است؛ بنابراین حفظ حرمت آنان واجب است. ضمن اینکه در دین اجباری نیست و فرضاً

مشرک بودن پدر و مادر، مجوز بی حرمتی به آنان و نادیده گرفتن حقوقشان نیست، بلکه در این کلام نورانی امام هشتم علیه السلام درک و شناخت عمیق از حقوق انسانی والدین و تکریم ایشان مورد نظر است.

پاسخ یک علامت سؤال

آیا اطاعت از پدر و مادر حد و مرزی دارد؟

با توجه به آیات قرآن، سه نوع اطاعت داریم:

۱. اطاعت مطلق: این نوع اطاعت در قرآن تنها مخصوص خداوند، پیامبر و اولی الامر (صاحبان ولایت الهی) است.^۱
۲. نداشتن اطاعت مطلق: این عمل نسبت به کافران، منافقان، مفسدان، گناهکاران و ظالمان^۲ مطرح شده است.
۳. اطاعت مشروط: نسبت به والدین مطرح شده؛ به این معنا که اگر دستوری جز نافرمانی خداوند دادند، لازم است پیروی کنیم، اما اگر تلاش کردند فرزند را به غیر خدا فراخوانند، نباید از ایشان اطاعت کرد.^۳

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته الله از علمای بزرگ حوزه علمیه قم نقل می‌کند: «زمانی که در

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۵۹.

۲. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۱، سوره انسان (۷۶)، آیه ۲۴، سوره ص (۲۸)، آیه ۲۶.

۳. سوره لقمان (۳۱)، آیه ۱۵.





نجف بودیم، یک روز مادرم گفتند: «پدرت را صدا بزن تا تشریف بیاورد برای نهار». حقیر رفتم طبقه فوقانی؛ پدرم در حال مطالعه خوابش برده بود. ماندم چه کنم، خدا یا امر مادرم را اطاعت کنم؟ از طرفی می ترسیدم با بیدار کردن ایشان باعث رنجش خاطر مبارکشان شوم. خم شدم و لب هایم را کف پاهای پدر گذاشتم و چندین بوسه زدم تا اینکه [پدرم] به خاطر قلقلک پا بیدار شد و دید من هستم. پدرم وقتی این علاقه و ادب و احترام را از من دید، فرمود: شهاب الدین تو هستی؟! عرض کردم: بله آقا. دستش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «پسرم، خدا عزتت را بالا ببرد و تو را از خادمین اهل بیت علیهم السلام قرار دهد». آیت الله شهاب الدین مرعشی نجفی می فرمود: «هر چه دارم از برکت دعای پدرم است»^۱.

حدیث از خاتم پیغمبران است	که جنت زیر پای مادران است
بزن بر پای مادر بوسه از شوق	که خاک پای او رشک جنان است
گرچه در عالم پدر دارد مقامی ارجمند	لیکن افزون از پدر قدر و مقام مادر است

۱. رفیعی، علی؛ شهاب شریعت، ص ۱۳۴.

فرزندم چه حقوقی برگردن من دارد؟

﴿ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا ﴾

و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده.

«قال الامام الرضا عليه السلام: وَالْعَقِيقَةُ عَنِ الْمَوْلُودِ الذَّكَرِ وَالْاُنْثَىٰ وَاجِبَةٌ وَكَذَلِكَ تَسْمِيَّتُهُ وَحَلْقُ رَأْسِهِ يَوْمَ السَّابِعِ وَيَتَصَدَّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً»^۲

امام رضا علیه السلام می فرماید: عقیقه برای فرزند پسر و دختر، نام گذاری و تراشیدن سر در روز هفتم و معادل وزن موها طلا و یا نقره صدقه دادن و ختنه پسر بچه ها واجب است.

۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۹.



🌟 برای تومی نویسم

این امر بر کسی پوشیده نیست که اسلام نهایت احترام و ارزش را برای والدین در نظر گرفته است و آیات بسیاری به این مسئله پرداخته است. اما در این بین این پرسش مطرح می‌شود که آیا والدین نیز حقوقی درباره فرزندان دارند؟ در پاسخ باید گفت اصولاً حق، دوطرفه است و آیات متعددی از قرآن کریم حقوق فرزندان بر والدین را به صراحت و اشاره بیان کرده است. ^۱ ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز در بیانات گهربار خود، به این حقوق اشاره کرده‌اند. از جمله حقوق والدین بر فرزندان که در کلام امام هشتم علیه‌السلام نیز بدان توجه شده است، نهادن نام نیکو بر فرزند است و والدین در برابر نام‌گذاری فرزندان خود مسئول‌اند.



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا علیه‌السلام

🌟 نام فرزند چه اهمیتی دارد؟

انتخاب نام خوب برای نوزاد بسیار مهم است. نام شخص علاوه بر اینکه علامتی برای اوست و باعث تمایز و تشخیص او از دیگران می‌شود، می‌تواند تأثیر تربیتی و روانی زیادی بر فرد داشته باشد و هر بار با صدا کردن او به این نام، باعث می‌شود که خود را با مفهوم و حقیقت آن بیشتر مطابقت داده و خود را مصداق واقعی آن بداند. اسلام برای تشویق مؤمنین و بیان جایگاه نام نیکو، این مهم را محدود به دنیا نمی‌داند و تأقیامت اتصاف نام به صاحبش را یادآوری می‌کند. روان‌شناسان بر این عقیده هستند که اسم‌های بد و لقب‌های ناشایست، انگیزه حقارت می‌شود و همچون لباسی آلوده در همه عمر سبب آزار

۱. مانند: سوره بقره (۲)، آیه ۸۳؛ سوره نساء (۴)، آیه ۳۶؛ سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۱؛ سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۳ و...

روانی می‌گردد، زندگی را برای انسان ناگوار می‌کند و عقده‌های روانی و احساس حقارت ایجاد می‌کند.^۱

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

روزی عده‌ای از کودکان در کوچه مشغول بازی بودند. پیامبر ﷺ در حین عبور، چشمش به آن‌ها افتاد و خواست نقش بسیار بزرگ پدران و مسئولیت سنگین آن‌ها را در رشد کودک به همراهانشان گوشزد کند. فرمود: وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان.

اطرافیان پیامبر ﷺ با شنیدن این جمله به فکر فرو رفتند. لحظه‌ای فکر کردند شاید منظور پیامبر، فرزندان مشرکان است که در تربیت فرزندانشان کوتاهی می‌کنند. عرض کردند: یا رسول الله! آیا منظور تان مشرکین است؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه پدران مسلمانی را می‌گویم که چیزی از فریض دینی را به فرزندان خود نمی‌آموزند و اگر فرزندانشان پاره‌ای از مسائل دینی را فراگیرند، پدران آن‌ها ایشان را از ادای این وظیفه باز می‌دارند. اطرافیان پیامبر با شنیدن این سخن تعجب کردند که آیا چنین پدران بی‌مسئولیتی نیز هستند؟

پیامبر ﷺ که تعجب آن‌ها را از چهره‌شان خوانده بود، ادامه داد: تنها به این قانع هستند که فرزندانشان از مال دنیا چیزی را به دست آورند... آنگاه فرمود: من از این قبیل پدران بیزار و آنان نیز از من بیزارند.^۲

۱. محمودی، امیرملک؛ راز شاد زیستن و خوشبختی در کلون گرم خانواده، ص ۱۷۳.

۲. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.



پسر را بر پدر حق این چنین است
ز دستورات پیغمبر همین است
کند او را ادب، نیکش نهد نام
به شغل نیک بگمارد در ایام^۱



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)

۱. پانصد حدیث اعتقادی و اخلاقی، احمد صادقی اردستانی، شماره ۲۶۲.

آیا درجه پرهیزکاری و تقوای من بایونند با خویشاوندانم ارتباطی دارد؟



بسیخ هان امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

... وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْضَ حَامَ إِنَّ اللَّهَ
كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۱

وای مردم! از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید
و از [قطع رابطه با] خویشاوندان بپرهیزید. یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و
نگهبان است.

«قَالَ الامام أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاءِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يَزُكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ ۳ فَمَنْ

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۱.

۲. سوره مریم (۱۹)، آیه ۵۵.

۳. سوره لقمان (۳۱)، آیه ۱۴.

لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمْرًا بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ^۱.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «خدای عزوجل دستور سه چیز را به همراه دستور سه چیز دیگر صادر فرموده است:

۱- دستور به نماز همراه با زکات؛ پس هر کس نماز بخواند و زکات نپردازد، نماز او پذیرفته نیست؛ ۲- دستور به سپاسگزاری از خود، همراه با سپاس از پدر و مادر؛ پس هر کس از پدر و مادر خود سپاسگزار نباشد، خدای را سپاسگزار نیست؛ ۳- دستور به تقوا همراه با صله رحم؛ پس هر کس که صله رحم نکند، تقوا نخواهد داشت».



به ۴۰ پرسش قرآنی پاسخ های امام رضا علیه السلام

برای تومی نویسم

«رحم» در اصل به معنای محل رشد جنین در شکم مادران است، اما به عنوان استعاره در معنای خویشاوندی و نزدیکان انسان به کار رفته است و صله رحم به معنای ارتباط همراه با لطف و احسان به خویشاوندان نسبی است. امام رضا علیه السلام بر این نکته تأکید فرموده اند که در اهمیت صله رحم همین بس که خداوند آن را در کنار ذکر خود قرار داده است. قرآن کریم و نیز روایات نسبت به کمک و حمایت و محبت نسبت به خویشاوندان، اهمیت و آثار فوق العاده ای قائل شده و بریدن رابطه از خویشان و بستگان را شدیداً نهی و برهم زندگان پیوند خویشاوندی را مشمول لعنت الهی دانسته است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۸.

پاسخ یک علامت سؤال

آیا صله رحم درباره همه خویشاوندان یکسان است و ارتباطی به میزان دین داری آن‌ها ندارد؟

ادب معاشرت، اختصاص به بستگان پاک و باتقوا ندارد؛ بلکه یک وظیفه اخلاقی حتی نسبت به افرادی است که اهل گناه‌اند. چه بسا به برکت رفت و آمدهای بستگان صالح، گناهکاران هم راه خیر و نیکی را انتخاب کنند و تأثیر بی‌پذیرند. البته صله رحم در جاتی دارد که نسبت به شرایط و افراد، متفاوت است و در صورتی که باعث ضرر دنیایی یا دینی می‌شود، باید به حدی که ضرر ندارد، تغییر کند و کاهش یابد. مثلاً در مقابل ظالم و گناه‌کار باید همراه با امر به معروف و نهی از منکر باشد و به صورتی انجام شود که این ارتباط، تأیید اعمال آن‌ها محسوب نشود. در مقابل، وقتی کسی می‌داند که طرف از دیدن او خوشحال نمی‌شود، ارتباط باید به صورت کمک غیر مستقیم به او یا پرس و جوی احوال او از دیگران باشد و به هر حال لطف خود را نسبت به او، به روش‌های مختلف ابراز دارد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

محقق عالی، استاد فاطمی‌نیا، از یکی از علما نقل کرده‌اند: یکی از صلحا برایم تعریف می‌کرد: من در در قسمت بایگانی اداره‌ای کار می‌کردم و پرونده‌های متعدد و بعضاً بسیار مهم می‌آمد و ما در قسمت بایگانی قرار می‌دادیم. یک روز پرونده بسیار مهمی به دستم رسید. چند روزی گذشت متوجه شدم آن پرونده گم شده است. هر چه گشتم، پیدا نشد. به بنده خبر دادند: چون شما مسئول پرونده‌ها هستید، اگر چند روز دیگر پیدا نشود،





حکمی که در مورد شما اجرامی شود، یا اعدام است یا حبس ابد. از این روز نزدیک نفر اهل دل رفته، ایشان دستور ختمی فرمودند که انجام بده. همان توسل را انجام دادم. روزی که قرار بود نتیجه بگیرم، از پرونده خبری نبود.

با ناراحتی از منزل بیرون آمدم و تانزدیکی خیابان «مولوی» رفتم. دیدم پیرمردی جلو آمد و گفت: آقا! مشکل تو به دست آن شخص - که عرق چین بر سر دارد و در حال رفتن است - حل می‌شود. بدون توجه به این شخص با شنیدن این کلمات دویدم و دامن آقارا گرفتم و گفتم: آقا جان! به دادم برس. گفته‌اند: مشکل به دست شما حل می‌شود.

پیرمرد نگاهی به من کرد و گفت: خجالت نمی‌کشی؟ حالتی بهت‌زده و متعجب داشتم. ایشان فرمودند: چهار سال است شوهر خواهرت از دنیا رفته، یک مرتبه هم به خواهرت و بچه‌هایش سر زده‌ای، انتظار داری کارت هم پیچ نخورد؟! تانروی و رضایت آن‌ها را جلب نکنی، مشکلات حل نمی‌شود. بعد از شنیدن حرف پیرمرد بلافاصله به منزل خواهرم رفتم. وقتی در زدم و خواهرم متوجه شد من هستم، گفت: چطور است بعد از چهار سال آمده‌ای؟! گفتم خواهر! از من راضی شو. بچه‌هایت را از من راضی کن. بعداً برایت تعریف می‌کنم، غلط کردم. آنگاه رفتم مقداری هدیه گرفتم و آوردم و آن‌ها را راضی کردم. فردا که به اداره برگشتم، به من خبر دادند که پرونده پیدا شده است. این پیرمرد عرق چین به سر، عارف بزرگ، مرحوم شیخ رجبعلی خیاط بود.^۱

۱. محمدی، محمدحسین؛ هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۱۲۲.

رو بپرسیدن بر خویشان خویش
هر که گرداند ز خویشاوند رو
هر که او ترک اقارب می کند
گرچه خویشان تو باشند از بدان
هر که او از خویش خود بیگانه شد

تا که گردد مدت عمر تو بیش
بی گمان نقصان پذیرد عمر او
جسم خود قوت عقارب می کند
بدتر از قطع رحم چیزی مدان
نامش از روی بدی افسانه شد

«پندنامه عطار»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ‌های امام رضا (ع)

گفتار دوم جامعه‌ام

بادیگران چطور خداپسندانه زندگی کنیم؟



چرا باید به یتیمان توجه بیشتری داشته باشیم؟

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا
إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴾^۱

بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، فقط در شکم خود آتش می خورند و به زودی در آتش فروزان در آیند.

« كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ إِذَا أَكَلَ الْإِنْسَانُ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ
أَعَانَ عَلَى قَتْلِهِ إِذِ الْيَتِيمُ غَيْرُ مُسْتَعْنٍ وَلَا يَتَحَمَّلُ لِنَفْسِهِ وَلَا قَائِمٌ بِشَأْنِهِ وَلَا لَهُ مَنْ يَقُومُ عَلَيْهِ وَ
يَكْفِيهِ كَقِيَامِ وَالِدَيْهِ»^۲

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۱۰.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۶۵.



امام رضا علیه السلام به شخصی می‌نویسند: هنگامی که کسی مال یتیم را به ستم بخورد، به کشتن او کمک کرده است؛ زیرا یتیم بی‌نیاز نیست و نمی‌تواند خود را اداره کند و به کارهای خود برسد و نیز کسی را ندارد که به کارهای او بپردازد و برای او همچون پدر و مادر باشد.^۱

برای تومی نویسم

هر چند خداوند متعالی نسبت به پایمال شدن حقوق مالی یتیمان با ظرافت و حساسیت وارد عمل می‌شود و در قرآن کریم مکرر به مسلمانان هشدار می‌دهد، اما از آنجا که یکی از مهم‌ترین دلایل آسیب‌پذیری یتیمان، عدم خودکفایی به علت محرومیت از حمایت اجتماعی، مالی و عاطفی یکی از والدین یا هر دوی آنان است، به صورت همزمان، هم به رسیدگی اقتصادی نیازمندند و هم به حمایت عاطفی. و طبق فرمایش امام رضا علیه السلام اگر کسی به حقوق مالی یتیمی تجاوز کند، کمر به قتل او بسته است.

در حالت کلی، دستور عالی اسلامی چنین است که: نیازمندی کودک یتیم، منحصر به خوراک و پوشاک نیست، بلکه پاسخ گفتن به عواطف و احساسات قلبی او مهم‌تر است و در ساختمان آینده او بسیار نقش دارد؛ زیرا طفل یتیم همچون دیگران، انسان است و باید از نظر نیازهای عاطفی نیز تغذیه شود و از محبت‌ها و نوازش‌های یک کودک که در دامن پدر و مادر است، بهره‌مند گردد.^۲

۱. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۷۷-۲۷۹.

پاسخ یک علامت سؤال

چرا باید به یتیمان توجه بیشتری داشته باشیم؟

در بیان هشتمین نور ولایت، وضعیت یتیم از دو بُعد او را نسبت به دیگر اقشار جامعه ممتاز می‌کند: نخست آنکه به دلیل کوچکی سن به خودبسندگی و بی‌نیازی نرسیده است و به تنهایی قادر به اداره امور زندگی خویش نیست و بعد آنکه کسی را به اندازه پدر و مادرش دلسوز نمی‌یابد تا به کارهای او بپردازد. بنابراین هراندازه هم که سعی در پُر کردن خلأهای زندگی یتیمان داشته باشیم، باز نمی‌توانیم یک نگاه مهرآمیز والدینشان را برایشان جبران کنیم. پس اگر مهری نداریم، لاقلاً مواظب باشیم تا طعم قهر خود را به یتیمان، نچشانیم: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»^۱.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

امیرالمؤمنین علیه السلام شی‌ی از کنار خانه زن تهیدستی گذشت که فرزندانی خردسال داشت و آنان از گرسنگی می‌گریستند و مادرشان آنان را سرگرم می‌کرد تا بخوابند. آن زن دیگری بر اجاق نهاده بود که در آن جز آب چیزی نبود تا آن‌ها بیندارند که در دیگ غذایی در حال پختن است. علی علیه السلام از حال آن زن باخبر شد و باقنبر به سوی خانه خود رفت و ظرف کوچکی خرما و کیسه‌ای آرد و کمی روغن و برنج و نان برداشت و بر دوش کشید. قنبر از حضرت خواست تا وی آن را بر دوش گیرد. امام علیه السلام نپذیرفت. بارسیدن به خانه آن زن از او اجازه خواست و وارد شد، پس مقداری برنج و روغن در دیگ ریخت و پس از پختن





آن، برای کودکان در ظرف غذا ریخت و به آنان فرمود: بخورید. پس از سیر شدن آنان، امام علیه السلام بر دست و پای خود گرد اتاق می گشت و بعب (تقلید صدای حیوان) می کرد. کودکان با مشاهده این حالت خندیدند. پس از خروج از خانه، قنبر پرسید: سرورم! امشب رفتاری شگفت آور از تو دیدم و راز برخی از آن را دانستم، ولی سبب گردش تو در خانه بر روی دست و پا و تقلید صدای بعب حیوان را نفهمیدم! امام علیه السلام فرمود: ای قنبر! چون وارد خانه شدم، کودکان از شدت گرسنگی می گریستند. دوست می داشتم وقتی از نزد آنان خارج می شوم، آن هادر حال سیری بخندند و دلیل دیگری نداشت.^۱

چو بینی یتیمی سرافکنده پیش	مده بوسه بر روی فرزند خویش
یتیم ار بگرید که نازش خرد؟	وگر خشم گیرد که بارش برد؟
الاتا نگرید که عرش عظیم	بلرزد همی چون بگرید یتیم
اگر سایه خود برفت از سرش	تو در سایه خویشتن پرورش

«بوستان سعدی»

۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ کشف‌الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۱۵.

عقبه در روز قیامت چیست؟

چگونه از آن بگذرم؟



پاسخ‌های امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

﴿ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ
فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ
أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۱﴾

پس شتابان و با شدت به آن گردنه سخت وارد نشد و توجه می‌دانی آن گردنه سخت چیست؟ آزاد کردن برده یا طعام دادن در روز گرسنگی و قحطی به یتیمی خویشاوند یا مستمندی خاک‌نشین.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ زَيْدٍ قَالَ: أَخْبَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام... «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۲ وَقَالَ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۱ عَالِمُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

۱. سوره بلد (۹۰)، آیات ۱۱-۱۵.

۲. سوره زلزال (۹۹): آیات ۷-۸.

أَنْ كَلَّ أَحَدٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ فَكِّ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ إِطْعَامَ الْيَتِيمِ وَالْمِسْكِينِ مِثْلَ ذَلِكَ تَصَدَّقَ عَنْهُ.

راوی می گوید: موقعی که ابوالحسن الرضا علیه السلام بر سر خوان غذا می نشست، سینی بزرگی در کنار او می نهادند و آن سرور از بهترین خوراک هائی که در برابر او می نهادند، از هر خوراکی سهمی برمی داشت و در سینی می نهاد و می فرمود تا برای مساکین ببرند. ابوالحسن این آیه را زمزمه می کرد: «از گردنه سخت بالا نرفته است و چه دانی که گردنه سخت کدام است؟ آزاد کردن برده یا طعام دادن در روز گرسنگی و فحطی به یتیمی خویشاوند یا مستمندی خاک نشین». و سپس می گفت: خداوند عزوجل می دانست که هر کسی را امکان و توان نیست که برده آزاد کند تا از گردنه نجات به سوی بهشت روان گردد، لذا اطعام یتیمان و خاک نشینان را در ردیف آزاد کردن بردگان به شمار آورد.^۱



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا علیه السلام

🌸 برای تومی نویسم

سخن از «عقبه» یا گردنه صعب العبوری است که انسان های ناسپاس هرگز خود را برای گذشتن از آن آماده نکرده اند. قرآن در توضیح این گردنه، آن را مجموعه ای از اعمال خیر شمرده که عمدتاً بر محور خدمت به خلق و کمک به ضعیفان است. با توجه به آیات قرآن، اسلام و ایمان با ادعا و گفتار حاصل نمی شود، بلکه در برابر هر فرد مسلمان و مؤمن گردنه های صعب العبوری وجود دارد که باید از آن ها، یکی پس از دیگری با استمداد از روح ایمان و اخلاص بگذرد و به راحتی گذشتن از این گردنه با توجه به علاقه شدیدی که غالب مردم به مال و ثروت

۱. کلینی؛ محمد بن یعقوب؛ گزیده کافی، مترجم: محمدباقر بهبهودی، ج ۳، ص ۱۱۳.

دارند، کار آسانی نیست.^۱ روایت یاد شده نشان از آن دارد که امام رضا علیه السلام به گونه عملی به تفسیر این آیه از قرآن پرداخته و ضمن انفاق و بخشش، به این نکته اشاره فرمودند که صدقه، متناسب با امکانات و توانایی افراد، انواع و اقسامی دارد.

پاسخ یک علامت سؤال

چگونه انفاق کنیم؟

انفاق باید برای دهنده و گیرنده آن، رشد و حرکت بیاورد. این است که دهنده انفاق باید در زمینه‌ای انفاق کند که به رشد و رضوان و نور برسد، نه اینکه گرفتار منت و عجب و ربا شود و باید به گونه‌ای انفاق کند که افراد را متملق و ذلیل بار نیاورد. از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که انفاق در راه خدا در صورتی در پیشگاه پروردگار پذیرفته است که به دنبال آن منت و چیزی نباشد که موجب آزار و رنجش نیازمندان است.^۲ کسی که چیزی به دیگری می‌دهد و منتی بر او می‌گذارد و یا با آزار خود او را شکسته‌دل می‌سازد، در حقیقت چیزی به او نداده است؛ زیرا اگر سرمایه‌ای به او داده، سرمایه‌ای هم از او گرفته است و چه بسا آن تحقیرها و شکست‌های روحی به مراتب بیش از مالی باشد که به او بخشیده است. این نهایت دقت اسلام را در خدمات خالص انسانی می‌رساند.^۳

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

سید نعمت‌الله جزایری در کتاب *الانوار النعمانیة* حکایت کرده: مرحوم مقدس

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۷.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۲۶۲.

۳. افسای، محمدجعفر؛ انفاق از منظر قرآن و عترت، مجله فرهنگ کوثر، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۷۲.





اردبیلی رضی الله عنه در سال گرانی، آنچه از خوردنی داشت، به‌طور مساوی با فقرا تقسیم می‌کرد. در یکی از سال‌های گرانی، عیالش خشمگین شد و گفت: با من و فرزندان من چنین کردی که مجبور شدیم دستمان را جلوی مردم دراز کنیم؟! پس مقدس اردبیلی او را گذاشت و برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت. هنگامی که روز دوم شد، مردی به در خانه آمد؛ درحالی که چندین بار گندم پاک و پاکیزه و آرد عالی همراه با او بود، گفت: این آرد و گندم را صاحب منزل که در مسجد کوفه معتکف است، برای شما فرستاده است. هنگامی که مقدس اردبیلی از اعتکاف برگشت، همسرش به او گفت: غذایی که به‌واسطه آن مرد فرستادی، غذای نیکو و عالی بود. مقدس اردبیلی حمد الهی به‌جای آورد؛ درحالی که خبری از این اطعام نداشت.

مشو خودبین که نیکی با فقیران	نخستین فرض بوده است اغیارا
ز محتاجان خبر گیرای که داری	چراغ دولت و گنج غنا را
به وقت بخشش و انفاق پروین	نباید داشت در دل جز خدا را

«دیوان پروین اعتصامی»

برادران دینی من چه حقوقی بر گردنم دارند؟



پاسخ‌های امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ
وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴾^۱

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند. بنابراین اگر همه نزاع‌ها و اختلافات [میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید.

«قال الامام الرضا عليه السلام: حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَمْحِضَهُ النَّصِيحَةَ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ
كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ»^۲

۱. سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

۲. بحار الانوار، جلد ۷۵، ص ۶۶.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «حق مؤمن بر مؤمن خالص کردن خیر خواهی برای او در آشکار و نهان است؛ مانند خیر خواه برای خودش».

برای تومی نویسم

قرآن برای ایجاد روح دوستی و همبستگی بین مؤمنان در جامعه دینی، آنان را برادر یکدیگر خوانده است. لازمه قطعی این برادری، البته دعوت به اصلاح و پرهیز از نزاع و اختلاف در مناسبات اخلاقی و در سطح اجتماعی است. در احادیث به جنبه‌های گوناگون «برادری دینی» اشاره شده که مهم‌ترین آن‌ها نصیحت و خیر خواهی برای دیگران است. نشانه شخص خیر خواه چهار چیز است: به حق قضاوت می‌کند؛ از خود به دیگران حق می‌دهد؛ برای مردم همان را می‌پسندد که برای خود می‌پسندد و به [حق] هیچ کس دست‌درازی نمی‌کند.^۱ امام رضا علیه السلام خیر خواهی را به‌عنوان یکی از حقوق متقابل مؤمنین مطرح کرده‌اند، تا جایی که فرد، برادر مؤمن خود را در حضور یا غیاب او عیناً مانند خود بداند. روشن است چنین الگویی در اجتماع موجب می‌شود، افراد عالی‌ترین سطح روابط نسبت به یکدیگر را داشته باشند.

پاسخ یک علامت سؤال

آیا کتابی برای شناخت حقوق برادران دینی وجود دارد؟

جامع‌ترین کتابی که به بیان حقوق و وظایف متقابل از جمله حق برادر دینی پرداخته،

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف‌العقول، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، ص ۲۰.



رسالة الحقوق از امام زین العابدین علیه السلام است. حق برادر دینی، حق همسایه، حق خویشاوند، حق فرزند و اولاد و پدر و مادر، حق زن و شوهر، حق شاگرد و استاد، حق مولا و بنده، حق همنشین و دوست و شریک، حق والی و رعیت، حق مشیر و مستشیر از جمله حقوقی است که در این کتاب ارزشمند بیان شده است. در جامعه اسلامی، مسلمان متعهد خود را نسبت به برادران دینی مسئول احساس می کند و تکالیفی بر عهده اوست. طبعاً هر مسلمانی باید این حق را بر گردن خویش احساس کند و به کار بندد تا اثر خویش را بگذارد.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

راوی می گوید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم. آن حضرت فرمود: «اکنون شخصی بر شما وارد می شود که از اهل بهشت است». پس مردی از انصار در حالی که آب وضو از محاسنش می چکید، وارد شد و سلام کرد و مشغول نماز شد. فردای آن روز نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سخن را تکرار فرمود. باز همان مرد انصاری وارد شد و روز سوم نیز همین داستان تکرار شد. بعد از خارج شدن آن حضرت از مجلس، یکی از یاران به دنبال آن مرد انصاری رفت و سه شب در نزد او به سر برد، ولی از شب بیداری و عبادت [افراوان] چیزی ندید؛ جز اینکه هنگام رفتن به رختخواب ذکر خدا را می گفت و بعد می خوابید و برای نماز صبح بیدار می شد.

بعد از سه شب آن صحابی گفت: من از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله درباره تو چنین سخنی شنیدم، خواستم بفهمم که چه اعمال و عباداتی انجام می دهی که باعث شده پیامبر صلی الله علیه و آله تو را بهشتی بخواند؟ مرد انصاری در جواب گفت: غیر از آنچه دیدی، از من بندگی [بیشتری] سر نمی زند؛ جز آنکه بر احدی از مسلمانان در خود غش و خیانتی نمی بینم و بر



خیر و خوبی که خدای تعالی به او عنایت کرده، حسدی نمی‌ورزم او در یک کلام خیر خواه مردم هستم. آن صحابی گفت: این حالت است که تو را به این مرتبه [عالی] رسانده و این صفتی است که تحصیل آن از ما [واژه هر کسی] بر نمی‌آید.^۱

خدا را بر آن بنده بخشایش است	که خلق از وجودش در آسایش است
کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست	که دون همتان اند بی مغز و پوست
کسی نیک بیند به هر دو سرای	که نیکی رساند به خلق خدای

«بوستان سعدی»^۲



۱. معراج السعاده، ص ۴۷۲

۲. باب دوم.



با چه ویژگی‌های اخلاقی‌ای می‌توانم جزء بهترین بندگان خدا باشم؟

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ
الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

آنان (پرهیزکاران) کسانی هستند که در گشایش و تنگ‌دستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از خطاهای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

«سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ؟ فَقَالَ ﷺ: الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا أَسَاوُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أَعْطَوْا شُكِرُوا، وَإِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا، وَإِذَا غَضِبُوا عَفَوْا».

از امام رضا علیه السلام درباره بهترین بندگان سؤال شد. فرمود: آنان که هرگاه نیکی کنند،



خوشحال شوند و هر گاه بدی کنند آمرزش خواهند و هر گاه عطا شوند، شکر گزارند و هر گاه بلا بینند، صبر کنند و هر گاه خشم کنند، در گذرند.^۱

برای تو می نویسم

امام رضا علیه السلام در بیان و شرح حال بهترین بندگان خداوند پنج خصلت را از ایشان نام می برد. این کلام نورانی برگرفته از آیات کلام الله مجید است که برای بیداری بندگان خدا بیان شده است. اولین خصلت بندگان خوب در کلام امام رضا علیه السلام آن است که اگر کار نیکی انجام می دهند، از انجام دادن آن کار خوشحال می شوند، البته سبب خوشحالی، ریا و آگاهی مردم از این عمل نیک نیست، بلکه تلاش برای کسب رضایت خداوند است. از دیگر صفات پرهیزکاران در قرآن که در کلام امام علیه السلام به آن اشاره شده، این است که اگر مرتکب گناهی شوند، به زودی به یاد خدا می افتند و توبه می کنند و هیچ گاه به گناه اصرار نمی ورزند.^۲

آیات قرآن، عده کمی از بندگان را شاکر حقیقی بر شمرده است؛^۳ امام رضا علیه السلام نیز در این حدیث، شکر گزاری را از صفات بندگان خوب خدا دانسته است. شکر مراتبی دارد که شامل شکر قلبی،^۴ شکر زبانی^۵ و شکر عملی^۶ است. البته خداوند نیازی به شکر بندگان

۱. تحف/العقول، ص ۴۴۵.

۲. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۵.

۳. سوره سبا (۳۴)، آیه ۱۳.

۴. شکر قلبی شناختن نعمت ها از نعمت بخش (خداوند) است.

۵. شکر زبانی، شکر گزاری خداوند با زبان و به وسیله ادکار است.

۶. شکر عملی به این معناست که نعمت را به مصرفی که نعمت بخش (خداوند) راضی باشد، صرف کند.

ندارد و اثر شکر بندگان باز به خود بندگان برمی‌گردد. ^۱ صبر هنگام نزول بلا از دیگر صفات بهترین بندگان خداوند در کلام امام علیه السلام است و قرآن نیز این افراد را مشمول الطاف و رحمت الهی و نیز از هدایت یافتگان دانسته است. ^۲ آخرین صفت از صفات بهترین بندگان در حدیث نورانی امام رضا علیه السلام، عفو و گذشت است.

پاسخ یک علامت سؤال

سه مقام کظم غیظ، عفو و احسان مطرح شده در باره متقین در آیه ۱۳۵ سوره آل عمران چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

وجه مشترک هر سه مقام مطرح شده در آیه، شیوه برخورد صحیح انسان با خطا و اشتباهات دیگران است، اما اینها تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند که به وسعت و بزرگی روح و تمرین ایشان در مدارا با افراد بازمی‌گردد. کظم غیظ، همان فروبردن غیظ و خشم به خصوص بر کسی است که قدرت بر تلافی داشته باشد، اما مقام عفو بالاتر از کظم غیظ (فروبردن خشم) است؛ زیرا کظم غیظ، تحمل اذیت و حواله فرد به خدا است که در دنیا و آخرت انتقام بگیرد اما عفو، گذشت از اشتباه دیگری است؛ به گونه‌ای که عقوبت و کیفر برای او نخواهد. عفو از صفات ربوبی است، اما مقام احسان بالاتر از مقام عفو است؛ زیرا عفو، تنها شامل گذشت است، اما احسان تلافی به ضد است؛ یعنی خوبی و نیکی در برابر کار بدی که فرد در حق انسان انجام داده است، مشاهده می‌شود که گذشت از خطای دیگران، بنابر وسعت روحی افراد، می‌تواند حتی به احسان و خوبی بر خطاکار ختم شود.

۱. «و من یشکر فانما یشکر لنفسه؛ هر پندهای که شاکر باشد، بداند که این شکر به سود خودش است». سوره لقمان (۳۱)، آیه ۱۲.

۲. سوره بقره (۲)، آیات ۱۵۵-۱۵۷.





گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

روزی یکی از کنیزان امام سجاد علیه السلام به دست‌ان آستان آن حضرت آب می‌ریخت. ناگهان ظرف آب افتاد و به سر مبارک امام علیه السلام اصابت کرد؛ به گونه‌ای که سر آن حضرت شکست. حضرت سرش را به طرف کنیز برگرداند. کنیز که نگران و هراسان شده بود، بازیر کی این آیه را خواند:

«والکاظمین الغیظ: پرهیز کاران خشم خود را فرو می‌خورند». امام علیه السلام فرمود: خشم خود را فرو بردم.

کنیز ادامه آیه را تلاوت کرد: «والعافین عن الناس: پرهیز کاران، خطا کاران را می‌بخشند». امام علیه السلام فرمود: تو را بخشیدم.

کنیز پایان آیه را خواند: «والله يحب المحسنین». امام سجاد علیه السلام به کنیز احسان کرد و فرمود: «برو، تو را در راه خدا آزاد ساختم»^۱.

جمله خشم از کبر خیزد از تکبر پاک شو	گر نخواهی کبر را روی تکبر خاک شو
خشم هرگز بر نخیزد جز ز کبر ما و من	هر دورا چون نردبان زیر آرد در افلاک شو

«مثنوی معنوی»

۱. شیخ مفید؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.



﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ ﴾

خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید.

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۱

آن جناب فرمود: نظر نکنید به بسیار نماز خواندن مردم و بسیار روزه گرفتن و زیاد حج کردن آن‌ها و زمزمه آن‌ها در شب (گرچه این‌ها در جای خود مهم است)، بلکه نظر کنید به راست گفتن حدیث و ادا کردن امانت.^۳

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۵۸.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۱.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، ج ۲، ص ۲۸۸.



برای تومی نویسم

امانت به منش و حالتی گفته می‌شود که انسان را برمی‌انگیزاند تا به حفظ حقوق دیگران اقدام کرده و از زیان و آسیب‌رسانی به آن باز دارد. از نظر اسلام عرصه امانت بسیار گسترده است و هر نعمتی که خداوند متعال به انسان داده، هر کاری که به او واگذار می‌شود و هر مسئولیتی که به او سپرده شود، در حقیقت امانتی است که در اختیار او نهاده شده است. ویژگی و اهمیت (امانت‌داری تا آنجا مورد توجه اسلام است که آن را با ایمان، ملازم و برابر دانسته و ایمان افراد را آنگاه می‌پذیرد که با امانت‌داری توأم باشد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد.^۱ در روایت بالانیز اهمیت امانت‌داری تا آنجاست که شاخصه شناخت مسلمان واقعی دانسته شده است.

پاسخ یک علامت سؤال

ملاک سنجش ایمان و دین‌داری، کثرت نماز است یا امانت‌داری و صداقتم؟ معیار شرافت و انسانیت فقط به زیادی نماز، روزه گرفتن و حج نیست، بلکه صداقت و امانت‌داری به عنوان رعایت حقوق اجتماعی معیار و شاخصه انسانیت محسوب می‌شود. این ویژگی معیار مناسبی برای ارزیابی شخصیت معنوی بوده و معیار مسلمانی و ایمان شخص، صدق و امانت اوست. و می‌توان گفت، موضوع این نیست که آیا نماز مهم‌تر از امانت‌داری است و یا امانت‌داری مهم‌تر از نماز است، بلکه موضوع این است که اساساً ملاک مقبولیت نماز، همان امانت‌داری است. امام صادق علیه السلام - مشابه روایت بالا - فرمود:

۱. ابن‌شعث، محمد بن محمد؛ الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۳۶.



فریب نماز و روزه مردم را نخورید (یعنی مبدا به خیال اینکه فلانی نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، به او کاملاً اعتماد کنید)؛ چون چه بسا کسی به نماز و روزه‌اش عادت کرده و از سر عادت آن‌ها را به جامی آورد؛ طوری که اگر آن‌ها را ترک کند، دچار وحشت می‌شود! (پس) اگر می‌خواهید مردم را بسنجید، آن‌ها را با عیار راست‌گویی و امانت‌داری بسنجید و اگر امانت‌دار و راست‌گو هستند، آنگاه اهل ایمان و اعتقادند و قابل اطمینان.^۱

راست‌گویی، درست‌کرداری و امین بودن، فضایی از اعتماد را ایجاد می‌کند که به رشد اجتماعی کمک کرده و بدون آن کارها سست و قراردادهای نامطمئن و قول و قرارها متزلزل خواهد بود. امانت‌داری یکی از اصول زندگی دینی است که اگر در ابعاد مختلف حیات فردی، اجتماعی و شغلی رعایت شود، خیلی از آسیب‌های سبک زندگی کنونی ما برطرف می‌شود. البته این نکته را فراموش نکنیم که اهل بیت علیهم‌السلام نفرموده‌اند که نماز نخوانید. در حقیقت ائمه علیهم‌السلام می‌خواهند نمازی که برای ربا و خودنمایی کردن است را رد کنند و اینکه زیادی نماز و روزه باعث نشود که شما ویژگی‌های دیگر فرد را نادیده بگیرید. از برخی روایات استفاده می‌شود که سخنان خصوصی که میان حتی دو نفر هم رد و بدل می‌شود، مصداق امانت محسوب می‌شود و کسی از آنان حق ندارد بدون اجازه صاحب سخن، حرف او را افشا نماید.^۲

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

مقدس اردبیلی برای رفتن از نجف به کاظمین حیوانی را اجاره کرده بود. شخصی امانت

۱. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۷۳۸.

کوچکی به او داد که به صاحبش برساند. مرحوم مقدس اردبیلی امانت را در جیب خود گذاشت، اما بر آن حیوان سوار نشد و وقتی دلیلش را پرسیدند، جواب داد: این حیوان را از صاحبش اجاره کردم که خود بر آن سوار شوم؛ نه اینکه چیز دیگری با خود بیاورم. حالا این خیانت در امانت است که من سوار حیوان شوم.^۱

از ریا و غل و غش خالی شوای طاعت پرست صدق و اخلاص و امانت بهتر است از صد نماز

«دیوان فیض کاشانی»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)

۱. سعیدپور، کاظم؛ جهل موضوع/ ۳۳۹/ داستان، ذیل رسم امانت‌داری.



وفاى به عهد نزد اهل بيت عليهم السلام چه جاىگاهى دارد؟ چگونه به عهدم وفا کنم؟

﴿ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾^۱

وبه عهد و پیمان وفا کنید؛ زیرا امروز قیامت [در باره پیمان بازخواست خواهد شد.

«عَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»^۲

ما خاندانی هستیم که وعده‌های خود را همانند دین خود می‌دانیم؛ همان طور که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله چنین بود.

﴿ برای تومی نویسم ﴾

بدهی تنها آن نیست که انسان چیزی را از کسی بگیرد و مقابل آن را

۱. سوره اِسْرَاء (۱۷)، آیه ۳۴.

۲. مشکاة الأَنْوَار فی غرر الأخبار، ص ۱۷۳.



بدهکار شود، کسانی که به دیگران وعده می‌دهند، در حقیقت کاری به ذمه می‌گیرند و مسئولیتی را می‌پذیرند و در حقیقت یک دین اخلاقی غیرقابل انکاری دارند. وفای به عهد نشانه شخصیت، ایمان، بزرگی و راستی و نیز موجب تحکیم مبانی اطمینان عمومی در جامعه و زنده‌کننده روح همکاری‌های اجتماعی است. به همین دلیل در اسلام، بسیار بر وفای به عهد تکیه شده است، تا آنجا که وفای به عهد طبق برخی روایات نشانه دین‌داری و تخلف از آن نشانه بی‌دینی معرفی شده است. آری! آنجا که وعده می‌دهیم، خود را بدهکار بدانیم.^۱

بسیاری از روابط اجتماعی و خطوط نظام اقتصادی و مسائل سیاسی همگی بر محور عهدها و پیمان‌ها دور می‌زند که اگر تزلزلی در آنها پیدا شود و سرمایه اعتماد از بین برود، به زودی نظام اجتماع فرو می‌ریزد و هرج و مرج و وحشتناکی بر آن حاکم می‌شود. به همین دلیل در آیات قرآن تأکید فراوان روی مسئله وفای به عهد شده است. عهد و پیمان معنی وسیعی دارد که هم شامل عهدهای خصوصی در رابطه با مسائل اقتصادی و کسب و کار و زناشویی و امثال آن می‌گردد، و هم شامل عهد و پیمان‌هایی که در میان ملت‌ها و حکومت‌ها برقرار می‌گردد، و از آن بالاتر شامل پیمان‌های الهی و رهبران آسمانی نسبت به امت‌ها و امت‌ها نسبت به آن‌ها نیز می‌شود.^۲

پاسخ یک علامت سؤال

وفای به عهد نزد اهل بیت علیهم‌السلام چه جایگاهی دارد؟ چگونه به عهدم وفا کنم؟

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ یکصد و پنجاه درس زندگی، ص ۹۸.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۱۱.



وفای به عهد در نزد ائمه همچون ادای دین است و آن‌ها آن را مسئولیتی بر عهده خود می‌دیدند. وفای به عهد، یکی از بدیهی‌ترین ارزش‌های اجتماعی است که مقبولیت عمومی دارد. حضرت علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست. حتی مشرکان هم، پیمان‌ها را در میان خود محترم می‌شمردند؛ زیرا عواقب پیمان‌شکنی را دریافته بودند.^۱ با توجه به اهمیت وفای به عهد نزد خداوند و اهل بیت علیهم السلام، متأسفانه آدم‌هایی هستند که بی‌خود و بی‌سبب و بدون اینکه قادر به انجام دادن کاری باشند، قول می‌دهند؛ در حالی که همیشه باید بار را به اندازه توانایی خود برداشت و لزومی ندارد همه جا صددرصد قول بدهیم؛ به‌ویژه قولی که نمی‌خواهیم به آن عمل کنیم. اگر هم قولی دادیم، سعی کنیم حتماً به آن عمل کنیم؛ چون باید یک روزی پاسخ‌گو باشیم. امام رضا علیه السلام فرمود: آیا می‌دانی چرا اسماعیل را صادق الوعد (خوش قول) گفته‌اند؟ عرض کردم: نه. فرمود: با مردی [در جایی] وعده گذاشت و یک سال به انتظار او نشست.^۲

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردی قرار گذاشت که در کنار صخره معینی در انتظار بماند تا وی برگردد. حرارت شدید آفتاب باعث رنج آن حضرت در کنار آن صخره شده بود. یاران ایشان گفتند: چه اتفاقی می‌افتد اگر به سایه بروید؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱. الشریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. عبون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۹.

فرمود: «میعادگاه ما در همین مکان است. من در اینجا منتظر خواهیم ماند و اگر نیامد،
خلف وعده از او سر زده است»^۱.

پیش ما رسم شکستن نبود عهد و فارا الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را
گر سرم می رود از عهد تو سر باز نیچم تا بگویند پس از من که به سر برد وفارا

«کلیات سعدی»



به ۴۰ پرسش قرآنی
پاسخ های امام رضا (ع)

۱. عزیزی، عباس؛ اخلاق محمدی (ع)، ص ۷۴.



دوستان ماندگار و دوستانی که در قیامت به دشمنم تبدیل می شوند،

چه کسانی هستند؟

﴿ يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴾

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم!

«عَنِ الرَّضَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: يَا بَنِيَّ! إِتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَقَلِيلٌ وَلَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَوَاحِدًا، وَالوَاحِدُ كَثِيرٌ.»

امام رضا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: «لقمان حکیم به فرزندش فرمود: ای پسر! هزار دوست بگیر؛ در حالی که هزار دوست کم است و یک دشمن مگیر که یک دشمن بسیار است.»^۲

۱. سوره فرقان (۲۵)، آیه ۲۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۰۷.

برای تومی نویسم

یکی از مباحث مهم در مسائل اجتماعی، میزان و نحوه ارتباط انسان در دوستی‌ها و روابط دوستانه است. انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از انتخاب دوست است، اما نکته مهم در این میان، تأثیر بسیار زیاد دوست بر شخصیت انسان است که در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بدان اشاره شده است. بدون شک عامل سازنده شخصیت انسان - بعد از اراده و خواست و تصمیم او - امور مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها همنشینان و دوستان هستند؛ چرا که انسان خواه ناخواه بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می‌گیرد،^۱ تا آنجا که روایات، اطلاع از میزان دین‌داری اشخاص را با شناخت همنشینان وی ممکن دانسته‌اند. گاه برخی روابط دوستانه، در حقیقت انتخاب و اختیار نمودن دشمن است و روایت امام‌رضا علیه‌السلام نیز بر هوشمندی در انتخاب صحیح و تشخیص دوست و دشمن تأکید دارد.

آن حضرت، دوستی با مردم را نیمی از عقل و زیادی دوستان را از جمله خوشی دنیا دانسته‌اند.^۲ ایشان در روایتی ثواب زیارت نیکان را با وجود دوری راه از ائمه علیهم‌السلام، معادل ثواب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام و ثواب صله با ایشان را ثواب صله اهل بیت علیهم‌السلام بر شمرده‌اند.^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۲.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۳، ص ۲۲۸.

۳. ابن قولویه؛ کامل‌الزیارات، محقق و مصحح: عبدالحسین امینی، ص ۳۱۹.



پاسخ یک علامت سؤال

علت تبدیل برخی دوستی‌ها به دشمنی در روز قیامت چیست؟

در سوره فرقان خداوند حال برخی ظالمان را این گونه بیان می‌دارد: (روز قیامت) روزی است که می‌بینی ظالم (از شدت حسرت) دست خود را می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با فلان شخص دوست نمی‌شدم! قرآن مجید به بر این نکته تأکید دارد که دوستی‌های مبتنی بر ایمان و تقوا، هرگز در دنیا به ستم در حق یکدیگر^۱ و در قیامت به دشمنی با یکدیگر تبدیل نمی‌شود.^۲ در روز قیامت، تبدیل شدن دوستی‌های مبتنی بر گناه و فساد به دشمنی، موضوعی کاملاً طبیعی است؛ چراکه هر کدام از این دوستان، دیگری را عامل بدبختی و بیچارگی خود می‌داند، اما پیوند دوستی انسان‌های باتقوا در زندگی دنیا و نیز در سرای آخرت موجب برکت است؛ زیرا ملامک و معیار دوستی آنان الهی است. پس نتایج پربار این دوستی‌ها، گذشته از دنیا، در قیامت آشکارتر می‌شود.

گنجینه‌ای از یک گفتار، یک شعر

ارسطو می‌گوید: بایستی به اطفال بیاموزند که احدی قدرت ندارد بدون دوست و رفیق زندگی کند. به نظر من قدر دوست واقعی، بالاتر از تمام گنج‌های قارون و ذخیره‌های سلاطین و اشیای نفیس از جواهرات است.^۱

۱. ابیطی، حسن؛ اتحاد و دوستی، ص ۲۱ - ۲۰.



دوست مشمار آن که در نعمت زند لاف یاری و برادر خواندگی
دوست آن دانم که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

«گلستان سعدی، حکایت ۱۶»



پسرخ هان امام رضا
به ۴۰ پرش قرآنی

چرا به خوبی ها دعوت و از بدی ها نهی کنم؟



باسم حق امام رضا
به ۴۰ پرسش قرآنی

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...^۱

شما بهترین امتی هستید که ابرای اصلاح جوامع انسانی آیدیدار شده اید؛
به کار شایسته و پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند و زشت باز می دارید
و از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص آ به خدا ایمان می آورید.

«أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَاذُنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى»^۲.

«امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هرگاه امت من از انجام امر به
معروف و نهی از منکر سرپیچی کنند و آن را به یکدیگر واگذار نمایند، گویا با خداوند

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۱۰.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۴۹۳.

اعلان جنگ داده‌اند او خود را برای بلایی سخت از جانب خداوند جلیل آماده کرده‌اند».

برای تومی نویسم

آیین مقدس اسلام در کنار دیگر برنامه‌های فردی و اجتماعی خود، از پیروانش می‌خواهد که نسبت به آنچه از دیگران می‌بینند، بی‌تفاوت نباشند، بلکه آن‌ها را به‌سوی خوبی‌ها فرا بخوانند و از بدی‌ها باز دارند. این دو وظیفه اساسی، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد. قرآن امر به معروف و نهی از منکر را نشانه مؤمنان دانسته و امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به دلیل امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا، بهترین امت از میان امت‌ها معرفی فرموده است.^۱ بدیهی است هنگامی که این فریضه الهی ترک شود، این وجه برتری نیز از میان خواهد رفت. روایات متعددی به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، شرایط، شیوه و مراتب، نتایج و ثمرات آن اشاره دارند و برخی از روایات نیز به آثار ترک این واجب بزرگ پرداخته‌اند. امام رضا علیه السلام در حدیثی که اشاره شد، به آثار سهل‌نگاری در این واجب الهی می‌پردازد. ایشان تعبیر اعلان جنگ با خدا را برای ترک امر به معروف و نهی از منکر به کار برده‌اند. این تعبیر در قرآن درباره گناهانی مثل ربا به کار رفته که آثار مخرب اجتماعی عمیقی دارد.^۲

پاسخ یک علامت سؤال

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۱۰.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۲۷۹.



به چه دلیل از میان سایر واجبات، امر به معروف و نهی از منکر وجه برتری امت اسلام است؟

برخی واجبات و فرایض گرچه از لحاظ فردی و اجتماعی مهم‌اند، اما تأثیری در سایر تکالیف ندارند. به عبارت دیگر نفع و ضرر این گونه اعمال محدود به همان دایره خودشان است؛ اگر انجام شوند فواید و آثاری که در حد خود آنهاست، ظاهر می‌شود و اگر ترک شوند، آن آثار و فواید ترک می‌شود. اما برخی دیگر از واجبات به گونه‌ای هستند که در انجام سایر واجبات نیز تأثیر دارند و به برکت عمل به آنها، به فرایض دیگر نیز عمل خواهد شد. امر به معروف و نهی از منکر دسته دوم از واجباتند. محتوای امر به معروف و نهی از منکر این است که مسلمانی به مسلمان دیگر می‌گوید، فلان واجب، مثلاً نماز را انجام بده، یا فلان حرام، مثلاً غیبت را ترک کن؛ یعنی به برکت امر به معروف و نهی از منکر، نماز خوانده می‌شود و غیبت ترک می‌شود. بنابراین شأن امر به معروف و نهی از منکر شأن احیای واجبات دیگر و ریشه‌کن کردن محرّمات است و هیچ واجب دیگری چنین خصوصیت و نقشی ندارد.

گنجینه‌ای از یک گفتار و یک شعر

امام موسی صدر (۱۳۲۸ ه. ش) وقتی وضعیت نابسامان حجاب در لبنان را دید، نهی از منکر عملی را در پیش گرفت و حدود یک‌سال در زمینه علل و راه‌های مبارزه با آن تحقیق کرد. ایشان می‌گوید: «پس از یک‌سال مطالعه عامل اصلی این بی‌بندوباری را در بی‌سوادی و دور بودن زنان از تعالیم اخلاقی و دینی یافتیم و فهمیدیم که نخست باید سطح فکری و تربیتی آنان از جهت دینی و اخلاقی تقویت بشود، ولی دو مانع بزرگ در پیش داشتیم: اولاً،





زنان لبنان بر خلاف زنان ایران در مسجد و مجالس عزاداری به هیچ وجه شرکت نمی‌کردند؛ ثانیاً، شخصیت زنان به‌طور معمول با زیبایی، تظاهر به تجمل و مد آمیخته بود». بنابراین ایشان جمعیتی به نام (جمعیت بر و احسان) تشکیل داد و حضور زنان را در آن آزاد کرد و مسئولیت‌های متعددی همچون: توزیع کمک به فقرا را به آن‌ها سپرد و به‌مرور روح انسانی را در آن‌ها تاحدودی زنده کرد؛ به‌گونه‌ای که درک کردند زنان به‌جز مدپرستی و لباس خوب پوشیدن، جنبه‌های دیگری هم دارند.^۱

در ابیات زیر سعدی آمران به معروف را به عمل به آنچه خود می‌گویند، دعوت می‌کند:

ترک دنیا به مردم آموزند	خویشتن سیم و غله اندوزند
عالمی را که گفت باشد و بس	هر چه گوید نگیرد اندر کس
عالم آن کس بود که بد نکند	نه بگوید به خلق و خود نکند

«گلستان سعدی، حکایت ۳۷»

۱. عابدی، محمد؛ پیکار با منکر در سیره ابرار، ص ۱۸۷.

کتابنامه

— قرآن کریم، ترجمه انصاریان.

— ابراهیمی فر، علی اصغر: پندها و حکایت‌های اخلاقی (بر گرفته از آثار آیت‌الله مظاهری)، چاپ اول، انتشارات

مؤسسه فرهنگی یمین، ۱۳۷۷ ه.ش.

— ابطحی، حسن: اتحاد و دوستی، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ه.ش.

— ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله: شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، چاپ اول، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی

النجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.

— ابن‌ادریس، محمد بن احمد: السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ه.ق.

— ابن‌الأسعث، محمد بن محمد: الجعفریات (الأشعثیات)، الطبعة الأولى، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی‌تا.

— ابن‌بابویه، محمد بن علی: الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ه.ش.

— من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

— ابن‌بابویه، محمد بن علی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ه.ق.

— کمال‌الدین و تمام‌النعمة، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر اسلامی،

۱۳۹۵ ه.ق.

— ابن‌سعد هاشمی بصری، محمد: الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، جلد دوم، چاپ اول، بیروت،

دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه.ق.

— ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی: تحف العقول، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، جامعه مدرسین،

۱۴۰۴ ه.ق/۱۳۶۳ ه.ش.





- _____ :رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، تهران، انتشارات فرزانه روز، ۱۳۷۶ ه.ش.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد: *عمدة الداعی ونجاح الساعی*، چاپ اول، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ابن قولویه: *کامل الزیارات*، محقق و مصحح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المر تظویة، ۱۳۵۶ ه.ش.
- ابن هشام، عبدالملک: *السیرة النبویة*، تحقیق: مصطفی السقا؛ ابراهیم الأبیاری؛ عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
- اسدی، اکبر: *نردبان آسمان*، قم، پارسایان، ۱۳۹۲ ه.ش.
- اشتهاردی محمدی، محمد: *داستان دوستان*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ه.ش.
- اصفهانی، راغب: *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دمشق، دار القلم، بی تا.
- اعتصامی، پروین: *دیوان اشعار*، راه کمال، ۱۳۸۶ ه.ش.
- اقبال لاهوری، محمد: *کلیات اشعار*، مصحح احمد سروش، چاپ سنایی، ۱۳۹۰ ه.ش.
- امینیان، کرم خدا؛ ترجمه قرآن (ترجمه منظوم کرم خدا امینیان)، چاپ اول، قم، اسوه، ۱۳۸۵ ه.ش.
- پورامینی، محمدباقر: *چرا زندگی می کنم؟*، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱ ه.ش.
- تبریزی، صائب: *دیوان*، مصحح محمدعلی صائب، نشر صائب، ۱۳۹۲ ه.ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد: *غرر الحکم ودرر الکلم*، محقق و مصحح: سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق.
- تمیمی بستنی، ابوحاتم محمد بن حبان بن أحمد: *الثقات*، تحقیق السید شرف الدین أحمد، الطبعة الأولى، دار الفکر، ۱۳۹۵ ه.ق. - ۱۹۷۵ م.
- حافظ، شمس الدین محمد: *دیوان*، مشهد، به نشر، ۱۳۸۵ ه.ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن: *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ه.ق.
- حسن زاده کواکبی، رضا: *تحفه رضوی*، مشهد، انتشارات سیمرغ خراسان، ۱۳۹۳ ه.ش.
- حکیمی، محمد رضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی: *الحیة*، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۸۰ ه. ش.

- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر: *نزهة الناظر وتنبيه الخاطر*، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام

المهدی علیه السلام، ۱۴۰۸ ه. ق.

- حیدری نراقی، علی محمد: *رساله حقوق امام سجاد علیه السلام*، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۸۵ ه. ش.

- دیون پورت، جان: *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، مترجم: غلامرضا سعیدی، مؤسسه فرهنگی جهان

رایانه کوثر، ۱۳۸۷ ه. ش.

- رفیعی، علی: *شهاب شریعت*، ناشر: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۳۷۲ ه. ش.

- سبحانی، جعفر: *فروع ابدیت (تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)*، چاپ بیست و یکم، قم،

بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ه. ش.

- سرگلزایی، علی اکبر: *نگرشی به فرهنگ و تمدن از دیدگاه نهج البلاغه*، چاپ اول، انتشارات باران اندیشه،

۱۳۸۸ ه. ش.

- سعدی، شیخ مصلح الدین: *کلیات*، مصحح محمد علی فروغی، تهران، نشر شهرزاد، ۱۳۸۹ ه. ش.

- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم: *دیوان*، نشر آزاد مهر، ۱۳۸۱ ه. ش.

- شیخ مفید، محمد بن محمد: *الإختصاص، المؤتمر العالمی لآلئمة الشیخ المفید*، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

_____: *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، قم،

۱۴۱۳ ه. ق.

- صادقی اردستانی، احمد: *باصد حدیث اعتقادی و اخلاقی*، نشر امام عصر علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ ه. ش.

- صدر، سید محمد: *تاریخ غیبت کبری*، مترجم سید حسن افتخارزاده، چاپ دوم، تهران، انتشارات نیک

معارف، ۱۳۸۲ ه. ش.

- طباطبایی، سید محمد حسین: *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه. ق.





- _____ : ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ه.ق.
- _____ : طبرسی، فضل بن حسن: *إعلام الوری بأعلام الهدی*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۷ ه.ق.
- _____ : *مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار*، الطبعة الثانية، النجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ ه.ق.
- _____ : تفسیر مجمع البیان، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ه.ق.
- _____ : عابدی، محمد: *پیکار یا منکر در سیره ابرار*، قم، نشر معروف، بی تا.
- _____ : عاملی، ابراهیم: *تفسیر عاملی*، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی صدوق، ۱۳۶۰ ه.ق.
- _____ : عطار، محمد بن ابراهیم: *شرح پندنامه عطار*، شارح: محمد گلوی، نسخه خطی، آستان قدس رضوی.
- _____ : عطار دی، عزیزالله (مؤلف و مترجم): *اخبار و آثار حضرت امام رضا عليه السلام*، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۹۷ ه.ق.
- _____ : عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم: *طبقات مفسران شیعه*، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۶ - ۱۳۷۱ ه.ش.
- _____ : علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر: *کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام*، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ ه.ق.
- _____ : *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، مترجم علی شیروانی، تهران، دارالعلم، ۱۳۸۱ ه.ش.
- _____ : *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام*، چاپ اول، مشهد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۶ ه.ق.
- _____ : فیض کاشانی، ملامحسن: *دیوان اشعار*، تهران، کتاب فروشی میر کمالی، ۱۳۷۸ ه.ش.
- _____ : قرائتی، محسن: *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۹ ه.ش.
- _____ : قرشی بنایی، علی اکبر: *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ه.ق.
- _____ : قمی، عباس: *سفینه البحار و مدینه الحکم والائثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار*، ۱۴۱۴ ه.ق.
- _____ : قمی، علی بن ابراهیم: *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ ه.ش.
- _____ : کلینی، محمد بن یعقوب: *گزیده کافی*، مترجم: محمدباقر بهبودی، تهران، شرکت انتشارات علمی و

فرهنگی، ۱۳۸۶ ه.ش.

_____ :الکافی، ترجمه کمره‌ای، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ه.ش.

_____ :الکافی، محقق و مصحح، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران،

دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه.ق.

_____ :مبارکفوری، محمد عبدالرحمن: تحفة الاحوذی بشرح جامع الاحوذی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة،

۱۴۱۰ ه.ق.

_____ :مجد، امید: ترجمه قرآن (مجد)، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات امید مجد، ۱۳۸۲ ه.ق.

_____ :مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی: بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.

_____ :مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، چاپ دوم، تهران، دارالکتب

الإسلامیة، ۱۴۰۴ ه.ق.

_____ :محدثی، جواد: حکمت‌های رضوی (ترجمه و توضیح چهل حدیث از امام رضا علیه السلام)، چاپ سوم، انتشارات

آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ ه.ش.

_____ :محمدی اشتهاردی، محمد: داستان‌های صاحب‌دلان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه

علمیة قم، ۱۳۶۷ ه.ش.

_____ :محمدی، محمدحسین: هزار و یک حکایت اخلاقی، تهران، نشر نیلوفرانه، ۱۳۹۱ ه.ش.

_____ :محمودی، امیرملک: راز شاد زیستن و خوشبختی در کانون گرم خانواده، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۰ ه.ش.

_____ :مروجی طبسی، محمدجواد؛ پورجوادی، عباس: حکمت‌های رضوی؛ فرهنگ موضوعی سخنان

امام رضا علیه السلام، چاپ اول، قم، نشر معروف، ۱۳۹۳ ه.ش.

_____ :مصباح یزدی، محمدتقی: آموزش عقاید، انتشارات امیرکبیر (شرکت چاپ و نشر بین الملل)، ۱۳۸۳ ه.ش.

_____ :مطهری، مرتضی: تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ه.ش.

_____ :مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ه.ش.





- مکارم شیرازی، ناصر: *اخلاق در قرآن*، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷ ه. ش.
- _____ : تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.
- _____ : یکصد و پنجاه درس زندگی، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶ ه. ش.
- منینگر، کارل: *عجاز روان کاوی*، مترجم: مشفق همدانی، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، ۱۳۴۴ ه. ش.
- موحد ابطحی، محمدباقر: *الصحیفه الرضویه الجامعة*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۰ ه. ق.
- مولوی، جلال الدین محمد: *مثنوی معنوی*، به اهتمام محسن غیور، ۱۳۶۳ ه. ش.
- میبیدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد: *کشف الأسرار و عاءة الأبرار*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱ ه. ش.
- نراقی، ملا احمد: *معراج السعاده*، چاپ هشتم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۱ ه. ش.
- نصیری، علی: *قرآن کتاب شور و شیدایی*، قم، انتشارات وحی و خرد، ۱۳۹۱ ه. ش.
- نوری، میرزا حسین: *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ورامین ابی فراس، مسعود بن عیسی: *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (المعروف به مجموعه ورام)*، ج ۲، چاپ اول، مکتبہ فقیه، قم، ۱۴۱۰ ه. ق.

مقالات

- افسای، محمدجعفر: *انفاق از منظر قرآن و عترت*، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۸۶ ه. ش.
- حسینی، جواد: *ماهنامه پاسدار اسلام*، شماره ۲۹۷، شهریور ۱۳۸۵ ه. ش.
- خرقانی، حسن: *الهیات و حقوق*، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۳ ه. ش.
- زمانی، محمدحسن: *کیفیت صلوات از نگاه فریقین*، فصلنامه طلوع، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۲ ه. ش.
- عامری مهر، فاطمه: *دو ماهنامه بشارت*، سال هشتم، شماره ۴۵.
- ندای انصار: *پرسش از شما، پاسخ از امام رضا علیه السلام*، شماره ۲۵، آبان ۱۳۹۲، ص ۱۹ ه. ش.

-نشریه حدیث زندگی، سال دوم، شماره ۴، گلبرگ، مرداد ماه ۱۳۸۹ ه.ش. شماره ۱۲۱، اوقات فراغت بزرگان.

منابع الکترونیکی

- <http://www.businessinsider.com>

- <http://www.porseman.org>



